



گفت و گو با مهندس ملکبانی فرد:

## حوزه ساخت و ساز سروسامان ندارد

۹

# جای خالی تدبیر در اصلاح قیمت بنزین

بررسی اجرای ماده ۱۱ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی

نحوه جبران خسارت تاخیر  
تأدیه به پیمانکاران ۳۲

دکتر گلابتونچی:

بخش خصوصی نمی‌داند چه جایگاهی  
در احیای بافت‌های فرسوده دارد ۱۶

- حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پور آقا
- خبرنگار: آرزو نوری
- عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی
- مسئول تبلیغات و آگهی: سید مهدی برقی
- لیتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش (۸۸۸۲۸۷۳۴)

- صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران
- مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری
- شورای سیاست‌گذاری:
- مهندس منوچهر ملکینانی فرد (نماینده هیأت مدیره)
- مهندس جواد خوانساری (مدیرمسئول)
- مهندس بهمن دادمان (رئیس هیأت مدیره)
- دکتر ایرج گلاتونچی (دبیر سندیکا)
- مهندس سالار علیاری (خزانه‌دار سندیکا)
- مهندس محمود مصطفی‌زاده (سر دبیر)
- رئیس کمیسیون انتشارات: مهندس علی ورزنده
- سر دبیر: مهندس محمود مصطفی‌زاده
- کمیسیون انتشارات و تحریریه:
- مهندس علی ورزنده (رئیس کمیسیون انتشارات)
- مهندس محمود مصطفی‌زاده (سر دبیر)
- مهندس محمد علی پور شیرازی (کمیسیون عضویت و پیگیری)
- مهندس سیامک مسعودی (کمیسیون قوانین و مقررات)
- مهندس علاءالدین سادات باریکانی

## فهرست مطالب

۳۲ بررسی اجرای ماده ۱۱ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی  
در شورای گفتگو - نشست

۳۶ ایرادات قانون مشاغل سخت‌وزیان آور و راهکارهای مواجهه با آن  
- مقاله

۴۱ انتقال آب از دریای خزر؛ ضرورت‌ها و الزامات آن  
- بیانیه جامعه مهندسان مشاور ایران

۴۳ قانون تخصیص قیر را بگنجان به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد  
- اخبار صنعت ساختمان

۴۳ آزادراه باکو به رشت واردبیل احداث می‌شود  
- اخبار صنعت ساختمان

۴۴ تقارن زلزله آذربایجان شرقی با روز جهانی شهرسازی  
- مقاله

۴۶ انتشار نخستین گزارش «شامخ» در بخش ساختمان  
- گزارش

۶ جای خالی تدبیر در اصلاح قیمت بنزین  
- سرمقاله

۹ حوزه ساخت و ساز سروسامان ندارد  
- گفت‌وگو با مهندس ملکینانی فرد

۱۴ دولت برنامه مشخصی برای احیای بافت فرسوده ندارد  
- نشست

۱۷ محاسبه بازه زمانی حفظ قدرت خرید اسناد  
- مکاتبات سندیکا

۲۰ پاسخ نامه سندیکا در خصوص حفظ قدرت خرید  
از سوی وزارت اقتصاد - مکاتبات سندیکا

۲۵ بخش خصوصی باید توسعه یابد  
- گفت‌وگو با محمد ستاری فر رئیس اسبق سازمان برنامه و بودجه

۲۹ کاهش مصرف داخلی قیر بدلیل توقف پروژه‌های عمرانی  
- گزارش

### نوشته‌های نویسندگان، لزوما نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار است و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است، در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود

تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر، خیابان شهید برادران مظفر (صبا جنوبی)،  
شماره ۸۶، ک.پ: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱-۶۶۹۷۱۴۰۰-۶۶۴۶۴۲۶۱-۶۶۴۰۲۰۳۷  
فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴ پست الکترونیکی:  
payamabadgaran@yahoo.com  
نشانی الکترونیکی: www.acco.ir



# جای خالی تدبیر در اصلاح قیمت بنزین

سرمقاله

پیام آبادگران  
آبان‌ماه ۱۳۹۸  
شماره ۳۸۳

کالای مهمی چون بنزین را مشروط به ایجاد اجماع ملی و اقتناع افکار عمومی می‌کرد. ایجاد اجماع و اقتناع ملی، فرایندی را شامل می‌شود که بر بسترن آن علت تغییر قیمت و همین‌طور راهکارهای پیشگیری و کاهش نگرانی عمومی تشریح می‌شود. این فرایند شامل چند مرحله است که از طرح مسئله تا تصمیم‌سازی و مشارکت یا همراهی همگانی را در بر می‌گیرد. در ادبیات کلان اجرایی می‌توان این پروسه را به نام تدبیر در تصمیم‌گیری و مدیریت خردمندانه خواند. از قضا دولت محترم خود بیش از دیگران چنین ادعایی دارد و به صراحت به مردم وعده تدبیر در تصمیم‌گیری‌های کلان را داده بود.

بدیهی است با توجه به وضعیتی که کشور از نظر درآمدهای ارزی (محدویت بی سابقه در فروش نفت و دریافت وجه آن) و همین‌طور دشواری‌هایی که در صادرات غیرنفتی دارد - در صورت عدم تصویب لوایح پارلمو و سی اف تی (CFT) تشدید خواهد شد - دولت محترم سال آینده را سال سختی از نظر منابع درآمدی قلمداد می‌کند. بنابراین دور از انتظار نبود که تلاش کند منابع درآمدی جدیدی را برای جبران کسری بودجه سال ۹۹ یا ترمیم معیشت طبقات آسیب‌پذیر که به شدت تحت تاثیر مشکلات اقتصادی کشور هستند، شناسایی کند. در حال حاضر دولت برای افزایش درآمدهای

و بدون اعلام قبلی قیمت بنزین از مصادیق رفتار بدون تدبیر در حوزه اقتصاد محسوب می‌شود. چنانکه در اثر اعتراض‌های خشونت‌بار، آبان ۹۸ را باید در شمار حوادث دی ماه ۹۶ و حتی پرهزینه تراز آن تلقی کرد. آیا دولت محترم توجه نداشت افزایش قیمت بنزین به عنوان یکی از حامل‌های انرژی و کالای استراتژیک اهمیتی حتی فراتر از سایر کالاهای هم‌تراز خود دارد و پیامی را به جامعه منتقل می‌کند که امنیت روانی مردم را نسبت به وضعیت امروز و اطمینان آنان را نسبت به شرایط آتی از بین می‌برد. به عنوان مثال وقتی در شرایط کاهش شدید فروش نفت، تشدید تحریم‌ها، افزایش فشارهای اقتصادی بر مردم و رشد تورم... دولت به ناگاه قیمت بنزین را فراتر از انتظارات افزایش می‌دهد به معنی آن است که دولت زیر فشار شدید تامین هزینه‌های اداره کشور قرار دارد. ارسال چنین پیامی به جامعه از نظر روانشناختی موجب ورود شوک به مردم و از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی موجب فعال شدن گسل‌های یاس و تحریک کسانی می‌شود که دیگر امیدی به توان دولت برای اداره اقتصاد کشور ندارند.

با توجه به شرایطی که در آن قرار داریم ضرورت داشت دولت محترم یا سایر نهادهای مرتبط، هر نوع تغییر در تعیین نرخ

جای خالی «تدبیر» در اصلاح قیمت بنزین تجربه ما به عنوان فعالان حوزه صنعت احداث و همین‌طور گواه کارشناسان اقتصادی آن است که تغییر ناگهانی پارامترهای اقتصادی یا قیمت کالاهای استراتژیک، تاثیرات مخربی بر کسب و کارها و همین‌طور درک مردم از وضعیت آتی کشور می‌گذارد. دولت به عنوان بزرگترین نهاد تصمیم‌گیر در حوزه اجرایی و معتبرترین نهاد مشرف بر وضعیت شاخص‌های معیشتی و اقتصادی مردم، بیش از هر سازمان و نهاد دیگری از چالش‌های اقتصادی و سایر ابرچالش‌های کشور آگاه است. با این وجود بارها شاهد آن بوده‌ایم که بر اثر بی‌تدبیری در تصمیم‌گیری‌ها، هم اعتماد عمومی به سیستم حکمرانی کشور آسیب دیده و هم اینکه عموم مردم و صاحبان برخی کسب و کارها در اثر این تغییرات ناگهانی متضرر شده‌اند. بنابراین از دولت تدبیر و امید انتظار می‌رود که متناسب با گفتمان حکمرانی‌اش که مبتنی بر خردورزی جمعی، مدیریت مشارکت‌گرایانه و مقید به حقوق شهروندی (طبق منشور حقوق شهروندی) است، بر کشور مدیریت کند.

با این وصف، فرایندی که دولت محترم در ماجرای حساس و پراعتراض افزایش قیمت بنزین طی کرد با مطالبه فوق‌الذکر فاصله دارد. چرا که افزایش شدید، ناگهانی

ریالی خود دو بستر دارد. نخستین آن افزودن بر قیمت کالاهای اساسی و دومین آن کاهش یارانه مستقیم مردم است که در قالب طرح هدفمندسازی یارانه‌ها (آزادسازی قیمت‌ها) از سالیان پیش به حساب اکثریت شهروندان واریز می‌شود. البته علاوه بر اینها می‌تواند هزینه‌های جاری خود را کاهش دهد یا با روش بودجه نویسی عملیاتی مانع بخشی از هزینه کردهای غیر ضرور در حوزه‌های مختلف شود. همین طور می‌تواند پایه مالیاتی را توسعه دهد و... اما در مجموع افزایش قیمت برخی کالاهای اساسی یا حذف یارانه بخشی از مردم سهل الوصول تر و موثرتر از سایر روشهای تامین منابع مورد نیاز دولت است. براین اساس ظن قوی کارشناسان و افراد خبره این بود که دولت خود را گرفتار عواقب حذف یارانه‌ها یا اخذ مالیات‌های جدید از برخی طبقات جامعه یا خدمات و کالاهای دیگر نمی‌کند بلکه دیر یا زود به سمت اصلاح نرخ حامل‌های انرژی خواهد آمد.

از آنجایی که طبق تجربه‌های موجود، دستکاری قیمت کالای مهمی چون بنزین می‌تواند به تورم موجود دامن بزند یا حتی جریان تورم انتظاری را تحریک کند، ضرورت داشت دستگاههای مربوطه به تشریح دلایل این تصمیم می‌پرداختند که متاسفانه چنین نکردند و حتی برخی توضیحات بعدی، بدبینی‌ها نسبت به انگیزه دولت محترم را تشدید کرد.

در نگاه اول به نظر می‌رسد عدم اطلاع رسانی خود یک استراتژی برای گذر سریع از تبعات این تصمیم و قرار دادن مردم در مقابل تصمیم اتخاذ شده بود اما با تأمل بیشتر معلوم می‌شود علت اصلی نبود پیوست اطلاع رسانی و اقلان سازی افکار عمومی، ناشی از ضعف منطق دلایل اعلامی افزایش قیمت است. به بیان روشن ادله دولت برای افزایش نرخ بنزین افکار عمومی را اقلان نکرد و از نظر سیاسی هم اجماع ملی پیرامون آن شکل نگرفت. به نظر می‌رسد دولت در یک مسیر سردرگم یا غیر قابل اعلام عمومی (از جمله پیش بینی تحریم‌های شدیدتر در سال آتی) به تصمیم برای افزایش قیمت این کالای استراتژیک رسید و به همین دلیل از استدلال کافی و

منطق روشن برای تبیین دلیل تصمیم خود برخوردار نبوده است.

برای درک بیشترین نکته باید توجه داشت که اصلاح قیمت بنزین می‌تواند ناشی از چهار دسته عوامل اصلی باشد و دولت محترم باید در ابتدا دلیل تصمیم خود را به صورت روشن و شفاف به مردم عرضه می‌کرد. چرا که بار اصلی فشار اقتصادی این تصمیم بر دوش مردم است.

**۱- تشدید سیاست‌های توزیعی و رفاهی؛** براساس اظهارات برخی از مقامات ارشد اجرایی، دولت محترم با هدف خلق منابع جدید درآمدی برای حمایت از اقشار پایین دست، قیمت بنزین را افزایش داده است. این ادعا در روزهای پس از اعتراضات به کرات از سوی دولت‌مردان و مقامات ارشد اجرایی تکرار و وعده داده شد که ریالی از این درآمد نصیب خزانه دولت نشده و همه آن در حساب مردم بازتوزیع خواهد شد. علت اینکه این ادعا نتوانست مانع از اعتراضات مردمی و کارشناسی شود آن بود که با گفتمان دولت مطابق نبود. افکار عمومی فراموش نکرده که این دولت خود را مخالف سیاست‌های توزیعی و به اصطلاح پول پاشی معرفی کرده و بارها نسبت به تصمیم دولت قبلی برای توزیع یارانه‌های

**از آنجایی که طبق تجربه‌های موجود، دستکاری قیمت کالای مهمی چون بنزین می‌تواند به تورم موجود دامن بزند یا حتی جریان تورم انتظاری را تحریک کند، ضرورت داشت دستگاههای مربوطه به تشریح دلایل این تصمیم می‌پرداختند که متاسفانه چنین نکردند و حتی برخی توضیحات بعدی، بدبینی‌ها نسبت به انگیزه دولت محترم را تشدید کرد**

مستقیم معترض شده و آنرا یک سیاست شکست خورده معرفی کرده است. بنابراین اعلام چنین سیاستی یک چرخش آشکار در رویکرد دولت قلمداد می‌شود که نیاز به همسوسازی افکار عمومی داشت. اما چنین مسیر و روالی طی نشد.

**۲- مقابله موثر با قاچاق کالا؛** گرچه متغیر قیمت، تاثیر غیر قابل کتمان بر مسئله قاچاق کالا دارد و چه بسا مهمترین محرک قاچاق علاوه بر دشواری معیشت مرز نشینان، پولشویی، ضعف نظارت و... محسوب می‌شود اما با وجود تداوم فاصله قیمتی (بنزین با نرخ جدید هنوز فاصله قابل توجهی با قیمت‌های آنسوی مرز دارد)، قابل توجه نیست که برای یک اصلاح جزئی، چنین هزینه سنگین امنیتی و اقتصادی پرداخته شود. اگر هدف اصلی صرفا جلوگیری از قاچاق باشد اصلاح قیمت باید گونه‌ای بود که انگیزه قاچاق را از بین ببرد نه آنکه تنها بخشی از منفعت قاچاق را کاهش دهد.

**۳- حرکت به سوی آزادسازی قیمت‌ها؛** دلیل دیگری که می‌توان برای تصمیم دولت اقامه کرد، این است که این اقدام با هدف برداشتن گامی به سمت آزادسازی قیمت‌هاست. این ادعا نیز پذیرفتنی نیست چون در شرایطی که دولت دست به سرکوب قیمت‌ها از نرخ ارز تا خیلی از کالاهای اساسی دیگر زده دلیلی بر استثنا سازی بنزین موجود نیست. ضمن اینکه برای تعیین نرخ آزاد هر کالایی از جمله بنزین ابتدا باید درباره قدرت برابری ریال با دلار به توافق رسید. برآیند دیدگاه دولت نشان می‌دهد نرخ دلار به قیمت موجود را به رسمیت نمی‌شناسد بنابراین در این شرایط نمی‌توان نرخ آزاد بنزین را تعیین کرد.

**۴- تامین مالی برای جبران کسری بودجه کشور؛** ظن قوی کارشناسان و مردم آن است که دولت به درآمد حدود ۶۰ هزار میلیاردی ناشی از افزایش قیمت بنزین و صرفه جویی در مصرف آن، برای جبران کسری بودجه خود چشم دوخته است. با توجه به اینکه در بیانات دولت‌مردان و اشارات آنها این موضوع مورد توجه قرار نگرفته و بلکه هر گونه کسری بودجه را تکذیب کرده‌اند، این پرسش بی پاسخ می‌ماند که اساسا هدف



از این سهمیه بندی و افزایش نرخ بنزین چه بوده است؟ و مهمتر از آن این تصمیم ناگهانی با چه منطقی صورت گرفته است. به نظر می‌رسد موضوع اصلی برای مردم معترض صرف نظر از واکنش شدید آنها به احتمال بازگشت تورم افسارگسیخته این است که دولت چرا در این شرایط دست به تغییر قیمت بنزین زده است در واقع آنها می‌پرسند چه عواملی دولت را وادار به این تصمیم کرده است. واضح است که هر چه منطقی دولت در این تصمیم پرمایه و پراعتبار باشد میزان همراهی با آن بیشتر خواهد بود. چون مردم از دولت توقع دارند دست به اقدامات عبث بزنند یا تصمیمی بگیرد که منطقی آن قابل تشریح یا پذیرش نباشد.

تاکید دولت و رئیس‌جمهور محترم (البته پس از اعتراضات مردمی) بر آنکه ریالی از این درآمد به خزانه عمومی وارد نمی‌شود و تحت حساب جدیدی در خزانه به حساب مستقیم مردم باز خواهد گشت، نشان می‌دهد دولت یا از ابتدا قصدی برای جبران کسری بودجه (موضوع مورد اشاره کارشناسان) نداشته که در اینصورت همچنان این سوال مطرح است که پس هدف چه بوده و یا اینکه پس از مشاهده اعتراضات به این نتیجه رسیده درآمدهای حاصله را به مردم بازگرداند که نشان دهنده لیزران و سست بودن منطق تصمیم دولت است. حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که دولت محترم قصد تولید منابع جدیدی برای حمایت از اقشار آسیب پذیر داشته است، این پرسش مطرح است که برنامه دولت برای نیمی از درآمد باقیمانده چیست. از آنجایی که هیچ توضیحی در این باره داده نشده به نظر می‌آید دولت برنامه از پیش تعیین شده برای توزیع درآمدها با این وسعت و فراگیری در بین مردم نداشته است.

یک محاسبه ساده از آثار مالی سهمیه بندی و دو نرخی شدن قیمت بنزین نشان می‌دهد حدود ۵۰ الی ۶۰ هزار میلیارد تومان درآمد جدید نصیب دولت می‌شود که ۵۰ درصد آن ناشی از افزایش قیمت و ۵۰ درصد مابقی آن ناشی از صرفه جویی در مصرف داخلی و امکان صادرات روزانه ۲۰ میلیون لیتر است. طبق اعلام دولت

قرار است که حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان به صورت مستقیم بین چندین دهک جامعه توزیع شود اما هیچ گونه توضیحی درباره درآمد احتمالی ۵۰ درصد باقیمانده ارائه نشده است.

از طرفی بر اساس قانون هدفمندی یارانه‌ها که هر گونه افزایش قیمت حامل‌های انرژی را در بر می‌گیرد، دولت بر اساس ماده ۷ آن مجاز است حداکثر تا ۵۰ درصد وجوه حاصل از آنرا در قالب پرداخت نقدی و غیر نقدی بین خانوارها توزیع کند. حال آنکه بر اساس ماده ۸ مکلف است ۳۰ درصد وجوه حاصل از اجراء این قانون را برای پرداخت کمک‌های بلاعوض، یا یارانه سود تسهیلات و یا وجوه اداره شده برای حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و صنعتی، گسترش شبکه حمل و نقل عمومی، جبران بخشی از زیان شرکت‌های ارائه دهنده خدمات آب و فاضلاب، برق، گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی و شهرداری‌ها و دهیاری‌ها ناشی از اجراء این قانون و... هزینه کند. همچنین بر اساس ماده ۱۱ این قانون دولت مجاز است تا ۲۰ درصد وجوه حاصل را به منظور جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هزینه کند.

بنابراین با اعلام دولت مبنی بر اینکه حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان به مردم باز خواهد

**ما به عنوان تریبون یک  
تشکل قدیمی مدنی در  
شماره تیرماه سال ۹۷ هشدار  
دادیم که اگر امروز در برابر  
مشکلات مردم تدبیر نشود  
فردا دیر خواهد بود امروز نیز  
بر همان نظریه و معتقدیم که  
دولت محترم باید خردمندی  
بیشتری در ماهها و سال‌های  
آتی از خود نشان دهد و در هر  
تصمیم خود منطق و علت  
اتخاذ آنرا به صراحت تبیین و  
جریان‌های سیاسی و افکار  
عمومی را با خود همراه کند**

گشت این سوال مطرح می‌شود که آیا ۵۰ درصد باقیمانده نیز بر اساس قانون هزینه خواهد شد یا اینکه سرنوشت این بخش از درآمدها همچنان مبهم خواهد بود.

در ریشه یابی تصمیم دولت، اگر در دلایل ۴گانه فوق عمیق شویم متوجه می‌شویم که هر کدام از اینها شاید تاثیری در تصمیم دولت دارند اما هیچ کدام نمی‌تواند علت تامه باشد بنابراین هدف مجهول این تصمیم همان سردرگمی دولت یا مسائل غیرقابل اعلام عمومی است که منجر به اغتشاش در ذهنیت مردم و افکار عمومی شده است.

واقعیت این است که دولت تحت فشار جریان مخالف سیاسی و ناکامی‌های تحمیلی بر بصرام از داخل و خارج قرار دارد. در این وضعیت، قوه تعقل دولت محترم توانایی برآورد میزان مخاطره آمیز بودن برخی تصمیم‌ها را یا به دقت و میزان لازم ندارد یا آنکه برای آن اولویت قائل نیست و معتقد است در شرایط موجود باید مکانیسم مدیریت بر منابع درآمدی و هزینه‌ای را به سرعت تغییر داد و همسو با اقتضائاتی که پیش می‌آید تصمیم‌ها را اصلاح کرد. شاید همین رویکرد بتواند رفتار دولت در اصلاح نرخ بنزین را تفسیر کند. اگر چنین باشد باید نسبت به آینده و تصمیم‌های مشابه زنگ خطر به صدا درآورد.

اگر از این منظر به تحولات آبان ماه در حوزه اقتصادی بنگریم نشانه‌هایی از حرکت بهمن‌هایی دیده می‌شود. ما به عنوان تریبون یک تشکل قدیمی مدنی در شماره تیرماه سال ۹۷ هشدار دادیم که اگر امروز در برابر مشکلات مردم تدبیر نشود فردا دیر خواهد بود امروز نیز بر همان نظریه و معتقدیم که دولت محترم باید خردمندی بیشتری در ماهها و سال‌های آتی از خود نشان دهد و در هر تصمیم خود منطق و علت اتخاذ آنرا به صراحت تبیین و جریان‌های سیاسی و افکار عمومی را با خود همراه کند. این تصمیم خواه در باره افزایش قیمت کالایی چون بنزین باشد خواه در باره ضرورت پیوستن به سازمان (FATF) که برخی رقبای دولت مانع آن می‌شوند.

ساعت ۲:۱۷ دقیقه بامداد جمعه مصادف با ۱۷ آبان سال جاری زلزله‌ای به بزرگی ۵.۹ ریشتر حوالی شهر "ترک" در شهرستان میانه را لرزاند، و با وجود ابعاد کم آن ۶ کشته و ۵۱۸ مصدوم به‌جای گذاشت. در این اتفاق غم‌انگیز ۱۵۰۰ واحد مسکونی بین ۱۰ تا ۱۰۰ درصد خسارت دیدند. در جریان این زلزله حدود ۱۰۶ روستا دچار حادثه شدند و علاوه بر ساختمان‌های محل سکونت مردم، محل نگهداری احشام نیز دچار آسیب شد. همزمانی زلزله جانکاه بم در سال ۱۳۸۲ با دوره‌ای که در آن مهندس ملکینی فرد نائب رئیس سندیکا بود و تلاش‌های سندیکا برای کاستن از ابعاد حادثه و آلام هموطنانمان در آن دوره ما را بر آن داشت تا پای صحبت‌های این پیشکسوت صنعت احداث بنشینیم. مهندس منوچهر ملکینی فرد از فعالان سرشناس در حوزه سازندگی و از چهره‌های ماندگار سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران است که در سال ۱۳۵۱ کارشناسی ارشد خود را در رشته راه و ساختمان از دانشکده فنی دانشگاه تهران اخذ کرده است. ایشان به‌عنوان مدیرعامل شرکت ساختمانی و تاسیساتی «ایران بورگه» مجری طرح‌های عمرانی پرشماری از جمله: کتابخانه ملی ایران، ساختمان جدید نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دانشکده صدا و سیما، چاپخانه بانک ملی ایران، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در قزوین، هتل ۵ ستاره پارس در تبریز، ساختمان جدید اتاق بازرگانی ایران و دهها طرح دیگر می‌باشد. مهندس ملکینی در دوره‌های مختلف عضو هیات مدیره سندیکا بوده و چندین دوره نیز به‌عنوان دبیر و نایب رئیس هیات مدیره و رئیس هیات مدیره مسئولیت اجرایی داشته است و در سه دوره متوالی (از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵) ریاست این تشکل صنفی را عهده دار بوده است. مهندس ملکینی فرد حدود ۱۳ سال عضو شورای عالی تامین اجتماعی، دو دوره عضو شورای عالی کار و همین‌طور عضویت شورای عالی نفت را در کارنامه خود داراست. همچنین وی از بنیانگذاران موسسه تحقیق و توسعه تشکل‌های مهندسی، حرفه‌ای و از بنیانگذاران شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی، صنفی، حرفه‌ای کشور است.

**گفت و گو با مهندس ملکینی فرد، از چهره‌های ماندگار سندیکا:**

## حوزه ساخت و ساز سروسامان ندارد



■ مهندس محمود مصطفی‌زاده سردبیر ماهنامه «پیام آبادگران»: تشکر می‌کنم بخاطر فرصتی که در اختیار ماهنامه قرار دادید. شما تجربه گرانبهایی در امر ساخت و ساز دارید و نقش مهمی در بازسازی‌های پس از زلزله‌های مختلف در کشور دارید از جمله در زلزله بم که در آن زمان نایب رئیس هیات مدیره بودید و کارهای بزرگی انجام دادید. اخیراً در آذربایجان زلزله‌ای رخ داد که با وجود کم بودن دامنه آن، باز هم ویرانی‌های قابل توجهی را به بار آورد. سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران بررسی این نوع مسائل را از مسئولیت‌های حرفه‌ای و اخلاقی خود می‌داند تا درباره نتایج آن

به مقامات مسئول و کارشناسان اطلاع رسانی کند. از جناب‌عالی خواهشمندم ابتدا دیدگاه خود را درباره نحوه مواجهه با پدیده زلزله به‌عنوان یکی از بلاهای طبیعی و اقدامات پیشگیرانه برای کاستن از تلفات و ویرانی‌های آنرا بفرمایید. مسئله بسیار مهمی که درباره زلزله باید به آن توجه کنیم، درباره آن آگاهی داده و به عنوان نماینده جامعه فنی و مهندسی کشور آن را نشر دهیم و به اطلاع هموطنانمان برسانیم، این است که زلزله مطلقاً یک بلای آسمانی نیست. زلزله ناشی از خشم الهی و ناشی از عملکرد انسانهایی نیست که بر روی کره زمین زندگی می‌کنند، البته خسارات ناشی از آن از بی‌احتیاطی و عدم

مدیریت درست انسانها سرچشمه می‌گیرد اما وقوع آن به اعمال انسانی ارتباط ندارد و ناشی از خشم الهی نیست.

زلزله یک امر کاملاً طبیعی است. چنین پدیده‌ای در همه کرات آسمانی وجود دارد، برای نمونه کره ماه هم یک کره زلزله خیز است و دهانه‌های بزرگ آتشفشانی دارد. بنابراین باید به زلزله به عنوان یک امر طبیعی نگاه کرد که بشر در به وجود آمدن آن هیچ گونه نقشی ندارد. قدر مسلم این است که ما نمی‌توانیم کره زمین را به اراده خود درآوریم و این ماییم که باید متناسب با ماهیت کره زمین نحوه زندگی ایمن و درست را بر روی آن فرا بگیریم.

بسیاری از کشورهای جهان زلزله خیز هستند و جمع شدن انرژی‌های درون زمین هست که به شکل آتشفشان یا زلزله خود را نشان می‌دهد، معمولاً مناطقی از پوسته که احتمال ترک برداشتن در آنها قوی‌تر است گسل نامیده می‌شود که لایه‌های درونی زمین از طریق گسلها انرژی خود را بیرون می‌ریزد. اگر زلزله و جمع شدن انرژی در درون زمین جزئی از خلقت است، خداوند اشرف مخلوقات خود یعنی انسان را طوری آفریده است که مغز او می‌تواند بر تمامی ماهیت زلزله تسلط داشته باشد چنانچه امروزه بشر می‌تواند حتی در حوالی گسلها ساختمانی بسازد که وقتی زلزله اتفاق می‌افتد جان هیچ انسانی در معرض خطر نباشد. امروزه ما نیز قادریم در کشور خود ساختمانی بسازیم که با وجود زلزله‌ای به قدرت ۸ ریشتر فرو نریزد، این ادعا نیست و واقعیت این است که به لحاظ علم زلزله چیزی کم نداریم و نیازی به دانش خارجی نداریم. زلزله یک امر طبیعی است اما مقاوم ساختن ساختمانها و مصون نگاه داشتن حیات موجودات و انسانها در روی آن در دست خود انسان است و ما قادریم این کار را انجام دهیم.

■ **هروقت زلزله‌ای می‌آید یا بلایای طبیعی اتفاق می‌افتد مسئولان و مطبوعات به طور یکصدا و چند صباحی درباره**

**آن داد سخن می‌دهند اما این دغدغه بلافاصله فراموش می‌شود، به نظر شما چه باید کرد که این گوشزد کردن‌ها دائمی باشد؟ چگونه می‌توان از ابعاد خسارات کاست و نقش ارگانهای مهندسی نظیر سندیکا، انبوه سازان و نظام مهندسی کشور در این باره چگونه است؟**

در کشور ما دو نوع ساخت و ساز وجود دارد. یکی از آنها تحت نظام فنی و اجرایی است و با دیسپلین‌هایی است که سازمان برنامه و بودجه با همکاری تشکلهای مهندسی از جمله سندیکای شرکتیهای ساختمانی ایران در طول این مدت توانسته وضع کند. در اغلب زلزله‌هایی که در این مملکت رخ داده کمترین آسیب متوجه ساختمانیهای بوده که تحت نظام فنی و اجرایی توسط پیمانکاران عضو این سندیکا و سایر انجمن‌ها ساخته شده و علت آن دیسپلین‌هایی است که در محاسبات و اجرا به آن دقت می‌شود و شرکتیهای ذی ربط دارای صلاحیت هستند. علیرغم این که در این مملکت هر کسی

**مصالح غیر استاندارد آسیب قابل توجهی به ساخت و ساز می‌زند. گاهی وقتها روزنامه‌ها از ورود آهن غیر استاندارد در تناژ بالا خبر می‌دهند من به عنوان مهندسی که موی خود را در این حرفه سپید کرده‌ام بلافاصله ناراحت می‌شوم و بارها از خودم می‌پرسم این آهن‌های غیر استاندارد کجا رفت و در چه سازه‌ای به کار گرفته شد**

ادعا می‌کند قادر است ساختمان بسازد، ساختمان‌سازی کار بسیار دقیقی است به طوری که تنها وجود خاک در شن و ماسه می‌تواند با اولین تکان و با حداقل شدت به ویرانی ساختمان منتهی شود. دوغاب سیمان به عنوان ماده چسبنده باید خلل و فرج شن و ماسه را پر کند تا بتن مقاومت لازم را داشته باشد، بتن و آرمه با هم کار کنند و بتوان اسم یک قطعه را بتن آرمه گذاشت، اما وجود لای و خاک می‌تواند به نابودی آن بیانجامد. بنده این امر را شخصاً دیده‌ام. ۲۷-۲۸ روز پس از بتن‌ریزی در پایه یک پل، پایه پل را دیدم که با ضربات پا خراب می‌شود. با بررسی متوجه شدم شن و ماسه موجود در محل خاک دارد، به نظر می‌رسید در محوطه عملیات خاکی انجام شده بود و خاک با سی. بی. آر پایین‌تر از ۴ یعنی به شکل گرد تمام شن و ماسه را آلوده کرده بود و با همین شن و ماسه پل را ساخته بودند. شانس آوردیم که زود متوجه شدیم و تنها راهی که پیش پای ما بود این بود که کمپرسور بی‌اوریوم و به طور کامل آن را خراب کنیم چون نمی‌دانستیم کدام قسمت محکم است و کدام قسمت نیست.

ساختمان‌سازی که همه معتقدند این کاره هستند به مراتب از جراحی قلب حساس‌تر است چرا که اگر جراح اشتباه کند یک نفر می‌میرد اما با رعایت نکردن دیسپلین‌های لازم در ساختمان‌سازی افراد زیادی می‌میرند. آن نوع ساخت و ساز که تحت نظارت نظام فنی و اجرایی و بنگاههای مهندسی صورت می‌گیرد، و توسط بنگاههای مهندسی از جمله جامعه پیمانکاری ما اجرا می‌شود معمولاً در زلزله‌ها ماندگاری بالایی نشان داده‌اند. در زلزله بم بنده دیدم ساختمان‌هایی که وزارت مسکن در فاصله کمی از بم ساخته بود اگرچه خرپشته‌ها خراب شده بودند چون عموماً خرپشته‌های پشت بام به اسکلت وصل نمی‌شوند - البته بهتر است که وصل شوند- اما بقیه ساختمان اصلاً ابداع خطر جانی برای انسانها ایجاد نکرده بود برای این که تحت ضوابط نظام فنی و



اجرایی و توسط وزارت مسکن و پیمانکاران ذی صلاح اجرا شده بود.

ساخت و ساز نوع اول توسط نظام فنی و اجرایی و شامل انواع ساختمانها، پلها، راهها، جادهها و... است و کمترین آسیب را می بینند اما نوع دیگر ساخت و ساز که مردم بیشتر با آن سرو کار دارند با مجوز شهرداری و با نظارت نظام مهندسی -حسب ظاهر- اجرا می شود. چرا می گویم حسب ظاهر، برای این که در این نوع ساخت و ساز کارفرمای بخش خصوصی که عمدتاً متکی به پول است نه سواد و تخصص، عملاً به ناظر دستور می دهد و ناظری که دستورات را انجام ندهد بلافاصله عزل می شود. لذا سیستم ساخت و سازهای خصوصی ما که بدون نظارت نظام فنی و اجرایی و با مجوز شهرداری و نظارت نظام مهندسی صورت می گیرد تا حد زیادی از استانداردهای لازم بهره مند نیستند.

■ همانطور که اشاره کردید مصالح غیر استاندارد در ساخت و سازهای خارج از شمول نظام فنی و اجرایی ممکن است مخاطره آمیز و در برابر زلزله ویرانگر باشند. چه توصیفی می توان در برابر چنین ساخت و سازهایی داشت؟

مصالح غیر استاندارد آسیب قابل توجهی به ساخت و ساز می زند. گاهی وقتها روزنامه ها از ورود آهن غیر استاندارد در تناژ بالا خبر می دهند. من به عنوان مهندسی که موی خود را در این حرفه سپید کرده ام بلافاصله ناراحت می شوم و بارها از خودم می پرسم این آهن های غیر استاندارد کجا رفت و در چه سازه ای به کار گرفته شد. حتی الکتروود غیر استاندارد هم می تواند فاجعه به بار آورد چون در نهایت جنس الکتروود باید با آهن یکی شود تا اتصالات بتوانند پاسخگو باشد. به همین دلیل تاکید می کنم دیسپلین های ساختمان سازی مهم تر از دیسپلین هایی است که در یک جراحی قلب یا مغز باید رعایت شود. اما از آنجایی که این ساختمانها اغلب در حالت استاتیک پایدار می مانند و آزمایش خود را

تنها در حالت لرزش پس می دهند، خیلی از افرادی که ساختمان غیر استاندارد می سازند عنوان می کنند ۱۰-۱۵ سال است ساختمان می سازند و تا کنون اتفاقی نیفتاده است در حالی که اتفاق یک بار می افتد و کون فیکون می شود و همه آن با خاک یکسان می شود.

■ در نظام فنی و اجرایی که متکی به سازمان برنامه و بودجه است شرکتهای صاحب صلاحیت پیمانکار و مشاور با ضمانت های لازم کار می کنند، آنها اکثراً شرکتهای حقوقی و سهامی خاص یا سهامی عام هستند تا مسئولیت پذیری بالایی داشته باشند. در ساخت و سازهای شهری نظارت متکی بر فرد حقیقی است که امروز هست و فردا ممکن است نباشد.

و اجرا نقش داشته باشند. نظارت بر فرد غیر متخصص امری محال است. چنانچه عنوان کردم وجود مقداری خاک در بتن می تواند آن را نابود کند، عدم رعایت بعد موثر جوشی که مهندس ذی صلاح محاسبه کرده می تواند ساختمان را از هم پاره کند. این نکات را فردی می داند که علم مهندسی داشته باشد، متخصص باشد و اگر متخصص نباشد هر چه به او بگویند نمی داند درباره چه چیزی صحبت می کنید و مدام استدلال می کند تا کنون هیچ اتفاقی برای ساختمانهایی که ساخته نیفتاده است. هر چه به او بگویند بعد موثر جوش در مقاطع مختلف باید مطابق نقشه های محاسباتی باشد که بر اساس نیروهای کشش و ممانی که باید تحمل کند طراحی شده اما این امر را کسی



تضمین های این فرد هم ممکن است قابل قبول نباشد. از زمان وزارت مهندس عبدالعلی زاده بر وزارت مسکن چندین بار در قالب تشکلهای به این مسئله اعتراض کردیم و درخواست کردیم نظارت درون شهری، هم در بخش اجرا و هم در بخش نظارت از حالت حقیقی به حالت حقوقی تغییر کند که تا کنون به نتیجه نرسیده است. به نظر شما سندیکا برای پیشبرد این موضوع چه کاری باید انجام دهد؟

سوال بسیار مهمی است و یکی از راههای جلوگیری از مخاطرات ناشی از زلزله همین است که به جای افراد حقیقی شخصیت های حقوقی ذی صلاح در طراحی و محاسبه و اجرا و چه در نظارت

می فهمد که مهندس باشد و برای کسی که نفهمد این توضیحات بی فایده است. یکی از دردهای بی درمان که تا به امروز در حوزه مهندسی وجود داشته این بوده که اگر هم نظارتی هم توسط نظام مهندسی انجام شده اجرا توسط غیر مهندس بوده است و در نتیجه ناظر هر چند ناظر خوبی باشد اما نمی تواند بر غیر مهندس نظارت کند. شما در سواتان به درستی به نقش مصالح غیر استاندارد اشاره کردید، اما کسی که نداند میلگرد زنگ زده چه فجایعی می تواند به بار آورد هر چه به او بگویند چرا میلگرد زنگ زده استفاده می کند در صدد توجیه کارش بر خواهد آمد و نهایتاً در وقت سرکشی مهندس ناظر آثار زنگ زدگی را پاک





می‌کند تا دیده نشود، اما کسی که این مسائل را خوانده باشد، بر آن آگاهی داشته باشد و آن را در آزمایشگاه آزمایش کرده باشد دست به چنین کاری نخواهد زد.

این که وزیر سابق مسکن بر اهمیت سازنده ذی صلاح و پاسخگو اصرار داشت، در راستای همین بحث‌های ما بود اما متأسفانه همین که جامعه پیمانکاری این حرف را می‌زند بلافاصله با این موضع‌گیری مواجه می‌شود که «می‌گویند طرح‌های عمرانی با سرفصل‌های غیرعمرانی برای اینها کم است که می‌خواهند در این حوزه نفوذ کنند» در حالی که اتفاقاً این حوزه محل حضور پیمانکار ذی صلاح، مهندس مشاور ذی صلاح و دستگاه نظارت ذی صلاح است. سندیکای شرکت‌های ساختمانی بعد از زلزله رودبار و ایفای نقش‌هایی مانند مدرسه‌سازی در آن مناطق بحث کنترل مضاعف را در ملاقات با شهردار وقت مطرح کرد که از طرف ایشان به طور دربست پذیرفته شد. حدود ۶-۷ شرکت مشاور در آن زمان با شهرداری قرارداد بستند که ساختمانها را سرزده کنترل مضاعف کنند. بحث ما این بود که در مقاطعی مهندسان ذی صلاح که به کیفیت ساخت مسلط هستند و محاسبات می‌دانند از ساختمان بازدید کنند و در هر مرحله ضمن داشتن قدرت لازم برای نظارت و حتی توقف کار، به بخش‌های مختلف ساختمان نمره دهند مثلاً بگویند نمره این ساختمان در اسکلت از ۲۰ نمره ۱۴ است. طرح بسیار جالبی بود که طی آن هرکسی که می‌خواست ساختمان بخرد با پرداخت پولی به شهرداری می‌توانست شناسنامه ساختمان را ببیند و فریب شیرآلات روکش طلا، سرامیک آنچنانی و کابینت‌های خارجی را نخورد و به طور خلاصه ببیند در پس ظاهر فریبنده این عروس چه واقعیتی نهفته است. این طرح مدت بسیار کوتاهی اجرا شد اما بلافاصله صاحبان زور و زور جلوی این کار را در شهرداری‌ها گرفتند.

■ نقش بیمه‌های کیفیت در کاستن

## از ویرانی‌های زلزله چگونه است و چه برآوردی در این باره دارید؟

بیمه کیفیت تا حدودی می‌تواند جبران کننده باشد اما بیمه‌ها اصولاً فقط خسارت پرداخت می‌کنند و جلوی مرگ و میر شهروندان را در زلزله‌ها نمی‌توانند بگیرند. بیمه‌های ما از لحاظ نظارت بر کیفیت بسیار ضعیف هستند، زمانی که ما در نظر داشتیم بیمه را جایگزین ضمانت نامه بانکی کنیم به بیمه ایران و سایر بیمه‌ها مراجعه کردیم، بسیاری از متولیان بیمه در کشور مقاومت می‌کردند و در نهایت در جلسه‌ای که در سازمان مدیریت برگزار شد اعلام کردند بدنه کارشناسی قوی برای این کار ندارند. یعنی بیمه یک بدنه کارشناسی مهندسی قوی لازم داشت تا همان بحث کنترل مضاعف را برعهده بگیرد. به عبارتی بیمه به لحاظ پرداخت خسارات می‌تواند موثر باشد اما درباره اصل قضیه که حفظ جان انسانها است کاری نمی‌تواند انجام دهد.

■ شاید سوال اساسی این باشد که کل کیفیت ساختمان چگونه باید متحول شود که مخاطرات پایین آید؟ علاوه بر بحث ساخت و ساز شهری باید

**مقاوم‌سازی ساختمانهای موجود در ایران بخصوص با اولویت بیمارستانها، مراکز آموزشی و امدادی و راههای دسترسی در اولویت است. در زلزله بم اولین جایی که ویران شده بود خود هلال احمر بود یعنی آن جایی که باید به داد مردم برسد اول از همه ویران شده بود. با اولویت بیمارستانها، مراکز آموزشی و امدادی است که باید مقاوم‌سازی صورت بگیرد، البته یک زمانی این امر شروع شد اما بعدها متوقف گردید**

کیفیت ساختمان در روستاها هم مدنظر قرار گیرد. در واقع باید بینیم برای مقاوم شدن ساختمانها در برابر زلزله چه دیسپلین‌هایی باید رعایت شود و دنیا در این زمینه چه کرده است.

سیستم دیوار حمال و طاق ضربی عمدتاً در ایران دیده می‌شود و در جاهای دیگر جهان پیشرفته به ندرت وجود دارد، یعنی در ایران بسیاری ساختمانها فاقد شنازهای قائم و افقی است و به عبارت دیگر فونداسیون و دیوارها و سقف به هم دوخته نشده‌اند و این عامل اصلی فاجعه است. در بم دیوارهای حمال کنار رفتند و سقف‌های سنگین پایین آمدند و عملاً ساختمان که باید مطمئن انسانها باشد به مدفن آنها تبدیل شد. این دیوار حمال و طاق ضربی که باید از آنها به عنوان زهر کشنده یاد کرد در همه دهات ایران دیده می‌شود. حتی طاقهای بدتر از طاق ضربی نیز در روستاها دیده می‌شود که با انداختن چوب گرد در زیر و چوبهای چیده شده روی آنها درست می‌شود و بعد با کاهگلی که سنگین است پوشیده می‌شود. بنابراین داشتن شناز قائم و افقی و متصل به فونداسیون به طوری که مثل یک جعبه‌ای در همه جهت دوخته شده و جلوی پارگی را بگیرد از ضروریات اولیه ساختمان سازی است.

سبک‌سازی ساختمان بسیار مهم است. ۱۰ درصد وزن ساختمان به صورت نیروی افقی در بالاترین نقطه ساختمان وارد می‌شود که بیشترین ممان را نسبت به پایین ساختمان دارد و ساختمان را برمی‌گرداند. بنابراین هر چه ساختمان سبک‌تر باشد نیروی زلزله در آن کمتر خواهد بود. در سال ۱۹۶۷ در زلزله توکیو ۵ هزار نفر کشته شدند اما ژاپن ظرف ۱۰ سال چنان مقاوم‌سازی کرد که وقتی ۱۰ سال بعد در همان شهر زلزله شدیدتر آمد خون از دماغ یک نفر هم نیامد!

امروزه ژاپنی‌ها با زلزله زندگی می‌کنند به طوری که وقتی زلزله می‌آید هیچ کس وحشت زده نیست و گاهی اوقات با زلزله می‌رقصند، ساختمانها را هم طوری طراحی کرده‌اند که به جای مقاومت در

برابر زلزله با زلزله می‌رقصند. یعنی به جای صلب قرار دادن، همه را روی مفصل‌هایی که قابل حرکت است قرار می‌دهند که بعد از زلزله ساختمان را به جای قبلی هل می‌دهند. تقریباً همه نقاط کالیفرنیا آمریکا که وسعتی نزدیک به ایران دارد روی خط زلزله است، حدود یک ماه پیش در آنجا زلزله ۶/۵-۷ ریشتری آمد اما فقط ۲-۳ مورد آتش‌سوزی رخ داد که آن هم به دلیل چوبی بودن ساختمانها و در رفتن گاز از مفصل‌ها بود. پیش‌بینی شد ظرف ۲۴ ساعت پس‌لرزه‌هایی قوی‌تر از زلزله خواهد آمد. نه این که آنها پیش‌بینی کنند و ما نتوانیم. هیچ چیزی در علم زلزله وجود ندارد که متخصصان ایرانی ندانند. طبق پیش‌بینی، زلزله ای قوی‌تر از زلزله اولیه اتفاق افتاد اما هیچ اتفاقی نیفتاد! اما ایرانی‌ها آن فکر و استعداد خداوندی را بایگانی می‌کنند، تخصص ما بایگانی کردن فکر و اندیشه است به جای آنکه علاج واقعه را قبل از وقوع بنماییم، بعد که فاجعه‌ای رخ می‌دهد همه عزادار می‌شویم که چرا رخ داد.

مقاوم‌سازی ساختمانهای موجود در ایران بخصوص با اولویت بیمارستانها، مراکز آموزشی و امدادی و راههای دسترسی در اولویت است. در زلزله بم اولین جایی که ویران شده بود خود هلال احمر بود یعنی آن جایی که باید به داد مردم برسد اول از همه ویران شده بود. با اولویت بیمارستانها، مراکز آموزشی و امدادی است که باید مقاومت‌سازی صورت بگیرد، البته یک زمانی این امر شروع شد اما بعدها متوقف گردید. گناه جامعه مهندسی حرفه‌ای کشور و تمام کسانی که در بخش مسکن ذی‌مدخل هستند گناهی نابخشودنی است چون اینها می‌دانند چگونه می‌توانند جلوی این فجایع را بگیرند و از جان هموطنان خود صیانت کنند و اگر این کار را نمی‌کنند باید پاسخگو باشند.

زلزله بم برای هر فردی که خود را مهندس عمران می‌داند یک دانشگاه بود. شهر نابود شده بود، دیوارها کنار رفته بودند و سقف‌ها روی سر مردمی که خواب

بودند پایین آمده بود. مرکز زلزله مرکز شهر بود. زلزله از نوع عمیق نبود و حدود ۱۲ کیلومتری در عمق زمین رخ داد اما در همان جا ساختمانهایی که حداقل اصول مهندسی را رعایت کرده بودند سرپا ماندند. ساختمان تامین اجتماعی که فقط چند بادبند زنگ‌زده و ضعیف داشت که در نمای آن مشخص بود چون نماسازی نشده بود، این ساختمان سرپا ایستاده بود البته از حیز ارتفاع خارج شده بود.

همیشه افسوس می‌خورم که چرا ما که از طرف سندیکا و در معیت مرحوم دکتر قالیبافیان به آنجا رفته بودیم یک فیلم جامع و کامل تهیه نکردیم که آن را به دانشکده‌های مهندسی بدهیم یا چرا به

یک ساختمان در حال ساخت قرار داشت و هنوز بار اصلی ساختمان روی آن نیامده بود، بادبندهایی هم از ناودانی ۱۴ یا ۱۶ در بنا قرار گرفته بود که نشان می‌داد اسکلت ساختمان محاسبه شده است و به صفحه ستون (Base Plate) در کنار ستون جوش شده بود، و در اثر زلزله چنان بریده شده بود که انگار با گیوتین آن را بریده‌اند یعنی نیروی زلزله درست به همان جایی زده بود که محاسبه پیش‌بینی کرده بود و بادبند را قرار داده بود و به درستی باید بریده می‌شد تا ساختمان خراب نشود. این یعنی چه؟ یعنی ما زلزله را می‌شناسیم و اگر زلزله‌ها کشته می‌دهند جامعه فنی و مهندسی کشور و دستگاههای اجرایی که خود را



دانشکده‌های فنی و مهندسی پیشنهاد ندادیم که بروند و فیلم تهیه کنند و آن را به مهندسان عمران نشان دهند. در خارج از کشور کسانی که با سرعت زیاد رانندگی می‌کنند مجبور می‌شوند کلاس بروند و در آن کلاس به آنها نشان داده می‌شود برخورد ماشین با هر سرعتی چه فجایی را به بار می‌آورد.

این موضوع را با سرعتهای مختلف و وزنهای مختلف ماشین به فرد نشان می‌دهند به طوری که وقتی از کلاس بیرون می‌آید خواه ناخواه دیگر نمی‌تواند با آن سرعت غیرمجاز رانندگی کند. درست روبروی فرودگاه بم اسکلت فلزی

متولی مسکن می‌دانند باید احساس گناه کنند. اگر ژاپنی‌ها توانستند زلزله را به خوبی مهار کنند و جان و مال ملت ژاپن را از این پدیده طبیعی و مخاطره‌آمیز به درستی محافظت نمایند ما نیز باید به عنوان یک وظیفه بدون فوت وقت در ایمن‌سازی ساختمانها و سازه‌های موجود و رعایت اصول مهندسی به شرحی که اشاره شد تلاش نماییم. قطعاً نقش دولت و حاکمیت در رفع اشکالات موجود که اشاره شد و بسترسازیها و تأمین بودجه‌های لازم، نقشی اساسی است که امیدوارم هر روز بیش از دیروز به آن توجه شود.

# دولت برنامه مشخصی برای احیای بافت فرسوده ندارد

اظهارات دبیر سندیکا در نشست هماهنگی  
برای برگزاری نمایشگاه مسکن، شهرسازی و بازآفرینی شهری



ساختمانی و مدیرعامل گروه بین‌المللی استراتوس نیز ضمن خیرمقدم به حاضران عنوان کرد: یکی از وظایف سندیکایی ما شرکت در نمایشگاه‌های مرتبط با حرفه ما است. در مورد پانل‌های تخصصی نیز به نظر من بهتر است در ابتدای امر محور و موضوع اصلی هر پانل مشخص شود تا موضوعات فرعی مطرحه در آن و گروه‌های مرتبط با بحث مشخص شود. وی تصریح کرد سندیکای شرکت‌های ساختمانی با تمام توان خود در خدمت برگزاری نمایشگاه‌های مرتبط با حوزه صنعت احداث است.

وی در بخش دیگری از این نشست و پس از تاکید یکی از حاضران روی ماهیت نمایشگاه بودن رخداد عنوان کرد: من هم نگران تبدیل شدن نمایشگاه به همایش هستم چرا که هدف این نمایشگاه باید جذب سرمایه‌گذاری باشد و نباید به همایشی جهت صحبت در باب جذب سرمایه‌گذاری تبدیل شود. به نظر می‌رسد جایگاه شرکت‌های سرمایه‌گذاری و استفاده از ظرفیت بورس در چنین کنونی پانل‌ها مغفول مانده است در حالی که سازمان بورس طی جلسه‌ای که با سندیکای

برنامه مشخصی پیش روی سازندگان و بخش خصوصی برای احیای بافت‌های فرسوده قرار نداده است.

**غلامرضا رضائیان مدیر اجرایی نخستین نمایشگاه مسکن، شهرسازی و باز آفرینی شهری** در این نشست ضمن تشکر از سندیکای شرکت‌های ساختمانی برای میزبانی این نشست و با اشاره به تعدیل هزینه حضور در نمایشگاه مخصوصاً تعدیل ۳۰-۴۰ درصدی برای استانها عنوان کرد: ۴ پانل تخصصی در طی سه روز نمایشگاه برگزار خواهد شد و ما آماده شنیدن پیشنهادهای جهت انتخاب محورهای مورد بحث و انتخاب گروه‌های مرتبط با هم در این پانل‌ها هستیم. وی عنوان کرد: در این نمایشگاه برای نخستین بار شاهد حضور استارت آپ‌های حوزه شهری و شرکت‌های دانش‌بنیان خواهیم بود که دستاوردهای علمی خودشان را به نمایش خواهند گذاشت.

## محورهای مورد بحث مشخص باشد

دکترایرج گلابتونچی دبیر سندیکای شرکت‌های

دومین نمایشگاه بین‌المللی مسکن، شهرسازی و بازآفرینی شهری از تاریخ ۸ الی ۱۰ سال دی ماه ۱۳۹۸ با شعار «فرصت‌های سرمایه‌گذاری و پروژه‌های مشارکتی» با حمایت وزارت راه و شهرسازی، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و شرکت‌های بخش خصوصی در مرکز نمایشگاه‌های مصلی تهران برگزار خواهد شد. تاریخ برگزاری این نمایشگاه که قرار بود در آبان ماه سال جاری برگزار شود به درخواست بخش خصوصی فعال در انجمن‌های صنفی به دی ماه تغییر زمان داد تا زمینه برای مشارکت بخش خصوصی به عنوان زنجیره تولید مسکن فراهم شود.

در همین راستا دومین نشست هماهنگی برای برگزاری نمایشگاه مسکن، شهرسازی و بازآفرینی شهری روز دوشنبه ۲۷ آبان در سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران برگزار شد. در حاشیه این نشست خیرگزاری فارس با دبیر سندیکا دکترایرج گلابتونچی مصاحبه‌ای داشت که وی در این مصاحبه تاکید کرد علیرغم نگاه ویژه دولت به احیای بافت‌های فرسوده هنوز برنامه جامع و مشخصی برای احیای بافت‌های فرسوده وجود ندارد و دولت



داشت عنوان کرد اگر پیمانکاران پروژه‌ای داشته باشند که بتوانند اقتصادی بودن آن را به بورس ثابت کند بورس برای مشارکت در آن نسخه‌هایی ارائه خواهد داد و شاید یکی از حوزه‌هایی که بتوان چنین نسخه‌هایی را برای آن نوشت بحث بازآفرینی شهری باشد. وی افزود: باید مشخص شود هدف نمایشگاه چیست؟ آیا هدف تبیین نقش سازمانها و نهادهای مختلف دولتی، خصوصی و سرمایه‌گذاری را در رونق بحث بازآفرینی شهری است یا در نظر داریم آنها را برای شرکت در بازآفرینی شهری تشویق کنیم. بی شک هدف مورد نظر ما روی شکل و چیدمان نمایشگاه تاثیر دارد. عموماً نمایشگاهها جنب سمنارها برگزار می‌شوند اما در حال حاضر هدف برگزاری نمایشگاه و در نهایت برگزاری پانل است، پس آن پانل باید درباره سولاتی باشد که برای بازدیدکنندگان نمایشگاه ایجاد شده است.

### امکانی برای شناخت فرصت‌های سرمایه‌گذاری

دکتر مهدی کریمی‌رئیس شورای مرکزی فدراسیون توسعه فناوری سازمان کشورهای اسلامی نیز در بخشی از این نشست تصریح کرد که بهتر است یکی از پانل‌ها موضوع بین‌الملل و سرمایه‌گذاری در حوزه بازآفرینی را هدفگذاری کند. در مورد استارت‌آپهای حوزه ساختمان و حوزه‌های مرتبط با آن هم باید پانلی در نظر گرفته شود. به دلیل کم شدن حجم سرمایه‌گذاری در کشور طرح موضوعات مربوط به سرمایه‌گذاری نیز کم شده است و این نمایشگاه می‌تواند امکانی برای سرمایه‌گذاران ایجاد کند که فرصت‌های سرمایه‌گذاری مطمئن و سودآور را بشناسند. غلامرضا رضائیان مدیر اجرایی نخستین نمایشگاه مسکن، شهرسازی و بازآفرینی شهری درواکنش به سخنان دکتر کریمی ضمن تاکید بر اینکه بسته‌های حمایتی برای استارت‌آپها در نظر گرفته خواهد شد عنوان کرد: ما تلاش کرده‌ایم از دانشگاهها کمک بگیریم تا ایده‌های استارت‌آپی را در قالب کتابهایی گردآوری و در اختیار گروههای هدف از جمله فعالان حوزه ساختمان قرار دهیم. وی با اشاره به لزوم استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه و مراکز آموزشی در نمایشگاه اعلام آمادگی کرد که غرفه‌ای را به طور رایگان در

اختیار آنها قرار دهد.

نمایندگان و کارشناسانی از بخش‌های مختلف فعال در حوزه صنعت ساختمان و بازآفرینی شهری در این نشست حاضر بودند که از جمله آنها می‌توان به نماینده روابط عمومی وزارت راه و شهرسازی، نماینده کمیسیون شهرسازی و معماری مجمع شهرداران کلان شهرهای ایران، نماینده معاونت و برنامه‌ریزی شهرداری تهران، نماینده مرکز تحقیقات مسکن، راه و شهرسازی شرکت عمران شهرهای جدید، نماینده انجمن سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، نماینده انجمن صنفی انبوه‌سازان، نماینده انجمن معماری و شهرسازی، نماینده جامعه مهندسان نقشه‌بردار، نماینده دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و... اشاره کرد.

موضوعات مختلفی نیز در این نشست مطرح شد از جمله دعوت از اتحادیه‌های مرتبط با صنعت ساختمان جهت حضور در نمایشگاه، توجه به تسهیل‌گران در بحث بازآفرینی، استفاده از پرسش و پاسخ در پانل‌ها، دعوت از معاونان شهرسازی و معماری کلانشهرها برای حضور در پانلها. از دیگر موضوعات مطرح شده در این نشست طرح موضوعات اصلی مربوط به صنعت ساخت و ساز کشور، پذیرش استارت‌آپها به عنوان بخشی جدی در کنار صنعت، دانشگاه و دولت، توجه به روستاها و رابطه شهر و روستا در بازآفرینی شهری، استفاده از ظرفیت‌های دانشگاهی در نمایشگاه، و مشارکتی بودن پانل‌های دولت و بخش خصوصی بود.

### غلامرضا رضائیان:

**این نمایشگاه نقطه آغازی است برای همکاری دولت، شهرداری‌ها و بخش خصوصی در بحث بازآفرینی شهری. بخش خصوصی و فعالان مرتبط با صنعت احداث نقش معنی داری در تحرک بخشیدن به حوزه مسکن دارند و لازم است جامعه از این نقش سازنده در حوزه بازآفرینی شهری نیز بهره‌مند شود**

### پیمانکاران توانایی خود را در نمایشگاه ارائه دهند

غلامرضا رضائیان مدیر اجرایی نخستین نمایشگاه مسکن، شهرسازی و بازآفرینی شهری در پاسخ به سوال خبرنگار ماهنامه پیام آبادگران در زمینه جایگاه پیمانکاران در برنامه‌های مربوط به بازآفرینی شهری عنوان کرد: این نمایشگاه نقطه آغازی است برای همکاری دولت، شهرداری‌ها و بخش خصوصی در بحث بازآفرینی شهری. بخش خصوصی و فعالان مرتبط با صنعت احداث نقش معناداری در تحرک بخشیدن به حوزه مسکن دارند و لازم است جامعه از این نقش سازنده در حوزه بازآفرینی شهری نیز بهره‌مند شود.

وی از همه پیمانکاران عمرانی، سرمایه‌گذاران و نهادهای مالی دعوت کرد تا در این نمایشگاه حضور یابند و ضمن ارائه توانمندی خود با پیشرفت نوین این حوزه آشنا شوند. وی تاکید کرد اگر این نمایشگاه بتواند بسته‌های دولت در زمینه بافت فرسوده را به پیمانکاران معرفی کند دسترسی آنها را به این بسته‌ها فراهم می‌شود.

وی با بیان این که به دلایلی مباحثی مانند رکود تا کنون رغبت چندانی از طرف پیمانکاران عمرانی به بحث بافت فرسوده دیده نشده است تصریح کرد: نمایشگاه سعی دارد با معرفی کامل بسته‌های مربوط به بافت فرسوده و بازآفرینی شهری انگیزه حضور پیمانکاران را در این بستر جدید فراهم کند.

### اطلاع‌رسانی طرح بازآفرینی شهری

طرح بازآفرینی شهری در بافتهای فرسوده کشور که براساس لایحه مشارکت عمومی و خصوصی (PPP) به تصویب هیات دولت رسیده است، در حال اجرایی شدن می‌باشد و اولین قرارداد آن در بافتهای محله سیروس فیما بین شرکت بام و سازمان بازآفرینی شهری به امضا رسیده است.

از آنجا که این طرح با هماهنگی شهرداری و سایر ارگانهای ذیربط و با سرمایه بخش خصوصی قابلیت اجرایی شدن دارد، لذا به اطلاع کلیه شرکتهای محترم عضو می‌رساند در صورت تمایل می‌توانند از این ظرفیت مناسب بهره‌مند گردند.





## برنامه جامع و مشخصی برای احیای بافت فرسوده وجود ندارد

در حاشیه این نشست و در گفتگوی اختصاصی خبرگزاری فارس با دبیرسندیکای شرکت‌های ساختمانی، وی با اشاره به اینکه دولت از ابتدای استقرار خود نگاه ویژه‌ای به احیای بافت‌های فرسوده داشت اما برنامه مشخص و جامعی برای آن تهیه نشد، گفت: هنوز دولت برنامه مشخص پیش روی سازندگان و بخش خصوصی برای احیای بافت‌های فرسوده ارائه نکرده است. ایرج گلابتونچی دبیرسندیکای شرکت‌های ساختمانی در حاشیه دومین نشست هماهنگی برای برگزاری نمایشگاه مسکن،

تغییر کند تا سازندگان بتوانند برنامه بهتری را برای اجرای هر چه بهتر احیای بافت‌های فرسوده از خود نشان دهند. گلابتونچی تصریح کرد: بخش خصوصی هنوز نمی‌داند چه جایگاهی در احیای بافت‌های فرسوده دارد. پس دولت باید برنامه‌ای مشخص در این خصوص ارائه کند و فرصت هم‌اندیشی مؤثر و مناسبی برای بخش خصوصی و تشویق سازندگان ارائه کند. پس اگر دولت بتواند از مزیت‌های بخش خصوصی و سازندگان استفاده کند چه بسا می‌توانیم به جذب سرمایه‌گذاری خارجی در احیای بافت‌های

فرسوده امیدوار باشیم. وی با بیان اینکه به دلیل کمبود بودجه طرح‌های عمرانی، بخش خصوصی این روزها در ساخت و ساز و بخش احداث که مقوله جامعی است حال و روز خوبی ندارد، گفت: کاهش بودجه‌های عمرانی باعث شده تا شرکت‌های پیمانکار که حدود ۴۷ هزار شرکت پیمانکاری و مشاوره هستند نتوانند از تمام ظرفیت خود در بخش ساخت و ساز و احداث که شامل تمام سازه‌ها، راه‌ها و سد و ساختمان است، استفاده کنند.

دبیرسندیکای شرکت‌های ساختمانی گفت: نبود برنامه مشخص و کمبود اعتبار باعث شده که حتی در پروژه‌های نیمه تمام نتوانیم موفق شویم و به کمک دولت بیایم چرا که علاوه بر این مشکلات برنامه مشخصی نیز از سوی دولت برای اتمام پروژه‌های نیمه تمام وجود ندارد.

گلابتونچی با تأکید بر اینکه اگر می‌خواهیم تمام شرکت‌های بخش خصوصی در حوزه پیمانکاری و مشاوره از تمام ظرفیت‌های خود در کشور استفاده کنند، باید به این شرکت‌ها صد میلیارد دلار پروژه تعریف و ارائه دهیم، گفت: از این ۴۷ هزار شرکتی که عنوان شد ۶۰ درصد آنها شرکت‌های جوان هستند پس اگر نتوانیم به این شرکت‌ها کار بدهیم این شرکت‌ها به مشکل خواهند خورد.

وی تأکید کرد: توجه به بازآفرینی شهری، اتمام طرح‌های نیمه تمام و صدور خدمات فنی مهندسی به خارج از کشور می‌تواند برای کشور درآمدزایی و فرصت شغلی بالایی ایجاد کند.

دبیرسندیکای شرکت‌های ساختمانی با تأکید بر اینکه از اظهارات رئیس‌جمهور اینگونه برمی‌آید که رئیس‌جمهور هم نسبت به احیای بافت‌های فرسوده حساس است، گفت: دولت باید برای تصمیمات خود با بخش خصوصی به تفاهم برسد. چرا که با ورود بخش خصوصی به احیای بخش فرسوده هم فرصت شغلی ایجاد خواهد شد و هم برای آن شرکت‌ها کسب و کار مناسبی ایجاد خواهد شد و زیرساخت‌های توسعه کشور احداث می‌گردد.



**دکتر گلابتونچی:**  
**بخش خصوصی هنوز نمی‌داند چه جایگاهی در احیای بافت‌های فرسوده دارد. پس دولت باید برنامه مشخص در این خصوص ارائه کند و هم‌اندیشی مؤثر و مناسبی برای بخش خصوصی و تشویق سازندگان ارائه کند. پس اگر دولت بتواند از مزیت‌های بخش خصوصی و سازندگان استفاده کند چه بسا می‌توانیم به جذب سرمایه‌گذاری خارجی در احیای بافت‌های فرسوده امیدواری باشیم**

شهرسازی و بازآفرینی شهری در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، در پاسخ به این سوال که چرا دولت در احیای بافت‌های فرسوده موفق عمل نکرده است، گفت: در خصوص احیای بافت‌های فرسوده باید اذعان کنم که دولت از ابتدای استقرار خود سعی کرد نگاه ویژه‌ای به احیای بافت‌های فرسوده داشته باشد. اما متأسفانه به خاطر اینکه برنامه مدون و رویکرد مشخص و جامعی برای آن تهیه نشد بخش خصوصی و سازندگان نمی‌دانند که چگونه باید وارد این عرصه شوند.

وی ادامه داد: پس چون برنامه مشخص پیش روی سازندگان نیست این سازندگان و بخش خصوصی به خصوص در شهرهای بزرگ و پایتخت علیرغم اینکه احیای بافت‌های فرسوده می‌تواند موجب ایجاد فرصت شغلی شود اما وارد عرصه ساخت و ساز در بافت‌های فرسوده نشدند.

دبیرسندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران تأکید کرد: باید نگاه دولت به بخش خصوصی

وزارت اقتصاد در پاسخ به نامه سندیکا تشریح کرد

## محاسبه بازه زمانی حفظ قدرت خرید اسناد

مرکز مدیریت بدهی و دارایی‌های مالی عمومی وزارت امور اقتصاد و دارایی در پاسخ به نامه سندیکا با موضوع محاسبه حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی نامه‌ای مکتوب ارسال نمود.

در پاسخ ارائه شده نکات بسیار مهمی در خصوص نحوه محاسبه بازه زمانی حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی ارائه شده است که باید مورد توجه کلیه فعالین حوزه صنعت احداث علی‌الخصوص پیمانکاران قرارگیرد.

در خصوص "نحوه اعمال بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی با لحاظ نمودن شرایط عمومی پیمان" بر اساس ماده ۳۷ شرایط عمومی پیمان، در آخر هر ماه پیمانکار بر اساس فهرست بهای منضم به پیمان مبلغ صورت وضعیت را محاسبه و آن را در آخر هر ماه به مهندس ناظر تسلیم می‌نماید.

مهندس مشاور پس از کنترل صورت وضعیت پیمانکار، آن را در مدت حداکثر ده روز از تاریخ دریافت از سوی مهندس ناظر، برای کارفرما ارسال می‌نماید. کارفرما نیز صورت وضعیت‌های کنترل شده را پس از اعمال کسور قانونی و کسور متعلقه طبق پیمان، باقیمانده مبلغ قابل پرداخت به پیمانکار را حداکثر ظرف مدت ده روز از تاریخ وصول صورت وضعیت با صدور چک به نام پیمانکار پرداخت می‌نماید.

از طرفی به موجب تبصره ۱ ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی اصلاحی بنده

تبصره ۵ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید متناسب با شرایط قرارداد فی مابین و از زمان اتمام مهلت درج شده در قراردادها برای پرداخت مطالبات با مسئولیت و تایید رئیس دستگاه اجرایی / مقام مجاز از جانب وی (موضوع ماده ۵۳ قانون محاسبات عمومی کشور) آغاز شده و پایان آن تاریخ سررسید اسناد خزانه می‌باشد.

با عنایت به موارد فوق چنانچه در متن قرارداد یا موافقت‌نامه تنظیمی فی مابین کارفرما و پیمانکار مهلتی جهت پرداخت مطالبات درج نشده باشد، شرایط عمومی پیمان حاکم بر قرارداد می‌باشد و به موجب ماده ۳۷ آن، کارفرما صورت وضعیت کنترل شده از سوی مهندس مشاور را رسیدگی کرده و پس از کسر وجوهی که بابت صورت وضعیت موقت قبلی پرداخت شده است و همچنین اعمال کسور قانونی و کسور متعلقه طبق پیمان، باقیمانده مبلغ قابل پرداخت به پیمانکار را حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول صورت وضعیت پرداخت می‌کند.

براین اساس بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی موضوع بند "ه" تبصره ۵ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، بیست روز پس از زمان تسلیم صورت وضعیت از طرف پیمانکار شروع و پایان آن نیز تاریخ سررسید اسناد خزانه اسلامی می‌باشد.



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور اقتصادی و دارایی  
معاونت نظارت مالی و خزانه داری کل کشور  
مرکز مدیریت بدهی و دارایی های مالی عمومی


شماره: ۵۴/۱۵۲۵+۸.....  
تاریخ: ۱۳۹۸/۸/۶.....  
پوست: داد.....

بسمه تعالی

جناب آقای گلابتونچی  
دبیر محترم سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

باسلام

بازگشت به نامه شماره ۹۸-۶۱۳۲۲ مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۱ در خصوص بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی، در همین ارتباط به پیوست تصویر نامه شماره ۵۶/۱۳۴۲۲۵ مورخ ۱۳۹۸/۷/۷ اداره کل نظارت بر اجرای بودجه برای اطلاع و اقدام لازم ارسال می گردد.

  
رئیس مرکز

شماره: ۱۳۴۲۲۵/۵۶.....  
تاریخ: ۷/۷/۱۳۹۸.....  
پوست: ندارد.....

بسمه تعالی

جناب آقای سیفی راد  
رئیس محترم هیات مدیره شرکت مهندسی پروژه های آب و نیروی ایران (بانیر)

باسلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۹۲۷-۱۵۲/۹۸-پ مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۳ در خصوص «نحوه اعمال بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی با لحاظ نمودن شرایط عمومی پیمان» به استحضار می رساند:  
براساس ماده (۳۷) شرایط عمومی پیمان، در آخر هر ماه پیمانکار براساس فهرست بهای منضم به پیمان مبلغ صورت وضعیت را محاسبه و آن را در آخر هر ماه به مهندس ناظر تسلیم می نماید. مهندس مشاور پس از کنترل صورت وضعیت پیمانکار، آن را در مدت حداکثر ده روز از تاریخ دریافت از سوی مهندس ناظر، برای کارفرما ارسال می نماید. کارفرما نیز صورت وضعیت های کنترل شده را پس از اعمال کسور قانونی و کسور متعلقه طبق پیمان، باقیمانده مبلغ قابل پرداخت به پیمانکار را حداکثر ظرف مدت ده روز از تاریخ وصول صورت وضعیت با صدور چک به نام پیمانکار پرداخت می نماید. از طرفی به موجب تبصره (۱) ماده (۲) آیین نامه اجرایی اصلاحی بند (ه) تبصره (۵) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید متناسب با شرایط قراردادی فی مابین و از زمان اتمام مهلت درج شده در قراردادها برای پرداخت مطالبات با مسئولیت و تایید رئیس دستگاه اجرایی / مقام مجاز از جانب وی (موضوع ماده (۵۳) قانون محاسبات عمومی کشور) آغاز شده و پایان آن تاریخ سررسید اسناد خزانه می باشد.  
با عنایت به موارد فوق چنانچه در متن قرارداد یا موافقتنامه تنظیمی فی مابین کارفرما و پیمانکار مهلتی جهت پرداخت مطالبات درج نشده باشد، شرایط عمومی پیمان حاکم بر قرارداد می باشد و به موجب ماده (۳۷) آن، کارفرما صورت وضعیت کنترل شده از سوی مهندس مشاور را رسیدگی کرده و پس از کسر وجوهی که بابت صورت وضعیت موقت قبلی پرداخت شده است و همچنین اعمال کسور قانونی و کسور متعلقه طبق پیمان، باقیمانده مبلغ قابل پرداخت به پیمانکار را حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول صورت وضعیت پرداخت می کند. بر این اساس بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی موضوع بند (ه) تبصره (۵) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور، بیست روز پس از زمان تسلیم صورت وضعیت از طرف پیمانکار شروع و پایان آن نیز تاریخ سررسید اسناد خزانه اسلامی می باشد.

غلامرضا سیفی راد  
مدیرکل





## پاسخ نامه سندیکا در خصوص حفظ قدرت خرید از سوی وزارت اقتصاد

مرکز مدیریت بدهی و دارایی مالی عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی با ارسال نامه ای پاسخ به نامه سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران در خصوص موضوع حفظ قدرت خرید (طبق درخواست شرکت واریان) را ارائه نموده که جهت اطلاع متن آن منتشر می‌گردد. لازم به ذکر است نکاتی که در این نامه قید شده است برای کلیه پیمانکاران در شرایط اخذ حفظ قدرت خرید و محاسبه آن ضروری است.

### جناب آقای گلابتونچی دبیر محترم سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

با سلام؛ بازگشت به نامه شماره ۶۱۲۷۰-۹۸ مورخ ۱۴ مهر ۹۸ منضم به تصویر نامه شماره ۱۰۴۴-ب-س مورخ ۲ مهر ۹۸ شرکت واریان در خصوص نحوه محاسبه حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی سال ۱۳۹۷ موارد ذیل را به اطلاع می‌رساند:  
الف- حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی سال ۱۳۹۷:

الف-۱) مطابق ماده ۲۴ آیین نامه اجرایی بندهای الف، ب، ج، د، ح، ط، ی، م تبصره ۵ ماده واحده قانون

بودجه سال ۱۳۹۷ (موضوع تصویب نامه شماره ۱۱۸۱۹ / ت ۵۵۲۴۷ هـ مورخ ۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ هیات محترم وزیران) در صورت انتشار بخشی از اوراق مالی اسلامی موضوع این آیین نامه به شکل اسناد خزانه اسلامی، تمامی شرایط انتشار این اسناد تابع آیین نامه اجرایی بند ه تبصره ۵ قانون مذکور خواهد بود.

الف-۲) به استناد بند ب ماده ۱ آیین نامه اجرایی بند ه تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور موضوع تصویب نامه شماره ۱۲۱۵۵ / ت ۵۵۲۴۶ هـ مورخ ۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ هیات محترم وزیران)، حفظ قدرت خرید؛ مبلغی حداکثر معادل سود سپرده‌های بانکی یک ساله مصوب شورای پول و اعتبار تا پانزده درصد (۱۵٪) از زمان انتشار تا زمان سررسید اسناد خزانه اسلامی به مبلغ بدهی مسجل اضافه می‌شود. بند مذکور به موجب تصویب نامه شماره ۹۴۱۴۱ / ت ۵۵۴۵۵ هـ مورخ ۱۷ مهر ۱۳۹۷ هیات محترم وزیران به شرح ذیل اصلاح گردید:

"حفظ قدرت خرید؛ مبلغی معادل پانزده درصد است که به ازای هر سال تاخیر در پرداخت طلب طلبکاران تا زمان سررسید

اسناد خزانه اسلامی به مبلغ بدهی مسجل اضافه می‌شود".

ب- حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی سال ۱۳۹۸:

ب-۱) به موجب بند "ر" ماده ۱ آیین نامه اجرایی بندهای الف، ب، ج، د، هـ، ز، ح، ط، ی، ک، ل، ن، ف، ص تبصره ۵ و بند ز تبصره ۸ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور (موضوع تصویب نامه شماره ۲۹۵۰۴ / ت ۵۶۵۹۷ مورخ ۱۲ خرداد ۱۳۹۸ هیات محترم وزیران) حفظ قدرت خرید؛ مبلغی در سقف نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار، معادل ۱۵ درصد بدهی مسجل است که به ازای هر سال تاخیر در پرداخت طلب طلبکاران تا زمان سررسید اسناد خزانه اسلامی به مبلغ بدهی مسجل اضافه می‌شود.

ب-۲) به موجب ماده ۳ آیین نامه اجرایی فوق الذکر، انتشار اسناد خزانه اسلامی توسط وزارت، به منظور واگذاری به طلبکاران، با سررسید تا سه سال، با حفظ قدرت خرید و با رعایت موارد ذیل انجام می‌شود:

الف- بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید متناسب با شرایط قرارداد فی مابین

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور اقتصادی و دارایی  
معاونت نظارت مالی و خزانه داری کل کشور  
مرکز مدیریت بدهی و دارایی های مالی عمومی

شماره: ۵۷/۱۵۱۵۳۸.....  
تاریخ: ۳۴۹۸/۷/۳.....  
پرست: ۵.....

بسمه تعالی

**جناب آقای کلابتوچی**  
**دبیر محترم سندیکای شرکت های ساختمانی ایران**

بازگشت به نامه شماره ۹۸-۶۱۲۷۰ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۴ منضم به تصویر نامه شماره ۱۰۴-ب س مورخ ۱۳۹۸/۷/۲ شرکت واریان در خصوص نحوه محاسبه حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی سال ۱۳۹۷ موارد ذیل را به اطلاع می رساند:

الف- حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی سال ۱۳۹۷:

الف-۱) مطابق ماده ۲۴ آیین نامه اجرایی بندهای (الف)، (ب)، (ج)، (د)، (ح)، (ط)، (ی) و (م) تبصره ۵ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۷ (موضوع تصویب نامه شماره ۱۱۸۱۹/ت/۵۵۲۴۷ مورخ ۱۳۹۷/۲/۸ هیأت محترم وزیران، در صورت انتشار بخشی از اوراق مالی اسلامی موضوع این آیین نامه به شکل اسناد خزانه اسلامی، تمامی شرایط انتشار این اسناد تابع آیین نامه اجرایی بند (ه) تبصره ۵ قانون مذکور خواهد بود.

الف-۲) به استناد بند (ب) ماده ۱ آیین نامه اجرایی بند (ه) تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور (موضوع تصویب نامه شماره ۱۲۱۵۵/ت/۵۵۲۴۶ مورخ ۱۳۹۷/۲/۹ هیأت محترم وزیران)، حفظ قدرت خرید؛ مبلغی حداکثر معادل سود سپرده های بانکی یک ساله مصوب شورای پول و اعتبار تا پانزده درصد (۱۵٪) از زمان انتشار تا زمان سررسید اسناد خزانه اسلامی به مبلغ بدهی مسجل اضافه می شود. بند مذکور به موجب تصویب نامه شماره ۹۴۱۴/ت/۵۵۴۵۵ مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۷ هیأت محترم وزیران به شرح ذیل اصلاح گردید:

حفظ قدرت خرید؛ مبلغی معادل پانزده درصد (۱۵٪) است که به ازای هر سال تأخیر در پرداخت طلب طلبکاران تا زمان سررسید اسناد خزانه اسلامی به مبلغ بدهی مسجل اضافه می شود.

ب- حفظ قدرت خرید اسناد خزانه اسلامی سال ۱۳۹۸:

ب-۱) به موجب بند (ر) ماده ۱ آیین نامه اجرایی بندهای (الف)، (ب)، (ج)، (د)، (ه)، (ز)، (ح)، (ط)، (ی)، (ک)، (ل)، (ن)، (ف) و (ص) تبصره ۵ و بند (ز) تبصره ۸ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور (موضوع تصویب نامه شماره ۲۹۵۰۴/ت/۵۵۶۵۹ مورخ ۱۳۹۸/۳/۱۴ هیأت محترم وزیران)، حفظ قدرت خرید؛ مبلغی در سقف نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار، معادل پانزده (۱۵) درصد بدهی مسجل است که به ازای هر سال تأخیر در پرداخت طلب طلبکاران تا زمان سررسید اسناد خزانه اسلامی به مبلغ بدهی مسجل اضافه می شود.

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور اقتصادی و دارایی  
معاونت نظارت مالی و خزانه داری کل کشور  
مرکز مدیریت بدهی و دارایی های مالی عمومی

شماره: ۵۷/۱۵۱۵۳۸.....  
تاریخ: ۳۴۹۸/۷/۳.....  
پرست: ۵.....

ب-۲) به موجب ماده ۳ آیین نامه اجرایی فوق الذکر انتشار اسناد خزانه اسلامی توسط وزارت، به منظور واگذاری به طلبکاران، با سررسید تا سه سال، با حفظ قدرت خرید و با رعایت موارد ذیل انجام می شود:

الف- بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید متناسب با شرایط قرارداد فی مابین و از زمان اتمام مهلت درج شده در قراردادها برای پرداخت مطالبات با مسئولیت و تأیید رییس دستگاه اجرایی / مقام مجاز از جانب وی (موضوع ماده ۵۳ قانون محاسبات عمومی کشور)، آغاز شده و پایان آن، تاریخ سررسید اسناد خزانه اسلامی می باشد. در خصوص سایر مواردی که فاقد قرارداد بوده و یا در قراردادهای مربوط بازه زمانی مشخصی برای پرداخت تعیین نشده است و همچنین برای مطالبات سازمان تامین اجتماعی بابت کسور، بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید از زمان صدور حواله برای هر یک از صورت وضعیت ها یا صورتحساب های صادره طلبکاران توسط رییس دستگاه اجرایی / مقام مجاز از جانب وی، تا تاریخ سررسید اسناد خزانه اسلامی می باشد.

تبصره ۱ - مواردی که با اعلام و تأیید رییس دستگاه اجرایی / مقام مجاز از جانب وی، از هر گونه افزایش بابت خسارت تأخیر تأدیه برخوردار شده یا می شوند، صرفاً مشمول محاسبه حفظ قدرت خرید از تاریخ واگذاری تا سررسید اسناد می باشند و لذا خسارت تأخیر تأدیه، صرفاً تا زمان واگذاری اسناد قابل تعیین است.

تبصره ۲ - در صورتی که بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید، کمتر یا بیشتر از یکسال سپری شده باشد یا همان نرخ ذکر شده متناسب با دوره زمانی (روز شمار) به مبلغ بدهی مسجل اضافه می شود.

در پایان اضافه می نماید به استناد مصوبه شماره ۵۱۲۹۲/ت/۴۳۴ مورخ ۱۳۶۶/۴/۲۴ هیأت محترم وزیران، مصوبات هیأت وزیران که وزارتخانه ها، سازمان ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مأمور اجرای آن هستند ولو آنکه در روزنامه رسمی منتشر نشده و یا نگردند همچنین مصوبات طبقه بندی شده (محرمانه - خیلی محرمانه - سری - بکلی سری) از تاریخ ابلاغ به وزارتخانه یا سازمان دولتی که مصوبه به عنوان آن صادر شده لازم الاجراست. در صورتی که هیأت وزیران بر حسب مورد ترتیب خاصی برای زمان اجرای مصوبه مقرر نموده یا بنمایند مصوبه مزبور از تاریخ مقرر لازم الاجراست.

مهدی بنایی  
رئیس مرکز مدیریت بدهی

تلفن: تهران، خیابان صویرسراقل، ساختمان مرکزی وزارت امور اقتصادی و دارایی، طبقه سوپ، مرکز مدیریت بدهی ها و دارایی های مالی عمومی  
iridmo.mefa.ir

و از زمان اتمام مهلت درج شده در قراردادها برای پرداخت مطالبات با مسئولیت و تأیید رییس دستگاه اجرایی / مقام مجاز از جانب وی (موضوع ماده ۵۳ قانون محاسبات عمومی کشور)، آغاز شده و پایان آن، تاریخ سررسید اسناد خزانه اسلامی می باشد. در خصوص سایر مواردی که فاقد قرارداد بوده و یا در قراردادهای مربوط بازه زمانی مشخصی برای پرداخت تعیین نشده است و همچنین برای مطالبات سازمان تامین اجتماعی بابت کسور، بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید از زمان صدور حواله برای هر یک از صورت وضعیت ها یا صورتحساب های صادره طلبکاران توسط رییس دستگاه اجرایی / مقام مجاز از جانب وی، تا تاریخ سررسید اسناد خزانه اسلامی می باشد.

تبصره ۱- مواردی که با اعلام و تأیید رییس دستگاه اجرایی / مقام مجاز از جانب وی، از هر گونه افزایش بابت خسارت تأخیر تأدیه برخوردار شده یا می شوند، صرفاً مشمول محاسبه حفظ قدرت خرید از تاریخ واگذاری تا سررسید اسناد می باشند و لذا خسارت تأخیر تأدیه، صرفاً تا زمان واگذاری اسناد قابل تعیین است.

تبصره ۲- در صورتی که بازه زمانی محاسبه حفظ قدرت خرید، کمتر یا بیشتر از یکسال سپری شده باشند، با همان نرخ ذکر شده متناسب با دوره زمانی (روزشمار) به مبلغ بدهی مسجل اضافه می شود.

در پایان اضافه می نماید به استناد مصوبه شماره ۵۱۲۹۲/ت/۴۳۴ مورخ ۲۴ شهریور ۱۳۶۶ هیأت محترم وزیران "مصوبات هیأت وزیران که وزارتخانه ها، سازمانها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مأمور اجرای آن هستند ولو آنکه در روزنامه رسمی منتشر نشده و یا نگردند همچنین مصوبات طبقه بندی شده (محرمانه - خیلی محرمانه - سری - به کلی سری) از تاریخ ابلاغ به وزارتخانه یا سازمان دولتی که مصوبه به عنوان آن صادر شده لازم الاجراست. در صورتی که هیأت وزیران بر حسب مورد ترتیب خاصی برای زمان اجرای مصوبه مقرر نموده یا بنمایند مصوبه مزبور از تاریخ مقرر لازم الاجراست.

مهدی بنایی  
رئیس مرکز مدیریت بدهی  
و دارایی های مالی عمومی  
۲۱ آبان



## اشاره:

مطلب ضمیمه مربوط به پرسش یکی از اعضا در خصوص ابهام مربوط به ضریب بالاسری مورد اعمال در قیمت جدید قرارداد منعقد بر اساس ضوابط قراردادهای تیپ و منضم به شرایط عمومی پیمان در طرح غیر عمرانی است.

برآورد اولیه پیمان مطابق بخشنامه شماره ۱۰۰/۷۶۵۷۴ بر اساس فهرست‌های بهای سال ۱۳۹۷ و بر اساس ضریب بالاسری ۱/۴۱ و ضریب ارتفاع و ضرایب جزء فصول محاسبه و جداول مختلف اسناد براین اساس تهیه و پیمان منعقد شده است، با توجه به اظهار پیمانکار، ارائه پیشنهاد قیمت بر مبنای بخشنامه شماره ۱۰۰/۷۶۵۷۴

( نحوه ارائه پیشنهاد قیمت از سوی پیمانکار به تفکیک فصول ) انجام و نسبت به تجزیه بهای هزینه بالاسری مطابق جدول ۶ بخشنامه ۹۶/۱۲۳۲۵۷۹ اقدام نموده که ضریب بالاسری اعمالی در جدول الف پیشنهادی قیمت برای برآورد مطابق آنالیز ۱/۳۰ محاسبه شده و بر آن اساس ضریب جزء فصل محاسبه شده است.

در حین اجرای پیمان، کارهایی در چارچوب موضوع پیمان به پیمانکار ابلاغ شده است که برای آنها قیمت و مقدار در فهرست بها و مقادیر منضم به پیمان پیش بینی نشده است، نظر به اینکه بر اساس مفاد بند ج ماده ۲۹ شرایط عمومی پیمان قیمت جدید برحسب هزینه اجرای کار در محل محاسبه شده است و تنها ضریب بالاسری پیمان بر اساس مفاد بند ج ماده ۲۹ شرایط عمومی پیمان به آن تعلق می‌گیرد، اختلاف نظر در خصوص اعمال ضریب بالاسری (۱/۴۱ و ۱/۳۰) فی مابین پیمانکار و کارفرما وجود دارد، که پیمانکار درخواست دریافت اعلام نظر دفتر نظام فنی و اجرایی را نمود. اعلام نظر دریافتی ضمیمه است.

## جناب آقای دکتر قانع فر

رئیس محترم دفتر نظام فنی و اجرایی، پیمانکاران و مشاوران کشور

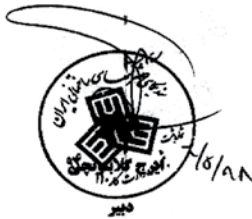
موضوع: استعلام ضریب بالاسری

با سلام و احترام

ضمن ارسال رونوشت نامه شماره ۹۸/م/۲۱۹۲ مورخ ۹۸/۰۲/۲۷ شرکت بهسرا، موضوع قرارداد اجرای پروژه تجاری- اداری البرز به کارفرمایی شرکت توسعه لاینه حافظ و مهندسین مشاور طرح و سازه البرز، به استحضار می‌رساند که در برآورد مهندس مشاور منظم به قرارداد، ضریب بالاسری پیمان ۱/۴۱ در نظر گرفته شده و قرار داد بر اساس فهرست بهای سال ۱۳۹۷ منعقد گشته است.

پیمانکار مذکور، برای قیمت‌های جدید لاینه نیز وفق شرایط عمومی پیمان ضریب بالاسری ۱/۴۱ را ملاک عمل دانسته و اعمال می‌کند، حال آنکه کارفرما بدون توجه به ضریب بالاسری پیمان و تنها به استناد آنالیز پیمانکار که در زمان مناقصه دریافت نموده، ضریب ۱/۳۰ را به این قیمت‌ها اعمال می‌نماید.

راهنمایی بفرمایید ضریب بالاسری در این حالت به چه میزانی قابل اعمال می‌باشد؟



دکتر

شماره: ۴۲-۲۶۱  
تلفن: ۱۳۹۸-۸۱۲۵  
پست: ندارد

سازمان برنامه و بودجه کشور

بسمتعالی

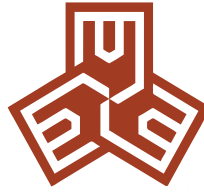
سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران  
موضوع: ضریب بالاسری پیمان

بمقام راننده

بازگشت به نامه شماره ۹۸-۶۰۷۶۸ مورخ ۱۳۹۸/۵/۶ در مورد استعلام تعیین ضریب بالاسری قابل اعمال به کارهای جدید قرارداد اجرای پروژه تجاری-اداری البرز به آگاهی می‌رساند:  
مطابق مفاد بند (۱۱) بخشنامه شماره ۹۶/۱۲۳۲۵۷۹ مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۱ با موضوع نحوه ارائه تجزیه‌بها همراه با پیشنهاد قیمت توسط پیمانکاران، اسناد و مدارک مربوط قابل استناد در پیمان‌های منعقد نبوده و درج آن‌ها در اسناد و مدارک قرارداد مجاز نمی‌باشد.  
به طور کلی در قراردادهای پیمانکاری منعقد در چارچوب مفاد نشریه شماره ۴۳۱۱ و ضوابط مربوط نظام فنی و اجرایی کشور، قیمت کارهای جدید، موضوع مفاد بند (ج) ماده (۳۹) شرایط عمومی پیمان، بر حسب هزینه اجرای کار در محل اجرا محاسبه گردیده و تنها ضریب بالاسری برآورد هزینه اجرای کار مندرج در پیمان فی‌مابین (نه ضریب بالاسری مندرج در اسناد پیوست بخشنامه یادشده) به قیمت‌های جدید اعمال می‌شود.

سیدجواد قانع فر

رئیس امور نظام فنی و اجرایی،  
مشاورین و پیمانکاران



# سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶

شماره: ۹۸-۶۱۰۱۰

پیوست:

شماره ثبت: ۹۴

تاسیس: ۱۳۲۶

«بنام خدا»

جناب آقای دکتر سیدجواد قانع فر

ریاست محترم امور نظام فنی اجرایی - سازمان برنامه و بودجه کشور

موضوع: شاخص مبنای سه ماهه دوم سال ۱۳۹۷

پس از سلام

به پیوست تصویر نامه شماره ۹۸-۱۱۲۸۱ مورخ ۹۸/۵/۱۲ شرکت مهندسی و ساخت بازپام در خصوص شاخص مبنای در قراردادهای منعقد که پیشنهاد قیمت آنها در سه ماهه سوم سال ۱۳۹۷ اعلام شده است و وفق ضوابط و بخشنامه تعدیل شاخص مبنای در آن، شاخص سه ماهه دوم سال ۱۳۹۷ است. ارسال و به استحضار می‌رساند،

۱- در تعیین شاخص مبنای در قراردادهایی که شاخص مبنای آن‌ها، سه ماهه دوم سال ۱۳۹۷ است و به لحاظ عدم اعلام وحدت رویه مشخص از طرف آن سازمان در استفاده از شاخص سه ماهه و یا ماهانه، اختلاف نظر با کارفرمایان وجود دارد.

۲- در اکثر قراردادهای منعقد در دوره سه ماهه سوم، شاخص مبنای شاخص شهریور ماه لحاظ شده است و پیمانکار به استناد این موضوع که شاخص سه ماهه از میانگین قیمت‌های یک دوره سه ماهه استخراج می‌شود و نه قیمت یک ماه خاص در یک دوره سه ماهه، اقدام به لحاظ نمودن میانگین شاخص‌ها تیر و مرداد و شهریور جهت تعیین شاخص مبنای سه ماهه دوم سال ۱۳۹۷ نموده است.

۳- نظر به روند رشد شاخص‌ها در شهریور ماه سال ۱۳۹۷ با منظور نمودن شاخص شهریور در صورت وضعیت‌های تعدیل سه ماهه سوم و چهارم سال ۱۳۹۷، نتایج دریافتی متفاوت با مبالغ هزینه و دریافتی (کارکرد با اضافه تعدیل) بوده است که موجبات ضرر و زیان قابل توجه را فراهم می‌آورد و موجبات بروز اختلاف با کارفرمایان گردیده است که حل و فصل موضوع بدون ارائه طریق آن امور محترم امکان پذیر نمی‌گردد.

با بررسی بعمل آمده به توسط این سندیکا، نظر به تعریف مندرج در بخشنامه تعدیل که تصریح می‌نماید، شاخص مبنای پیمان در مناقصه، یک دوره سه ماهه قبل از دوره سه ماهه ای که آخرین روز مهلت تعیین شده توسط کارفرما برای تسلیم

سوال مطروحه برخی از اعضا در خصوص شاخص مبنای در قراردادهای منعقد که پیشنهاد قیمت آنها در سه ماهه سوم سال ۱۳۹۷ اعلام شده است و وفق ضوابط و بخشنامه‌های تعدیل آحاد بها، شاخص شهریور ماه شاخص مبنای است یا میانگین شاخصهای ماههای تیر و مرداد و شهریور و درخواست دریافت اعلام نظر نظام فنی و اجرائی به پرسش فوق، که مراتب پاسخ سازمان را به آگاهی می‌رساند:



پیام آبادگران  
آبان ماه ۱۳۹۸  
شماره ۳۸۳

آدرس: تهران خیابان طالقانی - خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی) - شماره ۸۶ - کد پستی: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱

تلفن: ۶۶۴۶۹۱۰۵ - ۶۶۴۶۰۲۰۳۷ - ۶۶۴۶۰۱۹۵ - ۶۶۴۴۲۶۱ (۵ خط) فاکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴ - info@acco.ir www.acco.ir





تاریخ: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶

شماره: ۹۸-۶۱۰-۹۸

پیوست:

شماره ثبت: ۹۴

تاسیس: ۱۳۲۶

پیشنهاد قیمت پیمانکار در آن واقع شده است و در ترک مناقصه، یک دوره سه ماهه قبل از دوره سه ماهه ای که پیشنهاد نهائی پیمانکار به صورت کتبی تسلیم کارفرما شده است.

و در ضوابط تعدیل به شاخص ماهانه استناد نمی شود.

به نظر این سندیکا در تعیین شاخص مبنا استفاده از میانگین شاخص های ماههای تیر و مرداد و شهریور متناظر شاخص دوره انجام کار وفق ضوابط می باشد.

تفاننا دارد مقرر فرمایند بمنظور ایجاد وحدت رویه نسبت به اعلام روش در قراردادهائی که شاخص مبنای آن در سه ماهه دوم سال ۱۳۹۷ است ارائه طریق نمایند.

فیلا از تسریع و اقدامی که در اینمورد بعمل می آورند کمال تشکر را می نماید.

با تقدیم احترام  
ایرج گلایبونی  
۱۳/۶/۹۸

شماره: ۳۳۸۶۲۲

تاریخ ثبت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۰

نوع سند: ندارد

سازمان برنامه و بودجه کشور  
ریاست عمومی

برتر عالی

جناب آقای دکتر گلایبونی  
دبیر محترم سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران  
موضوع: شاخص مبنای پیمان

بسلام و احترام؛

بازگشت به نامه شماره ۹۸-۶۱۰-۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۱۶ به آگاهی می رساند، به استناد بند ۵ بخشنامه شماره ۹۷/۳۴۸۷۰۳ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۰۸، با موضوع شاخص های موقت تعدیل نیمه اول سال ۱۳۹۷، شاخص ابلاغی شهریور ماه، شاخص مبنای پیمان مناقصات مشمول تعدیلی است که آخرین مهلت ارائه پیشنهاد قیمت آن ها (بعد از ۱۳۹۷/۷/۸) در سه ماهه سوم سال ۱۳۹۷ قرار دارد.

سیدجواد قانع فر

رئیس امور نظام فنی اجرایی

مشاورین و پیمانکاران

پوسته: شرکت مهندسی و ساخت بتن نام بازگشت به نامه فوق الذکر جهت اطلاع و پیگیری

شیرخله جهت درج در پرونده

تاریخ: ۹۸/۶/۱۰

آدرس: تهران خیابان طالقانی- خیابان شهید برادران مظفر(صبا جنوبی)-  
تلفن: ۶۶۴۶۹۱۰۵-۶۶۴۶۲۰۳۷-۶۶۴۶۰۱۹۵-۶۶۴۶۲۶۱-۶۶۴۶۲۶۱(خط) فاکس: ۶۶۴۶۲۰۸۴



## بخش خصوصی باید توسعه یابد



### اصلاح آن صادر می شود؟

بحث درباره جایگاه بودجه کل کشور یا مالیه عمومی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا بودجه کل کشور از یک طرف بیان چگونگی تقسیم قدرت بین قوا و سایر دستگاه‌ها را در بر دارد و از طرف دیگر آینه و نمایشی از چیدمان قدرت است. از این رو اگر در بودجه کل کشور مشکلات و چالش‌هایی وجود دارد، بیان این است که در پخش قدرت و چگونگی جریان بده‌بستان‌های بین قلمروها و اجزای آن مشکل داریم. موضوع مطرح شده، موضوعی بنیادین و کلیدی برای سرنوشت توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی ایران است. درخصوص بودجه و توزیع آن، از همان زمان جنگ با عراق، بین مسئولان کشور اختلاف نظر وجود داشت. در دولت‌های بعد از جنگ هم شاهد عدم هماهنگی و استنباط‌های متفاوت از چگونگی جایگاه بودجه، قلمروهای آن، همچنین چارچوب تدوین و تصویب و اجرا و عملیات و نظارت بودجه بوده‌ایم که این اختلاف نظر را در نهایت بر شکل و شمایل بودجه تأثیر خود را گذاشته است.

بحث مهم ساختار بودجه به چگونگی روابط بین ملت و دولت به معنای عام باز می‌گردد.

محمد ستاری فر رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی در دولت اصلاحات که سال‌هاست با هیچ رسانه‌ای گفت‌وگوی رودررو نداشته، در گفت‌وگویی تفصیلی با روزنامه شرق درخصوص اصلاح ساختار بودجه سخن رانده است.

رئیس اسبق سازمان برنامه و بودجه، ضمن تشریح دلایل دگرگونی گفتمان‌ها در قبال بودجه و لزوم اصلاح ساختاری آن ابراز کرد: «صرفاً و با صرف دستور نباید انتظار اصلاح ساختار بودجه را داشته باشیم». او می‌گوید: ما با معضلی عمیق و مبنایی مواجه هستیم؛ فقدان یک گفتمان الزام‌آور برای مسئولان در اراده کشور و چارچوب قانون اساسی. اما برای تغییر این اوضاع چه باید کرد؟ آیا نیاز به تغییر قانون اساسی داریم؟ آیا بازبینی تخصیص قدرت باید در دستور کار قرار بگیرد؟ آیا دولت باید ردیف‌های بودجه را حذف کند و وارد فاز تقابل با برخی جریان‌ها شود؟ محمد ستاری فر پاسخ صریحی برای این سؤالات دارد.

■ سال ۹۷ اصلاح ساختار بودجه در دستور کار قرار گرفت. مشکل بودجه کشور کجاست که به اصلاح نیاز دارد؟ اساساً بودجه جمهوری اسلامی از چه زمانی دچار مشکل شد که اکنون فرمان

طبق قانون اساسی، جریان بده‌بستان بین دولت و ملت را مالیه عمومی می‌نامند. از طرفی قرائت عددی و رقمی این مالیه عمومی، بودجه نامیده می‌شود. پس نمایش مالیه عمومی به شکل عدد و رقم است که ضمن استنباط واحد و در قالب عدد و رقم، باید به یک تفاهم کلی بین اجزای حاکمیت از یک طرف و بین حاکمیت و ملت از طرف دیگر برسد. البته بعد از انقلاب در حیطه استنباط واحد از ساختار و کارکردهای بودجه، ما شاهد تفکری واحد و منسجم در این خصوص نیستیم؛ چراکه درخصوص تخصیص بودجه و کارکردهای آنها تفاوت نظرهایی وجود دارد. بعد و قبل از انقلاب همیشه با این قضیه مشکل داشته‌ایم. به خصوص در پایان برنامه چهارم قبل از انقلاب و آغاز برنامه پنجم که نرخ نفت افزایش یافت و قدرت حکومت و شاه فزونی گرفت، این چنین بسیاری از حقوق ملت نادیده گرفته شد. کلیت حاکمیت باید به استنباط واحدی درخصوص بودجه برسند. در چنین قالبی شاهد هم‌گرایی خواهیم بود. به واسطه این هم‌گرایی شاهد رشد و توسعه اقتصادی می‌شوید. عدم هم‌گرایی نیز منجر به کثرت مشکلات در فضای کسب‌وکار و همچنین کندی روند اقتصادی کشور

می‌شود. رکود و سایر نابسامانی‌ها، ماحصل چنین فضایی در واگرایی‌ها، تعارض‌ها و عدم استنباط واحد از قضایای کشور است.

**■ همان‌طور که اشاره کردید، این نابسامانی‌ها هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب ملموس است. چرا آن‌گونه که باید بودجه سروسامان نیافت؟**

در پاسخ به این سؤال به دو مشکل می‌توان در بودجه عمومی اشاره کرد: «مشکلات پارامتریک» و «مشکلات ساختاری» بودجه عمومی کشور. سؤال این است که اگر اقدامی برای مشکلات پارامتریک بودجه انجام شود، آیا عموم مشکلات درست می‌شوند؟ مشخصاً خیر؛ این‌گونه نیست. مشکلات پابرجا می‌مانند. اگر مشکلات ما بیشتر نشود، کمتر هم نخواهد شد. مشکلات بودجه به ساختار بودجه باز می‌گردد و صرفاً با اصلاحات پارامتریک حل و رفع نمی‌شود. کشور سخت‌نیزمندان آن است که مسئولان با بینش همه‌جانبه، دغدغه عمیق، همت والا نسبت به گفتمان توسعه، وقوفی همه‌جانبه و یکسان داشته باشند. در این صورت شکل‌گیری منابع و چگونگی مصارف و همچنین چرخه این منابع و مصارف که باید تا چه میزان کارایی و اثربخشی از بودجه برای ملت و کشور باشد، می‌تواند از نهادمندی و اجرا و عملیات برخوردار باشد. به همین جهت باید گفت و تأکید کرد که مشکلات ساختاری بودجه صرفاً با چند اصلاح پارامتریک حل و فصل نمی‌شوند.

ساختار و پی و فونداسیون و جریان بده بستان منابع و مصارف بودجه، باید معطوف به کارهای اثربخش باشد تا این‌گونه اصلاحات ساختاری شکل بگیرد. بنابراین مشکلات بودجه جمهوری اسلامی در «مسائل ساختاری» و همچنین «پارامتریک» است. اصلاحات پارامتریک را در جاهایی انجام می‌دهیم که ساختار و ساختمان ما درست باشد. اگر فونداسیون یک ساختمان در حال ریزش است، مشخصاً کسی اجازه رنگ‌آمیزی و تعویض مصالح را نخواهد داشت. اما اگر بنای این ساختمان، بنایی سالم بود، سالانه برای نگه‌داشت آن، اصلاحات پارامتریک

هم اتفاق می‌افتد. اکنون در ایران، مالیه عمومی و بودجه نتوانسته است در خدمت رفاه، امنیت و توسعه مردم باشد. باید باور داشت که این مشکل را نمی‌توان با اصلاحات پارامتریک حل و فصل کرد.

در مثالی برای اصلاحات پارامتریک، ردیف بودجه‌ای «کمک‌رسانی به سیل‌زدگان لرستان» را در نظر بگیرید. ضمن این حادثه، در بودجه کشور، چنین ردیفی تعریف شد. اگر با تخصیص یافتن بودجه به این ردیف و همچنین حل مشکلات مردم سیل‌زده لرستان، به نتیجه مطلوب رسیدیم، دیگر نیازی نیست که در سال آینده این ردیف مجدداً تعریف شود. این ردیف حذف خواهد شد. این روند، مصداق اصلاحات پارامتریک است. ولی اگر ساختار درست نباشد، این ردیف ممکن است برای سال‌ها در بودجه بماند. بیشتر

الزام‌آور برای مسئولان موجود نباشد، اصلاح ساختار بودجه نمی‌تواند معنا و مفهوم داشته باشد. در این صورت بحث بر سر توسعه یافتگی کشور نیز بی‌معنا خواهد بود.

**■ حل این مشکلات ساختاری بر عهده چه کسی است؟ جایگاه سازمان برنامه و بودجه را در این باره چگونه تفسیر می‌کنید؟**

البته سازمان برنامه و بودجه برای رفع این مشکل، جایگاه چندانی ندارد. در قبال این مشکل، وظیفه ناچیزی بر عهده سازمان برنامه و بودجه و اداره مالیات خواهد بود. ما با معضلی عمیق و مبنایی مواجه هستیم: «فقدان یک گفتمان الزام‌آور برای مسئولان در اراده کشور و چارچوب قانون اساسی». در حال حاضر اصول قانون اساسی به



عنوان میثاقی بین ملت و حاکمیت، تا حد گسترده‌ای یا راکد مانده یا از مفهوم حقیقی خود خارج شده است.

قانون اساسی بر این باور است که مالکیت همه مالکیت‌ها و حق‌ها که در ایران جاری است، از آن ملت است. طبق مقدمه قانون اساسی و مضامین صریح آن، تمام حق و حقوق از آن ملت است. قانون اساسی این موضوع را پذیرفته که نقطه کانونی و اساسی و فونداسیون در کشور، همان مردم هستند. با این اوصاف، بودجه باید از آن ملت باشد در حالی که از آن حاکمیت است و از آن مردم نیست. ادعا این است که بسیاری از تصمیمات حاکمیت برای رفاه مردم صورت می‌گیرد. اما از آن جهت که

ردیف‌های تعریف‌شده در بودجه چنین وضعیتی را داشته‌اند. اصولاً مشکلات به این دلیل حل و فصل نشده‌اند که ما به بودجه و مالیه عمومی، نگاه ساختاری نداریم. حل و فصل مشکلات بودجه کشور، خواهان یک نگاه عمیق و بنیادین است. حل‌نشدن معضلات بودجه به دلیل فقدان چنین نگاهی تبیین می‌شود. اصلاحات ساختاری سخت‌نیزمندان این امر است که مسئولان ایران بازتعریفی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور داشته و بر حسب مشکلات و ظرفیت‌های کشور، باوری برای توسعه کشور پیدا کنند. این باور را گفتمان توسعه‌ای مسئولان می‌نامیم. تا این گفتمان مکتوب و از همه مهم‌تر،



فرایند و اهداف این تصمیم‌ها، ملت محور نیست، مشکلاتی ایجاد شده و خواهد شد. اگر به جهت ملت در حال تدوین بودجه هستیم، باید آرامش و رفاه بیشتری در زندگی مردم حکم فرما باشد. اما آیا کارکردها تاکنون این‌گونه بوده است؟

حکومت‌ها برای کسب قدرت مورد نیاز، دو موقعیت را در زندگی اجتماعی مردم محدود می‌کنند؛ یکی اینکه از درآمدهای مردم مالیات می‌گیرند و دوم بخشی از آزادی آنها را. البته این به معنای محدود شدن بن‌مایه‌های آزادی نیست که آنها محدودیت بردار نیستند؛ آنها آزادی اندیشه را نمی‌گیرند و نباید هم بگیرند. تنها بخش محدود و ناچیزی از آزادی مردم را حصار می‌کشند؛ آن هم به خاطر سلامت خود مردم. لذا این سیاست به معنای مقابله با دموکراسی تفسیر نمی‌شود؛ برای مثال در دعوی مردم با یکدیگر، افراد آزاد نیستند هر تصمیمی را بگیرند، بلکه قانون به آنها نظارت خواهد داشت. بر این اساس حکومت در آزادی این دو امتیاز، امور حاکمیتی از قبیل، امنیت، فضای کسب‌وکار، رفاه و... را به جامعه تقدیم می‌کند. هدف از این روند، هم‌گرایی در جامعه است که بی‌شک، یک ملت فهیم این موضوع را تقبل خواهد کرد. به چنین جریان بده‌بستانی که بین ملت و حاکمیت در اخذ مالیات و بخشی از آزادی‌ها و سپس عرضه کالاهای عمومی به مردم است، مالیه عمومی می‌گویند. مالیه عمومی چند سطر بنیادین در چگونگی جایگاه حق و حقوق و اینکه حق از آن کیست، دولت و ملت و روابط بین این بیشتر ندارد. بیان عدد و رقم مالیه عمومی نیز همان بودجه است که امروزه ارقام بیش از حقایق آن در افکار عمومی طرح می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت تا زمانی که مسائل مربوط به مالیه عمومی و همچنین نوع روابط بین مردم و حکومت حل نشوند، تغییر در اعداد و ارقام بودجه و همچنین حذف و اضافه ردیف‌ها بی‌معنا خواهد بود. همین‌طور است. تا وقتی که موازین حق و حقوق و جایگاه ملت در این اعداد و ارقام ذوب نشود، این اعداد و ارقام نمی‌تواند کارایی و اثربخشی داشته باشد. بسیاری

از عدد و رقم‌های مندرج در بودجه، قابل توجه نیست؛ چراکه چگونگی کارکرد این ارقام در سرنوشت مردم و توسعه‌یافتگی کشور درهاله‌هایی از ابهام قرار دارد. مردم طبق سنگ محکی مشخص، قدرتی را در اختیار دولت می‌گذارند و بر اساس آن، دولت هم باید به مردم منافع روانه کند؛ این یعنی بودجه و مالیه عمومی. بده‌بستان بین حکومت و مردم، باید روندی منطقی داشته باشد.

### ■ با توجه به مباحث عنوان شده، در حال حاضر برای اصلاح ساختار بودجه، چنین توازن قدرتی بین مردم و حاکمیت وجود دارد یا خیر؟

البته این سخن درستی است. این جمله، شعار اصلاح بودجه خواهد بود. چون بودجه کل کشور، بیان نمایش چیدمان قدرت بین حاکمیت و مردم است و چگونگی توزیع آن بین اجزای حاکمیت را دربر دارد. امروز اگر گفته شود باید ساختار بودجه مورد اصلاح قرار گیرد، باید بگوییم که شروع اصلاحات فقط از بودجه نیست، بلکه باید از اصلاح ساختار باشد. ساختار و توزیع و جریان بده‌بستان‌های غیرکارآمد آن که بودجه معیوبی را شکل داده و این بودجه به جای حل مسائل کشور، دائم آن را فزونی بخشیده است. با این حال معیار ما کجاست؟ بین حکومت و مردم، بده‌بستان‌ها باید چگونه باشد؟ حکومت قرار است بهداشت، قانون، آموزش، امکانات و... را برای مردم فراهم آورد. اما در قبال آن برخی چیزها را نیز از مردم سلب خواهد کرد. مردم هم باید مالیات بدهند و هزینه‌هایی بپردازند. جهت‌گیری مالیه عمومی و اثر آن باید با ملت و همراه ملت و برای ملت باشد. امروزه مالیه عمومی از نفت، رانت و مالیات برای دولت و قبایل ائتلاف در آن را می‌تواند در خود داشته باشد. حاکمیت قبول ندارد که بودجه از آن ملت است. آنها بودجه را به هر نحوی جمع‌آوری می‌کنند؛ باید پرسید چرا رشدی اتفاق نمی‌افتد؟ چرا توسعه ما مشکل دارد؟ باید تا به امروز مرفه‌تر می‌شدیم. اما این‌گونه نیست. باید اشتغال، رفاه و توسعه به وجود می‌آمد؛ نه فقر و بی‌کاری

و... در یک کلام باید گفت که در خصوص بودجه، بد عمل شده است. ساختار بودجه ما غلط است. اجرای این ساختار غلط هم در نهایت نتیجه غلط و نامطلوبی را در پی خواهد داشت. بنابراین هم کتابت و هم اجرای بودجه ما اشکال دارد.

### ■ برای اصلاح ساختار بودجه، دولت ممکن است دست به حذف برخی ردیف‌ها بزند. آیا این تصمیم را کافی می‌دانید؟

خیر؛ این تصمیم کافی نیست. مشکل ما مبنایی است نه پارامتریک. این مشکل در این ۴۰ سال، هر روز مضاعف‌تر شده است. ممکن است در دولتی ردیفی اصلاح شود. در دولت اصلاحات، بسیاری از ردیف‌های بودجه مورد اصلاح قرار گرفت، اما با عوض شدن دولت‌ها یا مجلس، روییدن همانند علف هرز این ردیف‌های مضر و بدون ارتباط با وظایف بنیادین دولت، با قدرت و قوت بیشتری همراه بوده است. اگر بخواهیم مشکل کشور حل شود باید منطقی عمل کنیم. وجود مشکلات را به گردن تحریم‌ها نباید انداخت. این کار حاشیه‌سازی و کاری ناصواب و غیراخلاقی است. مشکل بن‌مایه‌های اقتصاد و بودجه، در تحریم نیست؛ بلکه در تفکر قانونمندی و اجرا و عملیات ماست.

### ■ بنا بر گفته‌های شما، تخصیص‌های مالی در بودجه و سایر بخش‌های دیگر، باید با رضایت مستقیم مردم و توسط دولت صورت بگیرد.

همین‌طور است. در حال حاضر و بر اساس قانون، بخشی از درآمدهای ارزی در صندوق توسعه ملی سرمایه‌گذاری خواهد شد. حال به‌عنوان مثال، اگر موقعیتی پیش آید و تقاضایی برای حل مشکلات مترویی تهران طرح شود تا ضمن برداشت از این صندوق، این معضلات را حل کنند، باید با آن مخالفت داشت، زیرا مترویی تهران از آن مردم تهران است نه همه مردم ایران. اگر مترو نیاز دارد برای بهبود حمل‌ونقل و اصلاح زندگی ارتقا یابد، باید به مترو وام داد. باید دقت کرد که پول صندوق توسعه ملی، برای کل ملت هزینه شود، نه فقط

مردم تهران. با این وصف اگر درخواست شود مثلاً سه میلیارد از صندوق توسعه ملی، صرف آب رسانی کل کشور شود، نباید با آن مخالفتی داشت. برای شبکه برق و گاز هم همین طور است. به سخن دیگر، برداشت از صندوق توسعه ملی، برای ملت حال و آینده اشکال ندارد.

از این رو باید گفت مالیه عمومی همان چگونگی احکام است. مالیه عمومی هم احکامی دارد. این احکام همان بودجه است که باید ضمن سیاست‌های شفاف به آن پرداخت. ما در بیش از ۹۰ درصد و حتی نزدیک به صد درصد بودجه کشور، مشکلات ساختاری داریم. مشکلات پارامتریک ما بسیار کم هستند. حتی اگر سازمان برنامه و بودجه خوب کار کند و مجریان امر نیز صحیح تصمیم بگیرند، نهایتاً ظرفیت اصلاح پارامتریک دارند، نه اصلاح مبانی.

### ■ در صحبت‌های تان اشاراتی به اصلاحات پارامتریک داشتید. برای اصلاحات پارامتریک بودجه باید چه کار کنیم؟

در اصلاحات پارامتریک، ردیف‌های بودجه مدنظر خواهند بود. ممکن است دولت‌ها درباره ردیف‌ها برای پنهان کردن کسری بودجه، دست به نوعی پنهان‌کاری بزنند. در ردیف‌های بودجه باید دید که آیا این ردیف‌ها از جامعیت و فراگیری لازم برخوردار و در راستای اهداف و خط‌مشی‌های قانونی هستند یا خیر؟ آن دسته از ردیف‌هایی که در خدمت اهداف هستند، باید بمانند و در مقابل، ردیف‌های دیگر را حذف کرد. به این مثال دقت کنید: وزارت آموزش و پرورش ممکن است به ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز داشته باشد؛ اما سازمان برنامه و بودجه، فقط ۲۰ هزار میلیارد در نظر بگیرد. وقتی هم سؤال می‌کنیم که چرا جامعیت، کفایت و فراگیری آموزش و پرورش را در نظر نگرفته‌اید و به جای ۳۰ هزار، ۲۰ هزار میلیارد لحاظ شده، پاسخ واضحی ارائه نمی‌شود. آنها با کم کردن رقم ردیف‌های بودجه‌ای قصد دارند کسری بودجه را نشان ندهند؛ چراکه برای دولت خوشایند نیست. در نهایت بودجه عمرانی را هم پرداخت نمی‌کنند و مبلغ در نظر گرفته شده برای بودجه عمرانی، به سمت

بودجه جاری سوق داده می‌شود. باید از این‌گونه جابه‌جایی‌ها تا حد ممکن خودداری شود. اگر برای ردیف و مفاد حاکم بر آنها چیدمان درستی داشته باشیم، می‌توان گفت اصلاحات پارامتریک انجام داده‌ایم. در کنار این موضوع باید به تصدی‌های نامناسب دولت هم پایان داد. هر امری که از آن ملت است و دولت آن را تصدی می‌کند، منجر به ضعیف‌تر شدن ملت و فریب‌تر شدن دولت خواهد شد. انجام وظیفه حکومتی غیر از تصدی امور عادی است. ایران خودرو، تیم‌های ورزشی، اقسام شرکت‌ها و... از جمله وظایف تصدی‌گری دولت هستند که باید دولت دست از آنها بردارد و به بخش خصوصی واگذار شوند. اکنون حدوداً ۱۵ هزار میلیارد تومان از بودجه صرف امور فرهنگی می‌شود. این رقم کم نیست. مشخصاً آموزش و پرورش باید اهمیت بیشتری در مقایسه با این موارد داشته باشد. دولت برای انجام وظیفه در حیطه آموزش، پول کم دارد. در حالی که پول خود را به امور غیرمرتبط تخصیص داده است. اگر دولت دست از این کارها بردارد، گفته می‌شود اصلاح پارامتریک صورت گرفته است. این نمونه دیگری از اصلاحات پارامتریک است. اگر معلم ما در آموزش و پرورش راست قامت شد، تأثیر آن در جامعه مشهود می‌شود. در ایران متأسفانه نمی‌توانیم این اصلاحات را به خاطر فضای رانتی که جناح‌های قدرت

قانون اساسی بر این باور است که مالکیت همه مالکیت‌ها و حق‌ها که در ایران جاری است، از آن ملت است. طبق مقدمه قانون اساسی و مضامین صریح آن، تمام حق و حقوق از آن ملت است. قانون اساسی این موضوع را پذیرفته که نقطه کانونی و اساسی و فونداسیون در کشور، همان مردم هستند. با این اوصاف، بودجه باید از آن ملت باشد در حالی که از آن حاکمیت است و از آن مردم نیست

دارند، به فرجام برسانیم.

### ■ با توجه به عمر باقی‌مانده از دولت حسن روحانی، به نظر شما آیا اصلاح بودجه به فرجام مطلوبی خواهد رسید یا خیر؟

اگر می‌خواهید جواب محکمی از من بشنوید، خواهیم گفت خیر؛ حرف حق در جغرافیای مبهم، قاتل خویشتن است و اجراندنی نیست. بودجه، تفاهم بین ملت و دولت است. در حال حاضر ملت اوج اختلاف را با دولت دارد. دولت‌ها در سال آخر در کشور اخلاص ایجاد می‌کنند و این معضل‌ها را به دولت بعدی انتقال می‌دهند. دولت آقای روحانی همین که اخلاص بیشتری ایجاد نکند کافی است! اگر می‌خواستند کاری کنند؛ تا حالا انجام داده بودند. اگر گفتمان و توانایی برای این اصلاح مهم وجود داشت، باید دولت آن را از همان ابتدا به کار می‌گرفت؛ نه در پایان عمر دولت. انجام این مهم از الزامات است و وظیفه بنیادین حاکمیت فرمان نمی‌خواهد. آن کلیدی که آقای روحانی در انتخابات بلند می‌کرد و می‌گفت با این کلید تدبیر و امید، مسائل را حل می‌کند؛ در واقع کلید بنیادین در چیدمان منظومه سیاست و کلیدی به نام اصلاح مالیه عمومی بودجه بود که متأسفانه به کار گرفته نشد. حتی اوضاع و چیدمان و خیم تر شد.

### ■ اکنون دولت آقای روحانی با انتشار اوراق، در پی تسویه حساب با بدهکاران و پیمانکاران است.

این به معنای ازدیاد بدهی‌ها برای دولت سیزدهم خواهد بود. در دو سال باقی‌مانده ضمن عملکردی که دولت دارد، اوضاع به هیچ‌وجه بهتر نمی‌شود. آنها بهانه تحریم را دارند. اگر تحریم بهانه می‌شود، در این شرایط چرا انضباط مالی بیشتری در بودجه لحاظ نمی‌شود؟ باید در این فضا به مقاصد اصلی پرداخت؛ اما آیا این‌گونه است؟ آیا ضمن افزایش تحریم‌ها، نگاه دولت به مسائل اصلی و فرعی، با تغییری مواجه شد؟ هر بار که به انتخابات نزدیک‌تر شده‌ایم، بی‌ثباتی و بی‌انضباطی بیشتر درباره بودجه و هزینه‌های دولت ایجاد شده است.

رئیس بخش قیر و آسفالت مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی :

## کاهش مصرف داخلی قیر بدلیل توقف پروژه‌های عمرانی



پدیده‌ای در کشور داریم به نام قیر تقلبی؛ طبق بررسی‌هایی که در چند سال گذشته انجام داده‌ایم و مرتباً رصد کرده‌ایم، وقتی قیمت قیر افزایش می‌یابد، تولید و عرضه قیر تقلبی به بازار توجیه بالایی پیدا می‌کند و در دوره‌هایی که قیر ارزان می‌شود، توجیه اقتصادی تولید قیر غیر استاندارد و تقلبی هم از بین می‌رود. سودهای میلیاردی موجب شده بازار تولید قیرهای تقلبی همچنان گرم باشد و اگرچه ورود این ماده اولیه به پروژه‌های عمرانی محدود شده اما عرضه به بازار همچنان ادامه دارد. عقیل قدیم، رئیس بخش قیر و آسفالت

مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی در گفت‌وگو با خبرنگاری مهرتخلفاتی که در حوزه تولید قیر رخ می‌دهد را تشریح کرد. وی گفت: متأسفانه برخی کارخانه‌های تولیدکننده قیر اقدام به تولید این کالای باارزش و گران قیمت از مواد اولیه بی‌ارزش می‌کنند که منجر به تولید قیر بی کیفیت می‌شود. وی افزود: پدیده‌ای در کشور داریم به نام قیر تقلبی؛ طبق بررسی‌هایی که در چند سال گذشته انجام داده‌ایم و مرتباً رصد کرده‌ایم، وقتی قیمت قیر افزایش می‌یابد، تولید و عرضه قیر تقلبی به بازار توجیه

بالایی پیدا می‌کند و در دوره‌هایی که قیر ارزان می‌شود، توجیه اقتصادی تولید قیر غیر استاندارد و تقلبی هم از بین می‌رود. رئیس بخش قیر و آسفالت مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی منشأ و ماده اولیه تولید قیر تقلبی را مواد مختلفی عنوان کرد و ادامه داد: یکی از آنها نفت کوره است موارد دیگر، لجن‌های اسیدی است که مشتقات پایه پالایشگاهی ندارند؛ روغن سوخته موتور، مواد پلاستیکی بازیافتی یا برخی مواد معدنی کم‌ارزش که اینها را ذوب کرده و در قیر مخلوط می‌کنند. وی افزود: مورد دیگر از قیرهای بی کیفیتی



که در کشور وجود دارد، ماده‌ای است که تحت عنوان قیر از عراق وارد می‌شود، اما به هیچ عنوان با کالایی به نام قیر همخوانی ندارد و نمی‌توان نام قیر بر آن نهاد؛ چون اصلاً مواد اولیه آن، موادی نیستند که برای تولید قیر واقعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این ماده از عراق وارد می‌شود در حالی که قرار بود سوآپ شود اما وارد صنعت راهسازی کشور شده است.

### چگونه مانع ورود قیر تقلبی به پروژه‌های راهسازی شویم؟

قدیم یادآور شد: هر چه قدر کنترل‌های در مبدأ را دقیق تر انجام دهیم، از امکان تولید قیر بی کیفیت بیشتر کاسته می‌شود. در حال حاضر ۱۸۱ کارخانه تولید قیر راهسازی در کشور پروانه بهره برداری دارند. تعداد

جاده ای، سازمان همیاری شهرداری و دهیاری‌های کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (به عنوان متولی آسفالت معابر روستاها در طرح‌های هادی روستایی) و شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران (به عنوان متولی توسعه باند فرودگاه‌ها) باید در این زمینه همکاری کنند.

### سود هزار درصدی تولید قیر تقلبی!

رئیس بخش قیر و آسفالت مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با بیان اینکه اقتصاد تولید قیر تقلبی بسیار پررنگ است و سودجویان به سودهای گسترده‌ای از این محل دست می‌یابند و سوداگران انگیزه بالایی برای تولید قیر تقلبی دارند، یادآور شد: قیمت هر تن قیر طی ماههای گذشته از ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان تا ۴ میلیون



دستگاه‌های مصرف کننده قیر و آسفالت به امضا رسانده، تصریح کرد: این دستگاه‌ها مصرف کننده ۸۵ درصد قیر تولیدی کشور هستند و با کنترل‌هایی که مرکز تحقیقات در قیر مصرفی این دستگاه‌ها داشته، توانسته ایم تا حدودی از مصرف قیر بی کیفیت و تقلبی در آسفالت معابر کم کنیم. اعتقاد من این است که در حال حاضر میزان تولید قیر تقلبی از حجم قیرهای بی کیفیت سال ۹۶ کمتر است. البته عرضه قیر بی کیفیت و تقلبی بالاست؛ اما کارفرماها آگاه تر شده اند و تقاضای قیر تقلبی کاهش یافته است. اگر کارفرماها قیرهای تولیدی را کنترل نمی‌کردند، احتمال داشت که میزان تولید قیر تقلبی در سال جاری به هزار میلیارد تومان برسد.

در سال ۹۶، ۳۰۰ هزار تن قیر تقلبی وارد بازار شده است که رقمی حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد تومان اقتصاد قیر تقلبی بوده است. برآورد ما این است که در سال جاری این رقم تا یک سوم کاهش یافته و ۱۰۰ هزار تن قیر تقلبی وارد بازار شود

وی با بیان اینکه سود کارفرما در احداث معبر با کیفیت است گفت: بنابراین کارفرما از زد و بندهای پیمانکاران با تولیدکنندگان قیر تقلبی نفعی نمی‌برند. ضمن اینکه پروژه‌های عمرانی چون بازتاب رسانه‌ای دارند کارفرماها مراقب هستند تا کیفیت معابر احداث شده، بالا باشد.

### نحوه کنترل بر قیر در واحدهای تولیدی

رئیس بخش قیر و آسفالت مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی درباره نحوه کنترل بر قیر تولیدی گفت: کارگروهی در مرکز تحقیقات ایجاد شده که در آن نمایندگان تمام دستگاه‌های اجرایی مصرف کننده قیر و آسفالت حضور دارند. پژوهشگاه صنعت نفت، سازمان راهداری، شرکت ساخت، شرکت فرودگاه‌ها، بنیاد مسکن، سازمان شهرداری‌ها، سازمان نوسازی مدارس به همراه اساتید دانشگاه و کارشناسان در این کارگروه شرکت می‌کنند؛ مرکز تحقیقات به صورت رندم از ۳ مرحله تولید، انتقال و

و ۲۰۰ هزار تومان در نوسان بوده است. از سوی دیگر نفت کوره لیتری ۳۰۰ تومان است که اگر قیر را کیلویی ۳ هزار تومان (میانگین) در نظر بگیریم، تولید قیر تقلبی برای متقلبان ۱۰ برابر یا هزار درصد است.

وی افزود: بر اساس برآوردهای ما در سال ۹۶، ۳۰۰ هزار تن قیر تقلبی وارد بازار شده است که رقمی حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد تومان اقتصاد قیر تقلبی بوده است. بنابراین سود ناشی از تولید قیر تقلبی بسیار بالاست و برای سوداگران توجیه دارد که این نوع قیر را وارد بازار کنند.

قدیم با بیان اینکه مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی تفاهم نامه‌هایی با

تولیدکنندگان قیر ۳۷۶ واحد تولیدی هستند اما تولیدکنندگانی که ادعای تولید قیر راهسازی و آسفالت معابر را دارند، ۱۸۱ واحد است که از این تعداد تنها ۲۵ واحد تولیدی صلاحیت تولید قیر با کیفیت برای صنعت راهسازی را دارند.

وی یادآور شد: اگر در مبدأ که همان واحدهای تولیدی هستند، کنترل‌ها را افزایش دهیم و در مسیر هم کنترل شود، می‌توانیم تا حدودی مطمئن شویم که قیر تقلبی وارد صنعت راهسازی نشود. بدنه کارفرمایی شامل وزارت راه و شهرسازی، شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل، سازمان راهداری و حمل و نقل

مصرف قیر شامل «واحد‌های تولیدی»، «کامیون‌های حامل قیر» و «محل تخلیه قیر موجود در کامیون‌ها در پروژه عمرانی» نمونه برداری می‌کند. این آزمایش‌ها مستندسازی شده و به کارفرما اعلام می‌شود که در چه تعداد واحد تولیدی طرف قرارداد دستگاه دولتی (کارفرما)، چه میزان قیر تقلبی مشاهده شده است.

وی ادامه داد: به عنوان مثال در سال ۹۷ پروانه و مجوز ۲ واحد تولیدی قیر به دلیل تولید قیر تقلبی باطل شد. به گفته این مقام مسئول در مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، به جز سازمان نوسازی مدارس، سایر کارفرماها با مرکز تحقیقات تفاهم نامه دارند و به تولید قیر تقلبی حساس شده اند.

### چگونه قیر تقلبی از مواد اولیه بی کیفیت و ارزان تولید می‌شود؟

قدیم درباره به صرفه تر بودن ماده اولیه برای قیر تقلبی گفت: لجن‌های اسیدی از قبیل روغن موتور سوخته به دلیل آنکه به صورت رایگان از واحدهای صنفی جمع آوری شده و سپس طی فرآیندی به قیر تبدیل می‌شوند، به صرفه ترین مواد برای تولید قیر تقلبی هستند. لجن‌های اسیدی، هم به وفور در دسترس هستند و هم ارزش چندانی ندارند اما نفت کوره با توجه به اینکه یارانه‌ای بوده و به صورت سهمیه ای توزیع می‌شود و از سوی دیگر فرآیند تبدیل آن به قیر تقلبی، پردردسرتراز روغن موتور سوخته است، برای سوداگران صرفه اقتصادی کمتری دارد. لجن‌های اسیدی به موادی از قبلی روغن موتور سوخته یا هر کالای مشابه دیگری که صرفاً رنگ سیاه داشته باشد، گفته می‌شود؛ اما خاصیت چسبندگی یا ویژگی فنی قیر را ندارد. سپس آنها را با مواد معدنی ارزان مانند آهک ادغام کرده و به قیر تقلبی تبدیل می‌کنند.

وی خاطر نشان کرد: ۲۵ واحد تولید قیر به طور منظم و حداقل سالی دو بار بازرسی می‌شوند بنابراین به هیچ عنوان این تولیدکننده‌ها نمی‌توانند قیرساز تقلبی

باشند و قیرهای بی کیفیت در واحدهای تولیدی زیرزمینی ساخته می‌شود. چون تولید قیر تقلبی فرآیند پیچیده ای ندارد.

### جایگاه قیر تولیدی ایران در دنیا

قدیم در خصوص محل مصرف قیر به طور کلی گفت: ۸۵ درصد قیر تولیدی به مصرف راهسازی و معابر می‌رسد ۱۵ درصد نیز در صنعت مصرف می‌شود که شامل ایزولاسیون کف خودرو، کارخانه‌های ایزوگام، صنعت پارکینگ و امثال آنها می‌شود. وی درباره کیفیت قیر تولیدی ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه اظهار داشت: قیر ایران جزء قیرهای متوسط به بالا در دنیا محسوب می‌شود؛ قبل از انقلاب قیر تولیدی در پالایشگاه آبادان، مبنای قیمت گذاری قیر در دنیا به حساب می‌آمد بنابراین برخی پالایشگاه‌ها که قیر را از نفت شیرین (سبک) تولید می‌کنند مانند پالایشگاه‌های اصفهان و آبادان استانداردشان بالاتراز استاندارد جهانی است. کیفیت قیر به ماده اولیه آن وابستگی دارد.

### صادرات قیر ایران به ۱۹ کشور

قدیم با بیان اینکه قیر ایران به ۱۹ کشور

در کشور ۵.۵ میلیون تن ظرفیت تولید قیر داریم. در بهترین شرایطی که بودجه‌های عمرانی وصول می‌شود، حدود ۳ میلیون تن قیر در داخل مصرف می‌شود که ۲.۲ میلیون تن آن را وزارت راه و شهرسازی با همه زیرمجموعه‌های خود شامل شرکت ساخت، سازمان راهداری، شرکت فرودگاه‌ها، بنیاد مسکن و... مصرف می‌کند و ۸۰۰ هزار تن را سایر دستگاه‌ها شامل سازمان نوسازی مدارس، شهرداری‌ها و... به مصرف می‌رسانند

صادر می‌شود، افزود: یک میلیارد دلار ارزآوری قیر ایران است. متأسفانه در حال حاضر صادرات قیر ایران به اروپا کاهش یافته که نشان می‌دهد کیفیت قیر تولیدی ایران نزولی بوده است. بیشتر مشتریان ما کشورهای منطقه هستند و سهمی در قیر مصرفی اروپا نداریم چون استانداردهای اتحادیه اروپا بسیار سختگیرانه است. این نشان می‌دهد که متأسفانه به صادرات قیر توجهی نکرده ایم.

### کاهش مصرف داخلی قیر بدلیل توقف پروژه‌های عمرانی

وی تأکید کرد: در کشور ۵.۵ میلیون تن ظرفیت تولید قیر داریم. در بهترین شرایطی که بودجه‌های عمرانی وصول می‌شود، حدود ۳ میلیون تن قیر در داخل مصرف می‌شود که ۲.۲ میلیون تن آن را وزارت راه و شهرسازی با همه زیرمجموعه‌های خود شامل شرکت ساخت، سازمان راهداری، شرکت فرودگاه‌ها، بنیاد مسکن و... مصرف می‌کند و ۸۰۰ هزار تن را سایر دستگاه‌ها شامل سازمان نوسازی مدارس، شهرداری‌ها و... به مصرف می‌رسانند.

قدیم بیان داشت: ۱۵ درصد این میزان نیز به مصرف صنایع می‌رسد و در نتیجه ۱۵ تا ۱.۷ میلیون تن نیز صادر می‌شود البته این در زمانی است که وضعیت بودجه و اعتبارات عمرانی خوب است؛ اما در حال حاضر متأسفانه این وضعیت وجود ندارد الان مصرف داخلی ما به شدت کاهش یافته و پروژه‌های عمرانی کم‌رنگ تر شده است بنابراین تولیدکننده‌ها بیشتر به صادرات روی آورده اند که با توجه به اینکه قیمت قیر ایران به دلایل نوسانات قیمتی در داخل افزایش داشته، مشتری‌های خارجی قیر ایران نیز کم شده است. بازار قیر نیاز به ثبات قیمتی دارد. در حالی که قیمت جهانی نفت کاهشی بوده و در نتیجه قیمت مشتقات نفت نیز باید کاهشی باشد، اما قیمت قیر در ایران افزایشی بود که در نتیجه، مشتری خارجی به سراغ رقبای ما می‌رود.



بررسی اجرای ماده ۱۱ آیین نامه تضمین معاملات دولتی

## نحوه جبران خسارت تاخیر تأدیه به پیمانکاران

در سال ۹۵ طی بخشنامه شماره ۱۰۴۹۹۰۹ به کلیه دستگاه‌های اجرایی ابلاغ نموده است؛ لیکن به گفته معترضین با وجود آنکه علاوه بر قانون، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و سازمان برنامه و بودجه بر اصالت و مقبولیت این سند صحنه گذاشته‌اند؛ همچنان شرکت‌های دانش بنیان می‌بایست نسبت به اخذ تضامین بانکی اقدام نمایند و برخی از دستگاه‌های اجرایی این ضمانت‌نامه‌ها را نمی‌پذیرند.

روح اله آهنگران، مدیرعامل شرکت خدمات مهندسی همراه پوشش گفت: یکی از دغدغه‌های شرکت‌های دانش بنیان بحث تضامین بوده است و دولت براساس ماده ۱۰۰ قانون برنامه سوم توسعه و در آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب نمود تا صندوق‌های پژوهش و فناوری، امکان ارائه انواع ضمانت نامه را به این نوع از شرکت‌ها داشته باشند؛ لیکن در مجموعه‌های

پژوهش‌های حرفه‌ای کمیته ماده ۱۲ گفت: طبق ماده ۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، به دولت اجازه داده شد تا براساس پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، برای انجام معاملات دولتی سایر ضمانت‌های معتبرمانند اوراق بهادار (سفته، بیمه‌نامه و...) و مطالبات پیمانکاران و مشاوران از محل صورت کارکرد و تعدیل قطعی آنان را علاوه بر ضمانت‌نامه‌های موجود یا سپرده نقدی (به استثناء چک) به عنوان ضمانت‌نامه تعیین نماید. در ادامه دولت این ضمانت نامه‌ها را طی آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۹۴ تعیین نمود.

براساس بند (خ) ماده (۴) آیین نامه، ضمانت نامه‌های صندوق‌های پژوهش و فناوری و صندوق‌های نوآوری و شکوفایی مورد پذیرش قرار گرفته و سازمان برنامه و بودجه نیز دستورالعمل اجرایی این بند را

جلسه کارگروه کارشناسی کمیته ماده ۱۲ با موضوعات «بررسی اجرای آیین نامه تضمین معاملات دولتی در دو بند: اجرای بند (خ) ماده (۴) آیین نامه تضمین معاملات دولتی و اجرای ماده (۱۱) آیین نامه تضمین معاملات دولتی» در تاریخ ۲۶ آبان ماه در اتاق ایران و با حضور نمایندگان اتاق ایران، اتاق تعاون، قوه قضائیه، سازمان برنامه و بودجه، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، وزارت نفت، مرکز پژوهش‌های مجلس، صندوق نوآوری و شکوفایی، صندوق دانشگاه شریف، سازمان ملی کارآفرینی، سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران و شرکت خدمات مهندسی همراه پوشش برگزار گردید که گزارش و مفاد آن در ذیل می‌آید.

### بررسی اجرای بند (خ) ماده (۴) آیین نامه تضمین معاملات دولتی

در آغاز این نشست علی چاغروند، مدیر



کارفرمایی دولتی هنوز این ضمانت نامه‌ها جا نیفتاده‌اند و کارفرماها با وجود بند خ ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی، این ضمانت نامه‌ها را نمی‌پذیرند و مثلاً در حوزه نفت می‌گویند آنها باید در اوراق مناقصه نوع ضمانت نامه را تعیین کنند تا شرایط برای همگان یکسان باشد؛ لذا معتقدند قراردادها باید اصلاح شود.

وی در ادامه افزود یک ابهام دیگری در بخشنامه بند خ ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی وجود دارد که تنها محصولات دانش بنیان را بیان کرده ولی شرکت دانش بنیان را نگفته و ممکن است شرکتی تمام محصولاتش دانش بنیان نباشد و بخواهد از این نوع از ضمانت نامه‌ها استفاده نماید.

ارسلان قاسمی، نماینده اتاق تعاون عنوان کرد: در برنامه سوم توسعه، سه صندوق پیش بینی شد که عبارتند از صندوق توسعه صادرات، صندوق پژوهش و نوآوری و صندوق توسعه روستایی که هر سه صندوق می‌توانند ضمانت نامه صادرکنند ولی بانک مرکزی اعلام می‌کند که به طور مثال صندوق توسعه صادرات با قانون پولی و بانکی مغایر است و استناد می‌نمایند که صدور ضمانت نامه‌ها باید در چارچوب قانون پولی و بانکی باشد. وی در ادامه افزود در بخشنامه بند خ ماده ۴ آیین نامه نوشته شده است برحسب درخواست کارفرما و این نشان می‌دهد که انتخاب این ضمانت نامه اختیار کارفرما است و ابهام ایجاد می‌کند.

مرادخانی، نماینده سازمان برنامه و بودجه گفت: دستگاه‌ها تخلف می‌کنند؛ زیرا وقتی نوع ضمانت نامه را در اسناد مناقصه مشخص می‌کنند، مغایر قانون است زیرا طبق ماده ۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، این امر به دولت واگذار شده و طبق آن نیز آیین نامه تضمین انواع آن را تعیین کرده است و باید در اسناد ذکر کنند یکی از تضامین آیین نامه تضمین معاملات دولتی. وی در ادامه افزود آیین نامه تضمین معاملات دولتی و بخشنامه بند خ ماده ۴ آیین نامه با همکاری بانک

مرکزی تنظیم شده است و این آیین نامه و بخشنامه به بانک مرکزی ارتباطی پیدا نمی‌کند؛ زیرا اسناد مناقصه و شرایط را کارفرما تهیه می‌کند.

مرادخانی تصریح نمود قانون‌گذار در ماده ۵ قانون اساسنامه رسیدگی به شکایات مناقصات، هیاتی را پیش بینی کرده است که می‌تواند عدم رعایت آیین نامه تضمین معاملات دولتی را در برگزاری مناقصه رسیدگی نماید و معترضین می‌توانند در آن هیات در مورد تعیین نوع تضمین در اسناد مناقصه و همچنین عدم پذیرش ضمانت نامه بند خ ماده ۴ شکایت نمایند.

محبوبه سلیمانی، نماینده وزارت نفت گفت: پس از ابلاغ بخشنامه سازمان برنامه و بودجه در مورد بند خ ماده ۴ آیین نامه تضمین و امکان استفاده از ظرفیت ضمانت نامه‌های صندوق نوآوری و شکوفایی برای شرکت‌های دانش بنیان، واحد حقوقی وزارتخانه این ایراد را وارد نمود که با وجود آنکه ضمانت نامه صندوق نوآوری و شکوفایی در بند خ ماده ۴ آیین نامه آمده است ولی در جداول ماده ۵، ۶، ۷ نیامده و مورد پذیرش نیست؛ لذا در سال ۹۶ استعلامی از سازمان برنامه و بودجه

#### شهرام حلاج، پژوهشگر مرکز

#### پژوهش‌های مجلس :

دولت در سال ۸۰ دامنه

ضمانت نامه‌ها را از حیث شکل

و نوع توسعه داد و در آیین نامه

تضمین نیز آن را تفکیک نمود

که تضمین با توجه به نوع آن،

انواعی دارد که در مواد ۵، ۶،

۷ و ۸ آورده است و کارکردی

دارد که در ماده ۳ آیین نامه

به آن پرداخته است و جنس

و شکلی دارد که ماده ۴

می‌باشد

صورت گرفت و سازمان برنامه پاسخ داد که کارفرماها اختیار استفاده از ضمانت نامه را دارند و پذیرش آن، براساس درخواست کارفرما می‌باشد و در صورتی که این نوع از ضمانت نامه، نظر دستگاه اجرایی را تامین نمی‌کند؛ ملزم به پذیرش آن نیستند. وی در ادامه افزود بر مبنای همین پاسخ نیز وزارتخانه، به ۴ شرکت زیرمجموعه خود اعلام نمود که می‌توانند بپذیرند و این نوع ضمانتنامه را برحسب شرایط قرارداد مورد توجه قرار دهند؛ ولی اکثر آن‌ها، ضمانتنامه بانکی را انتخاب می‌کنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد بهتر است آیین نامه تضمین اصلاح شود و در جداول تامین کالا و... بیاید تا برای شرکت‌های دانش بنیان، اولویت با ضمانت نامه صندوق باشد.

عبداله رجبی، نماینده معاونت حقوقی ریاست جمهوری اظهار نمود: به نظر می‌رسد در صدور ضمانت نامه‌ها ناهماهنگی وجود داشته باشد زیرا تضمین باید برای دستگاه اجرایی اطمینان حاصل کند و از آنجایی که حکم ضمانت نامه صندوق نوآوری و شکوفایی در ماده ۴ آیین نامه آمده است ولی در جداول نیامده، دستگاه‌های اجرایی تردید می‌کنند؛ لذا ضرورت دارد تا این هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی ایجاد شود تا دستگاه‌ها این نوع از ضمانتنامه‌ها را بپذیرند و تنها در شرایط خاص نپذیرند و نباید به شکل بی توجه بود.

شهرام حلاج، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس عنوان کرد: دولت در سال ۸۰ دامنه ضمانت نامه‌ها را از حیث شکل و نوع توسعه داد و در آیین نامه تضمین نیز آن را تفکیک نمود که تضمین با توجه به نوع آن، انواعی دارد که در مواد ۵، ۶، ۷ و ۸ آورده است و کارکردی دارد که در ماده ۳ آیین نامه به آن پرداخته است و جنس و شکلی دارد که ماده ۴ می‌باشد. وی در ادامه افزود قانون‌گذار با هدف کاهش فشار و هزینه‌های معاملات، شکل تضمین را تنوع بخشیده است و حتی در برخی از کشورها به أخذ یک تعهد اکتفا می‌شود؛ لذا رویکرد قانون‌گذار تنوع بخشی به شکل تضمین بوده است و هر نفسیری بر خلاف

این تنوع بخشی اجتهاد در مقابل نص و نادرست می باشد.

حلاج در ادامه افزود بند ۴ ماده ۴ پس از تدوین آیین نامه و در آخرین مراحل به آیین نامه اضافه شده است و این ایراد شکلی می باشد که در جداول اضافه نشده است. همچنین در مناقصات دو قانون وجود دارد، یکی ماده ۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت که تصریح دارد تا دامنه شکلی تضمین ها گسترش یابد و یکی قانون برگزاری مناقصات که گفته است تا نوع تضمین را کارفرما مشخص کند که این دو قانون باید با هم جمع شوند؛ بنابراین کارفرما باید تمام تضمین ها را

در جایی است که با وجود بند ۴ ماده ۴، این ضمانت نامه در جداول مواد بعدی آیین نامه نیامده است ولی به هر حال در ماده ۴ استفاده از این ضمانت نامه منوط به دستورالعملی شده که از طرف سازمان برنامه ابلاغ هم شده ولی اجرا نمی شود. ابهام دوم نیز در خصوص حسب درخواست کارفرما، نباید به معنی اختیار کارفرما تفسیر شود و این اشتباه است، لذا پاسخ سازمان برنامه به وزارت نفت برخلاف ظاهر قانون و مقررات است.

رئیس، نماینده صندوق دانشگاه شریف گفت: قبل از آیین نامه تضمین نیز صندوق دانشگاه طبق اساسنامه که به تایید

وزارت علوم و بانک مرکزی رسیده است، ضمانت نامه صادر می نمود. این آیین نامه کار را تسهیل کرد ولی متأسفانه کارفرماها این صندوق ها را با موسسات مالی و اعتباری اشتباه می گیرند و شناختی نسبت به آن ها ندارند. وی در ادامه افزود معاونت حقوقی ریاست جمهوری با صندوق ها مسئولیت تضامنی دارد و شروطی را نیز برای صندوق ها گذاشته است. صندوق ها متقاضیان را اعتبار سنجی می نمایند و با پشتوانه ضمانت نامه صادر می کنند. رئیس افزود یک سامانه سپاس وجود دارد که صندوق ها ملزم هستند در صدور ضمانت نامه کد سپاس را پایین آن درج نمایند و این سامانه تحت نظارت معاونت علمی ریاست جمهوری است.

### بررسی اجرای ماده (۱۱) آیین نامه تضمین معاملات دولتی

در بخش دیگری از این نشست علمی چاغروند، مدیر پژوهش های حرفه ای کمیته ماده ۱۲ گفت: مطابق بند (۱۱) آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۹۴ تمامی دستگاه های اجرایی موظف شده اند تا جهت تاخیر در پرداخت ها بند مورد نظر را در اسناد مناقصه لحاظ نموده و براساس شاخص بانک مرکزی در صورت بروز آن به تامین کننده کالا و خدمات توسط دستگاه های اجرایی جریمه پرداخت شود، لیکن تاکنون دستگاه های اجرایی این بند را اجرا نکرده اند و همچنین سازمان برنامه و بودجه کشور نحوه محاسبه را مشخص و ابلاغ نکرده است.

مجید شیخ بهایی، نماینده کمیسیون احداث اتاق ایران عنوان کرد: طبق ماده ۱۱ آیین نامه تضمین معاملات دولتی، اگر کارفرما مطالبات پیمانکار را ندهد باید براساس شاخص بانک مرکزی به پیمانکار پرداخت نماید، یعنی ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی را اجرا کند ولی در وسط این ماده جمله ای را بیان کرده است که اصلاً معنا و مفهومی ندارد. عدم پرداخت باید مناقصه و در قرارداد بیاید. در ماده ۳۷ شرایط عمومی پیمان نوشته شده است که ۲۰ روز پس از اینکه صورت وضعیت



مهندس شیخ بهایی :

طبق ماده ۱۱ آیین نامه تضمین معاملات دولتی، اگر کارفرما مطالبات پیمانکار را ندهد باید براساس شاخص بانک مرکزی به پیمانکار پرداخت نماید، یعنی ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی را اجرا کند ولی در وسط این ماده جمله ای را بیان کرده است که اصلاً معنا و مفهومی ندارد. عدم پرداخت باید در قرارداد بیاید

بپذیرد و شاید در مواردی یک نوع را با دلیل موجه کنار بگذارد نه اینکه تنها ضمانت نامه بانکی را مورد پذیرش قرار دهد.

نازنین سلطانی موقر، نماینده صندوق نوآوری و شکوفایی تصریح کرد: هدف صندوق کمک به شرکت های دانش بنیان می باشد و از آنجایی که دستگاه ها ضمانت نامه صندوق را به صورت مستقیم نمی پذیرند، صندوق شرکت ها را به بانک های عامل معرفی می کند و بخشی از مبلغ را تامین می نماید تا ضمانت نامه بانکی صادر و در اختیار کارفرما قرار گیرد.

فیض اله جعفری، مشاور حقوقی شرکت همراه پوشش عنوان کرد: ظاهر مقررات نشان دهنده این است که دستگاه ها باید ضمانت نامه صندوق را بپذیرند و در این خصوص ابهام وجود ندارد ولی ابهام

داده شد، کارفرما باید پول را پرداخت نماید و وقتی پس از یکسال می‌خواهد پرداخت کند، ماده ۱۱ باید اجرا شود ولی ذی حساب‌ها به عبارتی که در ماده ۱۱ آمده است، استناد می‌کنند و سلیقه ای رفتار می‌کنند. سازمان برنامه بیان می‌کند که اگر پیمانکار پولش را دریافت کند، بخشنامه ۵۰۹۰ را اجرا نکنند.

مرادخانی، نماینده سازمان برنامه و بودجه اظهار نمود: ماده ۱۱، دو قسمت دارد که باید از یکدیگر تفکیک شوند و تهیه دستورالعمل مربوط به قسمت دوم ماده است و سازمان برنامه موظف نیست تا برای قسمت اول ماده یعنی جبران تاخیرات، دستورالعملی را تهیه کند و دستورالعمل قسمت دوم ماده هم برای این است که نحوه محاسبه تاخیرات مجاز مشخص شود و تاخیرات غیر مجاز به مجاز تبدیل شود و به نوعی بین کارفرما و پیمانکار تهاوتر صورت گیرد؛ لذا کارفرما نمی‌تواند هم تاخیرات غیر مجاز را مجاز نماید و هم پول پرداخت کند و این امر غیر منطقی است.

وی در ادامه افزود قسمت اول ماده مربوط می‌شود به بند ب ماده ۱۰ قانون برگزاری مناقصات و در ماده ۱۱ آیین‌نامه کارفرما را مکلف کرده است که در قرارداد مشخص نماید تا جای ابهامی باقی نماند؛ زیرا کسی به اسناد مراجعه نمی‌کند و اسناد ضمیمه قرارداد نیست و پس از انعقاد قرارداد، قرارداد فی مابین کارفرما و پیمانکار حاکم است و پیمانکار باید مراقبت کند تا این شرط در قرارداد بیاید.

همچنین در آیین‌نامه تبصره ۵ قانون بودجه و در آیین‌نامه ماده ۱۰ قانون برنامه ششم، حفظ قدرت خرید آمده است که با توجه به آن جبران صورت می‌گیرد. مرادخانی افزود دستورالعملی در سازمان برنامه تهیه شده است ولی به لحاظ اینکه بار مالی دارد، در شورای عالی فنی مطرح است و پس از تایید آن، تا پایان سال ابلاغ خواهد شد. همچنین قراردادهای در حال اصلاح هستند و این امر در قراردادهای که توسط سازمان برنامه در حال تهیه هستند، ذکر خواهد شد.

محمد تکلی، نماینده سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران نیز عنوان نمود: این رویکرد که کارفرما هر جا که بدهکار است، تعهد به جبران دارد، قبلاً در قوانین عام مثل قانون آیین دادرسی مدنی آمده و اکنون در آیین‌نامه تضمین و قانون برنامه ششم آمده است و برای آن، شاخص بانک مرکزی را بنا گذاشته‌اند که تاخیرات را به نرخ روز به پیمانکار، پرداخت نمایند.

وی در ادامه افزود که درخواست ما از سازمان برنامه این بود که به دستگاه‌های اجرایی اعلام نماید که کارفرماها به موجب ماده ۱۱ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی، خسارت تاخیر را پرداخت نمایند، حال

را قید کند و تعهد نماید که می‌پردازد ولی این بند از قانون هیچگاه اجرا نشده است؛ ولی در ماده ۱۱ علاوه بر اسناد مناقصه، قرارداد نیز اضافه شد و عملاً طوری تفسیر شد که کارفرما تکلیفی به پرداخت نداشته باشد. وی افزود فایده ماده ۱۱ آیین‌نامه تضمین اینجاست که پیمانکار قصد مراجعه به دادگاه را ندارد، در غیر این صورت اگر پیمانکار به دادگاه مراجعه کند، بر مبنای ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، خسارت خود را دریافت می‌کند.

رجبی، نماینده معاونت حقوقی ریاست جمهوری بیان نمود: اگر قراردادی منعقد



شود که مطابق با اسناد نباشد، خلاف قانون است زیرا قرارداد، جزئی از اسناد است و عدم ذکر آن در قرارداد، خلاف حقوق اشخاص ثالث است که در مناقصه شرکت کرده‌اند.

در پایان با توجه به مباحث مطرحه مقرر گردید در خصوص دستور جلسه اول، اصلاح آیین‌نامه تضمین و در مورد دستور جلسه دوم، تهیه و ابلاغ سریع تر دستورالعمل ماده ۱۱ آیین‌نامه تضمین، در صحن اصلی جلسه کمیته ماده ۱۲ و یا شورای گفتگو مطرح شود.

کارفرماها از سازمان برنامه سوال می‌کردند که بخشنامه ۵۰۹۰ در مورد جبران خسارت را چگونه با بحث حفظ قدرت خرید اجرا کنند که این خود نیازمند دستورالعملی است که فعالان حوزه صنعت احداث ۴ سال است منتظر ابلاغ آن هستند.

جعفری، مشاور حقوقی شرکت همراه پوشش نیز گفت: متن ماده ۱۰ قانون برگزاری مناقصات از متن ماده ۱۱ آیین‌نامه بهتر است، در آنجا چنین آمده است که مناقصه‌گذار دولتی باید در اسناد مناقصه، نحوه جبران تاخیر پرداخت پول



## مقدمه:

یکی از موضوعاتی که در سالهای اخیر برای پیمانکاران حوزه صنعت احداث و شرکت‌های عضو سندیکا مشکلاتی ایجاد نموده بحث مشاغل سخت و زیان آور می‌باشد که مطابق قانون و آئین نامه اجرایی تکالیفی برای کارفرمایان و سازمان تامین اجتماعی مقرر نموده است. کارگرانی که در مشاغل سخت و زیان آور سابقه کار داشته باشند به استناد قانون و آئین نامه مربوطه با مراجعه به ادارات کار و طرح درخواست در کمیته‌های ویژه با احراز شرایط بازنشستگی، مشمول قانون فوق‌الذکر می‌شوند و پس از صادر شدن رای اداره کار، رای به شعب تامین اجتماعی ارجاع و کارفرما مکلف است مبلغی را به اداء مدت اشتغال کارگر در نزد کارفرما بعنوان حق بیمه بازنشستگی پیش از موعد کارگر در مشاغل سخت و زیان آور به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نماید. در این مقاله با توجه به اهمیت و فراگیر بودن موضوع و سوال تعدادی از اعضای صنف بنا به تصویب هیات مدیره محترم گزارش کاملی با اشاره به مستندات قانونی، ایرادات و مشکلات قانون و آئین نامه اجرایی و راهکارهای مواجهه اعلام می‌گردد. سندیکا پیگیر رفع مشکلات موجود از طریق اصلاح قانون و آئین نامه اجرایی می‌باشد و با اخذ نتیجه، گزارش اقدامات به اعضای محترم اطلاع رسانی می‌گردد.

## الف- قانون و آئین نامه اجرایی:

قانون بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور موضوع ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ ماده ۷۶ الحاقی قانون تامین اجتماعی در سال ۱۳۸۰ و آئین نامه اجرایی آن در تاریخ ۸۶/۲/۵ با تصویب هیات وزیران ابلاغ گردیده است. برخی از بندهای مهم قانون بدین شرح می‌باشد: جز ۱ بندب" افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی و ۲۵ سال متناوب در کارهای سخت

# ایرادات قانون مشاغل سخت و زیان آور و راهکارهای مواجهه با آن

محمد تکللی / کارشناس حقوقی سندیکا



و زیان آور مخل سلامت) اشتغال داشته باشند می‌توانند تقاضای بازنشستگی نمایند هر سال سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان آور ۱/۵ سال محاسبه خواهد شد. " جز ۴ بندب" از تاریخ تصویب این قانون برای مشمولان این تبصره چهار درصد (۴٪) به نرخ حق بیمه در قانون تامین اجتماعی افزوده خواهد شد که آن هم در صورت تقاضای مشمولان این قانون، به طور یکجا یا به طور اقساطی به وسیله کارفرمایان پرداخت خواهد شد. " جز ۶ بندب" بیمه شدگانی که دارای سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان آور به تاریخ قبل از تصویب این قانون باشند می‌توانند با استفاده از مزایای این قانون درخواست بازنشستگی نمایند. در این صورت با احراز شرایط توسط بیمه شده، کارفرمایان مربوطه مکلفاند حق بیمه مربوطه و میزان مستمری برقراری را تا

احراز شرایط مندرج در تبصره ۲ و همچنین چهار درصد (۴٪) میزان مستمری برقراری نسبت به سنوات قبل از تصویب این قانون را یکجا به سازمان پرداخت نمایند. "

## برخی از مواد مهم آئین نامه

## مشاغل سخت و زیان آور

## ماده ۱. آئین نامه

کارهای سخت و زیان آور کارهایی است که در آن عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی، بیولوژیکی محیط کار غیراستاندارد بوده و در اثر اشتغال بیمه شده تنشی به مراتب بالاتر از ظرفیت‌های طبیعی (جسمی و روانی) در وی ایجاد می‌شود که نتیجه آن بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن باشد. مشاغل سخت و زیان آور موضوع این ماده به دو گروه تقسیم می‌شوند:

**الف) مشاغلی که صفت سخت و زیان آور با ماهیت شغلی وابستگی دارد اما می‌توان با بکارگیری تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر فنی مناسب توسط کارفرما سختی و زیان آوری آنها را حذف نمود.**

**ب) مشاغلی که ماهیتاً سخت و زیان آور بوده و با بکارگیری تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر فنی توسط کارفرما، صفت سخت و زیان آوری آنها کاهش یافته ولی کماکان سخت و زیان آوری آنها حفظ می‌گردد.**

تبصره. مشمولین قانون «نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان آور؛ مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحات بعدی آن» و همچنین مشمولین قانون «حفاظت در برابر اشعه؛ مصوب ۱۳۶۸ و اصلاحات بعدی آن» تابع قوانین و مقررات مربوط خواهند بود.

## ماده ۲- آئین نامه

تعیین سخت و زیان آور بودن مشاغل موضوع ماده (۱) و نوع آن گروه «الف» و گروه «ب» حسب درخواست کارگر، کارفرما،



تشکل‌ها، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی در هر کارگاه با بررسی سوابق، انجام بازدید و بررسی شرایط کار توسط کارشناسان بهداشت حرفه‌ای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بازرسان کار وزارت کار و امور اجتماعی و با تایید توسط کمیته‌های بدوی و تجدید نظر استانی موضوع این آیین نامه انجام می‌گیرد.

#### ماده ۱۴- آیین نامه

"کارفرما مکلف است پس از احراز شرایط بازنشستگی بیمه شده مشاغل در کارگاه وی، طبق این آیین نامه معادل ۴ درصد میزان مستمری برقراری شده نسبت به سنوات اشتغال او در مشاغل سخت و زیان آور را که توسط سازمان تامین اجتماعی محاسبه می‌گردد به طور یکجا به سازمان یاد شده پرداخت نماید." در تاریخ ۹۳/۰۷/۱۴ هیات وزیران مصوبه ای ابلاغ و ماده ۱۴ فوق‌الاشاره را بدین شرح اصلاح نمود: ماده ۱۴ جدید اصلاح شده "کارفرما مکلف است پس از تقاضای بیمه شده و با احراز شرایط بازنشستگی وی، حسب مورد مبالغ مقرر در جزءهای ۴ و ۶ بند ب ماده واحده قانون یاد شده را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نماید."

همان گونه که ملاحظه شد کل نرخ حق بیمه اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور ۴ درصد به طور کامل به عهده کارفرماست و کارفرما مکلف به پرداخت آن است. نکته ای که وجود دارد این است که چنانچه سخت و زیان آور بودن شغل بعد از تصویب قانون (۱۳۸۰/۰۷/۱۴) باشد میزان ۴ درصد به ماخذ حقوق و مزایای ماهیانه بیمه شده محاسبه می‌شود در صورتی که سخت و زیان آور بودن شغل قبل از (۱۳۸۰/۰۷/۱۴) باشد، میزان ۴ درصد بر اساس حقوق مستمری محاسبه و از کارفرما به طور کامل وصول می‌گردد.

#### ب- گزارش تحلیلی:

به استناد تبصره الحاقی ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی و آیین نامه اجرایی قانون که به شرح فوق بیان گردید تنها موضوعی که از ابتدای ابلاغ قانون تاکنون به مرحله اجرا درآمده است، بازنشستگی کارگرانی است که در مشاغل سخت و زیان آور مشغول به کارند می‌توانند با استفاده از ظرفیت این قانون زودتر از موعد بازنشسته شوند در صورتی که به نظر می‌رسد هدف مقنن با احترام به جان افراد و حفظ حقوق حقه زحمتکشانشان

جامعه، سالم سازی محیط و مشاغل بوده است که در مفاد قانون و آیین نامه آن می‌توان توجیه این دلیل را یافت لیکن به دلایلی از جمله ایرادات قانون و عدم اجرای صحیح آن و آیین نامه اجرائی و صرف جبران خدمت و نگاه حمایتی به موضوع از هدف مقنن دور شده ایم.

فارغ از ایرادات قانون که در ادامه به شرح آن خواهیم پرداخت، اجرای قانون به این نحو برای هر سه بخش بیمه شدگان، کارگران، کارفرمایان و سازمان تامین اجتماعی و حتی سایر دستگاههای اجرایی کشور



**سوالی که اکثر اعضای صنف دارند این است در صورتی که شرکت پیمانکاری با موضوع درخواست استفاده از شرایط قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور کارگران سابق خود مواجه می‌گردد چه اقدامی می‌بایستی انجام دهد؟**

مشکلاتی را در پی داشته است که می‌توان به اختصار به این موارد اشاره نمود: تجمیع سوابق بیمه شدگان در زمان بازنشستگی با توجه به تغییر محل کارگاههای مختلف و عدم دسترسی به کارفرمایان مختلف دوره کاری برای پرداخت حق بیمه ۴٪ در زمان بازنشستگی را می‌توان جزئی از مشکلات بیمه شدگان در زمان احراز شرایط برشمرد. عدم اطلاع کارفرمایان از تشکیل جلسات کمیته‌های رسیدگی کننده و عدم حضور در کمیته‌های مذکور، محاسبه حق بیمه ۴٪ به نرخ دستمزد روز بازنشستگی کارگر، عدم امکان بررسی مشاغل سخت و زیان آور پس از گذشت چندین سال درکارهای پروژه ای، تحمیل پرداخت ۴ درصد در قراردادهای

پیمانکاری به پیمانکار به عنوان کارفرما و اصدار آراء ناصحیح در راستای حمایت از کارگران و عدم توجه به قانون و آئین نامه و مصوبات احصا کننده مشاغل و موارد دیگر را می‌توان از مشکلات کارفرمایان در مواجهه با قانون برشمرد.

سازمان تامین اجتماعی نیز با اجرای قانون بدین شکل با مشکل مواجه است که از جمله آن عدم تطابق هزینه‌ها و میزان حق بیمه دریافتی در مشاغل سخت و زیان‌آور و بازنشستگی پیش از موعد کارگران، وصول مطالبات و باز بودن تعداد مشاغل سخت و زیان‌آور و گروه‌های شغلی و آراء غیر صحیح ادارت کار در جهت حمایت از کارگران به جهت زودتر بازنشسته شدن و... از مواردی است که سازمان تامین اجتماعی در اجرای

رابه عمل آورند که در همین زمینه ایرادات قانون رابه لحاظ ماهوی و شکلی به اختصار بیان می‌دارد:

### ج: ایراد قانون مشاغل سخت و زیان‌آور:

ایرادات و مشکلات موضوع مشاغل سخت و زیان‌آور را باید به دو بخش ماهوی و شکلی تقسیم نمود:

#### ۱: ایراد ماهوی :

۱-۱- عطف به ماسبق شدن قانون در پرداخت حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور برای کارفرمایان به سالهای قبل از تصویب قانون (اعتراض به زمان تکلیف) جز ۶ بند تبصره ۲ ماده واحده اشاره می‌نماید "بیمه شدگانی که سابقه پرداخت



حق بیمه در کارهای سخت و زیان‌آور به تاریخ قبل از تاریخ تصویب این قانون باشند می‌توانند با استفاده از مزایای این قانون درخواست بازنشستگی نمایند در

**اجرای قانون به این نحو برای هر سه بخش بیمه شدگان، کارگران، کارفرمایان و سازمان تامین اجتماعی و حتی سایر دستگاههای اجرایی کشور مشکلاتی را در پی داشته است**

قانون با آن مشکل دارد. سایر دستگاههای ذیربط کشور از جمله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به جهت سالم سازی محیط کار در راستای حمایت از سلامت جامعه و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در راستای بهینه سازی محیط کار و حفظ حقوق کارگران و شرکای اجتماعی و رسیدن به نقطه مطلوب با مشکلاتی مواجه اند.

با توجه به اینکه در حوزه‌های مختلف مشکلاتی با قانون و نحوه اجرای آن وجود دارد ضروریست این قانون مورد بازنگری قرار گرفته و با دریافت نظرات شرکای اجتماعی و بخش خصوصی اقدامات لازم

این صورت با احراز شرایط توسط بیمه شده، کارفرمایان مربوطه مکلفند حق بیمه مربوطه و میزان مستمری برقراری را تا احراز شرایط مندرج در تبصره (۲) همچنین چهار درصد میزان مستمری برقراری نسبت به سنوات قبل از تصویب این قانون را یکجا به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نمایند." تکلیفی برای قبل از تصویب قانون به کارفرمایان تحمیل نموده است مطابق همین بند کارگران پروژه‌های سالهای دهه شصت اقدام به طرح درخواست در کمیته‌های مشاغل سخت و زیان‌آور می‌نمایند و مطابق همین بند هم مشمول قانون گردیده و رسیدگی می‌گردد در صورتی که کارفرمایان در سال ۶۰ تکلیفی به اصلاح وضعیت کارگاه و اصلاح شرایط نداشته و هزینه‌هایی که در حال حاضر به آنها تحمیل می‌گردد غیر قابل پیش بینی بوده است. برای مثال حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور در قراردادهای طرحهای عمرانی دهه ۶۰ مطابق قانون از پیمانکاران پروژه به عنوان کارفرمایان کارگر مطالبه می‌شود در صورتی که طرح عمرانی و برای دولت بوده و قابل پیش بینی برای پیمانکار نبوده و یا اساساً بر مبنای ضریب پیمان حق بیمه را پرداخت نموده که این ۴ درصد را پوشش داده است.

۲-۱- تحمیل ۴٪ حق بیمه و ۴٪ مستمری محاسبه شده نسبت به سنوات اشتغال کارگر در مشاغل سخت و زیان‌آور در پایان کار و هنگام بازنشستگی به نرخ روز بصورت یکجا و یا اقساطی (اعتراض به زمان پرداخت)

بند ۴ بند تبصره ۲ ماده واحده اشاره می‌نماید: "از تاریخ تصویب این قانون جهت مشمولان این تبصره، چهار درصد به نرخ حق بیمه مقرر در قانون تامین اجتماعی افزوده خواهد شد که آن هم در صورت تقاضای مشمولان قانون، به طور یکجا یا بطور اقساطی توسط کارفرمایان پرداخت خواهد شد."

تکلیف کارفرمایان برای پرداخت حق بیمه ایام مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور در زمان بازنشستگی به نرخ روز به ازای مدت سابقه ایراد دیگری است که وجود دارد. کارگر با طرح درخواست بازنشستگی پیش از موعد در کمیته مشاغل سخت و زیان آور در زمان بازنشستگی، کمیته مزبور نسبت به احراز شرایط بازنشستگی اقدام و در صورت تایید اشتغال کارگر به مشاغل سخت و زیان آور کارفرمای مربوطه پس از سالها مکلف به پرداخت حق بیمه ۴٪ اضافی می‌گردد که بار مالی مضاعفی به کارفرما تحمیل می‌گردد. در زمان پرداخت و دلیلی بر عدم اصلاح شرایط کار از سوی کارفرمایان و عدم درخواست کارگران برای اصلاح شرایطی است که قابل اصلاح است چراکه کارگران به دنبال بازنشستگی زود هنگام و کارفرمایان غافل از هزینه‌های بعدی می‌باشند.

در این زمینه رای دیوان عدالت اداری وجود دارد که هم زمان با لیست و در دوره فعالیت کارگر نمی‌توان ۴٪ را واریز نمود بایستی در زمان بازنشستگی بنا به درخواست کارگر واریز نمود که لازم است اصلاح و یا لغو گردد.

۳-۱- تحمیل ۴٪ حق بیمه و ۴٪ مستمری شاغلین و کارگران مشمول بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور در کارهای سخت و زیان آور طرحهای عمرانی و غیر عمرانی به پیمانکاران (اعتراض به تکلیف پرداخت)

در مورد حق بیمه طرحهای عمرانی (طرح تملک دارایی‌های سرمایه ای) با توجه به اینکه کل پیمان بیمه می‌باشد، ۵ درصد مبلغ قرارداد را کارفرما بعنوان حق بیمه طرح پرداخت می‌نماید و ۱/۶ درصد مبلغ پیمان حق بیمه پرسنل که از هزینه پیمانکار (یا از محل حقوق کارگران) پرداخت می‌گردد لذا پیمانکاران محلی برای پرداخت حق بیمه ندارند. فرض براینکه پرداخت این مبلغ ۴٪ حق بیمه

و بعضاً ۴٪ میزان مستمری به عهده کارفرمای اصلی (پیمان دهنده) نباشد، شرکت‌های پیمانکار (کارفرمای مستقیم و بلاواسطه) نیز نباید تکلیفی از این باب داشته باشند. زیرا هم در پیمانهای عمرانی و هم در پیمانهای غیر عمرانی بابت کل پروژه مبالغی بطور مقطوع به عنوان حق بیمه پیمان عملاً توسط کارفرمای اصلی به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌گردد که در قریب به اتفاق بسیار بیشتر از حق بیمه کارکنان شاغل در پروژه است حتی با احتساب این مبالغ ۴٪ نیز در مجموع حق بیمه بیشتری پرداخت نموده‌اند که علی‌القاعده مبالغ مربوط به ۴٪ کارگران مشاغل سخت و زیان آور از محل حق بیمه پیمان قبلاً و بموقع پرداخت شده است. در طرحهای غیر عمرانی نیز  $7.7\% + (1/9) = 7.7\%$  را پیمانکار در بالاسری پیمان از کارفرما دریافت و با رعایت ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌کند بهر حال پرداخت حق بیمه شاغلین در پروژه‌ها بعهد کارفرمای اصلی است نه شرکت‌های پیمانکاری و لذا هرگونه اضافه پرداختی نیز بعهد

**سندیکا در جلسات مختلف و نشست‌های کارشناسی اعم از کمیسیونهای مجلس شورای اسلامی، اتاق بازرگانی ایران و تهران، شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی نظرات اصلاحی خود را مطرح و اعلام نموده است که امید است با اعمال نظرات در اصلاحات قانون و آئین نامه مشکلات بخش خصوصی مرتفع گردد**

کارفرمای اصلی است و شرکت‌های پیمانکاری نباید پرداختی بنمایند. لازم به ذکر است بر همین مبنا طرح استفساریه پرداخت حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور از عهده پیمانکار بر عهده واگذارنده کار در مجلس مطرح است.

## ۲- ایراد شکلی:

۱-۲- عدم دعوت از کارفرمایان در جلسه کمیته مشاغل سخت و زیان آور به منظور تطبیق و تشخیص مشاغل سخت و زیان آور ضروری است کمیته‌های بدوی و تجدید نظر از کارفرمای مخاطب کارگر در جلسه دعوت بعمل آورند تا در خصوص موضوع مطروحه و صحت ادعای کارگر و زمان فعالیت و هر نوع اطلاعات لازم کسب اطلاع نمایند و نتیجه رای نیز به آنان ابلاغ گردد تا در صورت اعتراض به موقع از حقوق قانونی خود برخوردار شوند که با عدم رعایت تشریفات آئین دادرسی و عدم حضور کارفرمایان در کمیته‌های بدوی و تجدید نظر حق قانونی آنها تضییع می‌گردد.

حضور در جلسات کمیته و آشنا شدن از مصادیق سخت و زیان آوری برای شناسایی مشاغل سخت و زیان آور با لحاظ تکلیف قانونی بند ۱ الف تبصره ۲ الحاقی به ماده ۷۶ نسبت به رفع شرایط سخت و زیان آوری شغل می‌توانند اقدام نمایند.

۲-۲- عدم ابلاغ و اعلام مشاغل سخت و زیان آور به کارفرمایان از سوی کمیته‌های بدوی و تجدید نظر مطابق آئین دادرسی کار هیات‌ها مکلف به ابلاغ آرا به خواهان و خوانده می‌باشند. که این موضوع در حال حاضر عمل نمی‌شود.

۳-۳- همسان سازی و همپراز سازی مشاغل سخت و زیان آور ادارات کار با همسان و همپراز سازی مشاغل مبادرت به صدور رای می‌نمایند و با عنایت به اینکه در پروژه‌های



پیمانکاری اکثراً مشاغل از بین رفته و قبلاً هم آلاینده‌سنجی نشده و مربوط به قبل از تصویب قانون بوده و یا تغییر وضعیت یافته اند همان شرایط مشابه را ندارند و دیگر سخت و زیان آور نیستند این همسان سازی نبایستی انجام پذیرد.

#### ۲-۴- تعمیم مشاغل سخت و زیان آور به همه گروه‌های شغلی بدون در نظر گرفتن مشاغل سخت و زیان آور احصا شده

تاکنون ۱۳ گروه شغلی از مشاغل گروه "ب" با بررسی‌های جامع و طی مراحل اداری توسط شورای عالی حفاظت فنی در کشور سخت و زیان آور شناخته شده است این بدان معناست که سایر مشاغل همانطور که در قانون و آئین نامه مربوطه پیش بینی شده است می‌تواند با به کارگیری

بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور کارگران سابق خود مواجه می‌گردد چه اقدامی می‌بایستی انجام دهد؟

■ با عنایت به اینکه ابلاغ آرای کمیته‌های مشاغل سخت و زیان آور در اکثر موارد به کارفرما (شرکت پیمانکاری) ابلاغ نمی‌گردد و رای صادره کمیته از سوی کارگر به شعبه تامین اجتماعی ارائه می‌شود و شعب سازمان تامین اجتماعی بر مبنای رای کمیته حق بیمه مشاغل را محاسبه و با ابلاغ بدهی از کارفرما مطالبه می‌نمایند در این لحظه اکثر کارفرمایان متوجه موضوع و درخواست کارگران می‌شوند. در این حالت لازم است پس از ابلاغ بدهی تامین اجتماعی به شرکت، نسبت به رای صادره به شعبه تامین اجتماعی و اداره کار محل



تقاضای کارگر اعتراض گردد.

#### در اعتراض لازم است:

۱- ابتدا سابقه کارگر، شغل و سنوات مورد ادعای کارگر و مبنای تشخیص هیات‌ها و نحوه احراز مشاغل سخت که از نوع "الف" و یا "ب" (ماده ۱ آئین نامه) می‌باشد بررسی و در صورت عدم رعایت هریک از موارد مذکور اعتراض شود.

۲- اگر کمیته مشاغل سخت و زیان آور شغل اعلامی کارگر را از نوع گروه "ب" تشخیص داده باشد مطابق صورتجلسه شورای عالی حفاظت فنی مورخ ۹۴/۱۲/۱۷ مشاغل گروه "ب" در ۱۳ گروه شغلی احصا گردیده اند کمیته‌های تعیین مشاغل سخت و زیان

تمهیدات بهداشتی، ایمنی و تدابیر فنی توسط کارفرما از دایره سخت و زیان آور خارج گردد در صورتی که در حال حاضر کمیته‌های رسیدگی کننده کارگران ساده و بسیاری از مشاغل معمولی را به استناد آرای صادره مشمول قانون سخت و زیان آور تلقی می‌نمایند که این احراز شرایط هزینه‌های گزافی برای کارفرمایان، دولت و سازمان تامین اجتماعی دارد.

#### د) اقدامات لازم برای

##### مواجهه با موضوع:

سوالاتی که اکثر اعضای صنف دارند این است در صورتی که شرکت پیمانکاری با موضوع درخواست استفاده از شرایط قانون

آور اداره کار فقط بر مبنای ۱۳ گروه اعلامی می‌بایستی عمل نمایند. اگر مواردی غیر از گروه "ب" بعنوان مشاغل سخت و زیان آور احراز گردد قابل اعتراض است.

۳- اگر کمیته مشاغل سخت و زیان آور شغل تعیین شده را از نوع "الف" تشخیص داده باشد مطابق دستورالعمل اداری، ضرورت دارد گزارشی آلاینده سنجی به همراه گزارش کارشناسان موضوع ماده ۲، جهت اتخاذ تصمیم اعضای کمیته وجود داشته باشد چنانچه در زمان اجرای کار و فعالیت کارگاه، آلاینده سنجی صورت نگرفته باشد امکان طرح درخواست کارگر در کمیته‌ها وجود ندارد و به عبارتی دیگر مطابق دستور شورای عالی حفاظت فنی، طرح بررسی مشاغل کارگاه‌های تعطیل شده که قبلاً آلاینده سنجی نشده اند در کمیته‌های موضوع مشاغل سخت و زیان آور وجود ندارد. اگر غیر از این مورد اقدام گردد قابل اعتراض است.

۴- آرای کمیته‌های مشاغل سخت و زیان آور مطابق آئین دادرسی کار و ضوابط و مقررات قانون کار لازم است به کارفرما ابلاغ گردد و در صورت عدم ابلاغ، کارفرما می‌تواند اعتراض نماید و کمیته‌های رسیدگی کننده، مجدداً برگزار و رسیدگی صورت می‌گیرد.

۵- کارفرمایان می‌توانند در صورتی که آرای صادره خلاف مقررات و ضوابط بوده و احراز واقعی صورت نگرفته باشد و یا موارد شکلی از جمله ابلاغ قانونی رعایت نشده باشد به دیوان عدالت اداری مراجعه و شکایت خود را از اداره کار مربوطه مطرح نمایند.

سندیکا در جلسات مختلف و نشست‌های کارشناسی اعم از کمیسیونهای مجلس شورای اسلامی، اتاق بازرگانی ایران و تهران، شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی نظرات اصلاحی خود را مطرح و اعلام نموده است که امید است با اعمال نظرات در اصلاحات قانون و آئین نامه مشکلات بخش خصوصی مرتفع گردد.



# انتقال آب از دریای خزر؛ ضرورت‌ها و الزامات آن



بحران آب و امنیت غذایی واژه‌هایی هستند که در سال‌های اخیر در ادبیات مهندسی و محافل سیاسی و دیپلماسی به وفور به آن‌ها پرداخته می‌شود. خطر بحران آب نه تنها کشورهای خشک و نیمه خشک و یا رشدنیافته و در حال توسعه را تهدید می‌کند، بلکه کشورهای با اقلیم نسبتاً مناسب و نیز کشورهای پیشرفته هم نگران مخاطرات و پیامدهای ناشی از این پدیده می‌باشند.

پرسش این است؛ با وجود حجم عظیم آب دریاها و اقیانوس‌ها که سه چهارم سطح کره زمین را فراگرفته است، چه عاملی باعث پیدایش پدیده بحران آب و نگرانی از مخاطرات و دغدغه‌های ناشی از آن می‌شود و پاسخ چنین پرسشی این است که؛ آب دریاها و اقیانوس‌ها کیفیت لازم برای استفاده در زندگی انسان‌ها را ندارند. علاوه بر آن، شوری‌زدایی و انتقال آب از دریاها و اقیانوس‌ها تا محل مصرف مستلزم صرف هزینه‌هایی است که در بسیاری از موارد توجیه اقتصادی ندارد.

دغدغه‌های مرتبط با بحران آب به مرور و در شرایط مواجهه با کمبود آب شیرین تجدیدپذیر در جوامع پدید آمده‌اند. در سال‌های اخیر میزان آب شیرین تجدیدپذیر

قابل دسترس از یک سو تحت تأثیر افزایش جمعیت کره زمین، ارتقا سطح بهداشت عمومی و افزایش نیازهای زیستی شامل غذا، پوشاک، خدمات و سایر نیازهایی که بدون تأمین آب برآورده نمی‌شوند و از سوی دیگر تحت تأثیر نزول کیفیت و در نتیجه کاهش کمیت ناشی از آلاینده‌های صنعتی و کشاورزی و همچنین تحت تأثیر اثرات گرمایش زمین و تغییر اقلیم، بیش از گذشته محدود شده است؛ و این فرایند کاهش میزان آب شیرین تجدیدپذیر کماکان ادامه دارد و از این دیدگاه به مهم‌ترین نگرانی انسان این دوران بدل شده است.

کنش‌های مجموعه این عوامل تأثیرگذار که موجب تنگناهای آبی و بحران آب می‌شوند، کشورها و جوامعی را که در گذشته متناسب با ظرفیت‌های طبیعی، نیازهای انسانی و به ویژه متناسب با میزان آب موجود در دسترس در مناطق زیستی خود، توسعه یافته بودند، به سمتی سوق می‌دهد که برای تنگناهای کم‌آبی پدید آمده در وضعیت جدید، چاره‌جویی کنند.

در مواجهه با این معضل و برای چاره‌جویی، هر جامعه‌ای متناسب با شرایط اقلیمی و ظرفیت توسعه‌ای اقتصادی اجتماعی و

ملاحظات زیست‌محیطی مربوط به خود و محیط پیرامونی خود، رویکردهای گوناگون و گزینه‌های مختلفی را برای برون‌رفت از وضعیت مخاطره‌آمیز تنگناهای کم‌آبی و بحران آب پدید آمده مورد توجه قرار می‌دهد. در این راستا شرط دستیابی به راهکار درست و قابل قبول و آینده‌نگر و پایدار، مستلزم پرداختن به همه جنبه‌ها و بررسی همه گزینه‌های مطرح و انجام مطالعات جامع و کافی در همه زمینه‌ها است.

انتقال آب بین حوضه‌ای در دوران جدید، تاریخچه شناخته‌شده‌ای در کشور ما دارد. شهر تهران همچنان بی‌وقفه تشنه و نیازمند منابع جدید آب است. انتقال از رودخانه‌های کرج، هراز، جاجرود، طالقان، ماملوو... نه تنها کمکی به حل مشکل کمبود آب این کلان‌شهر ننموده‌اند، بلکه هرکدام از آن‌ها به نوبه خود زمینه‌هایی را برای هجوم جمعیت مهاجر بیشتر فراهم نمودند و نتیجه آن‌که؛ این چرخه آب بیشتر، جمعیت بیشتر و دوباره تشنگی و کمبود آب بیشتر، همچنان ادامه‌دار است و مشکلات کمبود آب کلان‌شهر، کلان‌تر شده است. اگرچه اثرات این‌گونه طرح‌ها در کوتاه‌مدت عیان نخواهد شد، اما انتقال آب از سرشاخه‌های کارون به اصفهان و یزد و انتقال



آب به قم، اقداماتی هستند که پیامدهای ناخوشایندشان مشهود است و آینده روشن آن‌ها مورد تردید بسیاری از خبرگان می‌باشد. طرح انتقال آب از دریای خزر به سمنان از جمله طرح‌هایی است که به‌عنوان راهکاری برای گریز از بحران آب و یا احیاناً باهدف تأمین آب برای توسعه بیشتر آن منطقه در دستور کار قرار گرفته و علاوه بر انتقال بین حوضه‌ای، شوری زدایی آب دریای خزر را هم در بردارد. از این دیدگاه، ابعاد، مقیاس و اهمیت این طرح، از جنبه‌های گوناگون فنی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، آن را به‌عنوان یک موضوع در مقیاس منطقه‌ای، ملی و حتی بین‌المللی مطرح می‌نماید.

دیگر کشورهای هم‌جوار، از چشمان تیزبین و آینده‌نگر خبرگان و اساتید فن دور نماند. راهکار انتخاب شده پیش رو برای تأمین آب سمنان، از دو عنصر اصلی تأثیرگذار؛ شیرین کردن آب دریای خزر، دریایی با پتانسیل‌های بسیار بالای تولید ثروت، دارای مراکز صنعتی و جمعیتی متراکم و سواحل زنده و مولد و نیز انتقال بین حوضه‌ای از دریای خزر به استان سمنان با عبور خط انتقال آب از مناطق جنگلی با پوشش گیاهی از گونه‌هایی بسیار خاص از منظر ملی و بین‌المللی، تعریف شده است. علاوه بر عوامل تأثیرگذار دیگر، هر یک از این دو عنصر به‌تنهایی دوام و پایداری طرح را از دیدگاه اجتماعی و زیست‌محیطی مورد



بی‌تردید اگر مقبولیت چنین طرحی به تأیید مسئولان برسد، الگویی خواهد شد برای تعمیم استفاده از این روش در همه استان‌های گلستان، مازندران و گیلان و تمامی استان‌های نیازمند به آب هم‌جوار دریای خزر در استان‌های جنوبی سلسله جبال البرز و صدالبته که به‌کارگیری چنین شیوه‌ای، انگیزه‌ای خواهد شد برای اقدامات مشابه در کشورهای همسایه واقع در سواحل دریای خزر. پیش‌بینی این چنین سلسله رخدادها و پیامدهای قریب به یقین و ناخوشایند ناشی از آن‌ها، سبب نگرانی‌هایی می‌شود که وضعیت آینده دریای خزر و شهرها و تمدن‌های ساحلی آن، چه در ایران و چه در

تردید قرار می‌دهند. از این منظر، آنچه انتظار می‌رود به‌عنوان الزامات در بررسی همه‌جانبه طرح پیش رو با دقت کافی و مسئولانه مورد توجه قرار گیرند، به ترتیبی که اعتبار حال و آینده آن از نگاه مسئولین، متخصصین و صاحب‌نظران به درستی مورد ارزیابی قرار گیرد عبارت خواهند بود از:

### از نگاه منطقه‌ای

■ **ضرورت بررسی نیازها و ظرفیت‌های موجود آب در مبدأ (در نواحی ساحلی دریای خزر)**  
■ **ضرورت بررسی نیازها و ظرفیت‌های موجود آب در طول مسیر انتقال**

■ **ضرورت بررسی ظرفیت‌ها و نیازهای موجود آب در مقصد (استان سمنان و استان‌های هم‌جوار در جنوب رشته کوه البرز)**

### از نگاه ملی

■ **ضرورت بررسی‌های آمایشی و تعیین ظرفیت‌های مناسب برای توسعه سرزمینی و به‌بیانی دیگر انجام مطالعات آمایش سرزمین در مقیاس ملی، به منظور تعیین ظرفیت توسعه‌پذیری در مقصد و نیازهای توسعه‌ای در مبدأ، مشکلات تأمین منابع مالی طرح و در برابر آن، ارجحیت و اولویت تأمین مالی برای اتمام طرح‌های نیمه‌تمام و به بهره‌برداری رساندن این طرح‌ها**

### از نگاه بین‌المللی

■ **ضرورت انجام مطالعات ژئوپلیتیک و ملحوظ داشتن کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، همراه با بررسی چالش‌های روز و آتی و انجام تعاملات و توافقات با کشورهای همسایه ذی‌ربط در حاشیه دریای خزر.**

### از نگاه فنی

■ **ضرورت بررسی پیچیدگی‌های طرح از نظر شرایط ژئوتکنیکی و زمین‌شناسی، لرزه‌خیزی، هیدرولیکی، میزان و نحوه تأمین انرژی مورد نیاز از دیدگاه ایمنی و ماندگاری و پایداری سازه‌ها در طول دوران بهره‌برداری.**

### از نگاه اقتصادی

■ **ضرورت بررسی هزینه‌های سرمایه‌گذاری برای تأسیسات نمک‌زدایی، خط انتقال، ایستگاه‌های پمپاژ و مخازن بین‌راهی و هزینه‌های بهره‌برداری و نگهداری و تأمین انرژی، قیمت تمام شده آب و مطالعات جامع در ارتباط با اهداف طرح و درآمدهای حاصل از اجرای این طرح و بازدهی سرمایه.**

### از نگاه اجتماعی

■ **ضرورت بررسی وضعیت جمعیت فعلی به لحاظ اشتغال و درآمد، بررسی وضعیت حال و توسعه آتی ناشی از ورود مهاجران جدید و احتمال خطر شکل‌گیری تسلسل و توالی فرآیند افزایش جمعیت، افزایش نیاز، پیدایش تنگناهای آبی و بحران آب در چرخه**

## قانون تخصیص قیررایگان به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد



همچنین خزانه‌داری کل کشور مکلف است مبلغ واریزی شرکت ملی نفت ایران به حساب مربوطه را به صورت کامل براساس درصدهای مشخص شده به حساب دستگاه‌های اجرایی مربوط، واریز و با شرکت مذکور در پایان سال، تسویه حساب کند.

این قانون که با عنوان «استفساریه بند (ه) تبصره (۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور» در دولت مصوب شد، در جلسه ۲۱ مهر ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی، تصویب و در تاریخ یکم آبان به تأیید شورای نگهبان رسید.

**خبرگزاری مهر:** حسن روحانی رئیس جمهور سیزدهم آبان ماه قانون اصلاح بند (ه) تبصره (۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور با موضوع اختصاص قیررایگان به دستگاه‌های اجرایی را برای اجرا به وزارت نفت و سازمان برنامه و بودجه کشور ابلاغ کرد.

براساس این قانون، شرکت ملی نفت ایران مکلف است مبلغ ۶۰ هزار میلیارد ریال از منابع دریافتی بابت خوراک مایع تحویلی به پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها به صورت ماهانه به حسابی که نزد خزانه‌داری کل کشور افتتاح می‌شود، واریز کند.

سازمان برنامه و بودجه کشور نیز موظف است ۱۰۰ درصد مبالغ واریزی را به صورت ماهانه به دستگاه‌های اجرایی ذی ربط در سقف سهمیه‌های تعیین شده برای خرید قیر مصرفی و پرداخت هزینه‌های اجرای آسفالت اختصاص دهد.

## آزادراه باکو به رشت و اردبیل احداث می‌شود

جمهوری اسلامی ایران در سه فصل با کشور آذربایجان گفت و گو کرد که یکی از موارد موضوع تعاملات ریلی است که آستارا ایران به کشور آذربایجان متصل شود. این مسیر تا رشت ادامه یافته و در حال حاضر آنها خواهان تداوم این خط ریلی از رشت به آستارا هستند و اینکه سریع‌تر انجام گیرد. اسلامی ادامه داد: در این زمینه روی ترمینالی به نام آستارا- آستارا کار شده بود که بار تا آستارای ایران رسانده شود و از آنجا توسط قطارهای کشور آذربایجان حمل شود. در حاشیه‌ی اجلاس برگسترش این ترمینال توافق شد که یکی از پروژه‌های مشترک ما با کشور آذربایجان به شمار می‌آید.

وزیر راه و شهرسازی گفت: قرار است اتوبان باکو- آستارا به رشت و اردبیل متصل شود. به گزارش روابط عمومی وزارت راه و شهرسازی، محمد اسلامی اظهار داشت: در حاشیه اجلاس کشورهای غیرمتعهد که رئیس جمهوری ایران نیز در آن حضور داشت، مذاکراتی با هم‌تایان خود در آن کشورها داشته‌ایم. به نظر می‌رسد سطح ارتباطات ایران با کشور آذربایجان به بهترین سطح خود رسیده و این جزو پیشرفت‌های دیپلماسی کشور است. سطح تعاملات ارتقا یافته و تفاهات و توافقات دو کشور در حیطه همکاری‌های فضایی بهتر و صمیمی‌تر شده است. وی تصریح کرد:



نامحدود افزایش میزان تأمین آب و به تبع آن افزایش جمعیت در آینده و احتساب نیازهای مبدأ، طول مسیر انتقال و مقصد و پیش‌بینی و جلوگیری از بروز تنش‌های اجتماعی بین حوضه‌ای.

### از نگاه مدیریتی

■ ضرورت بررسی شیوه‌های رایج مدیریت آب در مقصد از دیدگاه مدیریت تأمین، مدیریت عرضه، مدیریت تقاضا، مدیریت مصرف، استفاده از آب‌های غیرمتعارف، استفاده از آب‌های برگشتی، بازچرخانی آب؛ و به‌کارگیری راهکارهای مدیریتی مناسب برای پاسخگویی به نیازهای آن منطقه با استفاده از ظرفیت‌های موجود در همان منطقه

### از نگاه زیست‌محیطی

■ ضرورت بررسی اثرات نمک به‌جامانده ناشی از نمک‌زدایی آب و افزایش نمک در نواحی ساحلی دریای خزر بر عناصر گیاهی، حیوانی و انسانی، اثرات ناشی از عبور خط لوله در مسیر جنگل‌های هیرکانی و اثرات نمک‌های باقی‌مانده در آب و انتقال یافته به مقصد و پیش‌بینی و ارزیابی تنش‌های اجتماعی بین حوضه‌ای در طول دوره ساخت و در دوران بهره‌برداری.

نظر به اهمیت این طرح از دیدگاه منطقه‌ای، ملی، بین‌المللی، فنی، اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و زیست‌محیطی؛ جامعه مهندسان مشاور ایران به‌عنوان فراگیرترین تشکل مهندسی کشور، حسب وظیفه ملی و حرفه‌ای خود بر آن است تا از طریق هم‌اندیشی و هم‌افزایی با کمک حرفه‌مندان، دریافت نظرات اساتید و درج مقالات آن‌ها در نشریه جامعه مهندسان مشاور ایران و همچنین برپایی یک همایش ملی با حضور مسئولین و متخصصین، در راستای تصمیم‌سازی مبتنی بر توسعه پایدار، ضرورت‌ها و الزامات چنین طرح ملی را با استفاده از آموخته‌ها و تجارب گذشته از همه جوانب به بحث و بررسی گذاشته و نتایج آن را به آگاهی همگان برساند. پیشاپیش از همیاری، همکاری و مساعدت همه متخصصان و سازمان‌ها و ارگان‌هایی که در این راه ما را یاری خواهند نمود، قدردانی و سپاسگزاری می‌نماید.

جامعه مهندسان مشاور ایران





# تقارن زلزله آذربایجان شرقی با روز جهانی شهرسازی



در تحقق اهداف قانون به درستی مشخص نیست. وقت آن رسیده است تا شورای تدوین مقررات ملی ساختمان به استناد ماده ۳۳ قانون مذکور و با استفاده از تجربیات جهانی و پژوهش‌های پرشمار انجام شده، نسبت به تدوین، تبیین و درنهایت تعیین تکلیف جایگاه اصول و قواعد فنی منبعث از رشته‌های معماری، شهرسازی، نقشه برداری و ترافیک در طراحی، محاسبه، اجرا، بهره برداری و نگهداری ساختمان‌ها در مقررات ملی ساختمان اقدام کند.

## کاهش خسارت در کانون زلزله در پی بازسازی ۷۰ درصدی واحدهای مسکونی

ابوالقاسم سلطانی، مدیرکل راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی به ارائه گزارشی از آخرین خسارت‌های زلزله در مناطقی از این استان پرداخت و گفت: عمده خسارت زلزله در روستای ورنکش با ۲۸۰ خانوار جمعیت بوده است که خوشبختانه پیش از این زلزله حدود ۷۰ درصد واحدهای مسکونی این روستا بازسازی شده بود و بر این اساس زلزله به ۳۰ درصد منازل خسارت وارد کرده است.

که در سده اخیر به هنگام رخدادهای طبیعی همچون سیل و زلزله، شهروندان در شهرها و روستاها در صف اول خسارات مالی و جانی ناشی از تخریب ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها قرار گرفته‌اند.

خساراتی که ناشی از کم توجهی و بعضا نادیده انگاشتن اصول شهرسازی و ساختمان سازی در کشوری است که طلایه دار شهر و شهرنشینی جهان است و دست کم ۵۰۰۰ سال سابقه مهندسی را به ثبت رسانده و آثار جاودانی را از پیشینیان خود به یادگار گذاشته است. آثاری که بر پایه عقلانیت و شناخت درست از محیط پیرامون و با به کارگیری حداکثری دانش روز، طراحی و ساخته شدند که بسیاری از آنها هنوز رقیبی بر خود ندیده‌اند.

قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان در سال ۱۳۷۴ به تصویب رسید و یکی از مهم ترین اهداف خود را تقویت و توسعه فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در معماری و شهرسازی و ترویج اصول معماری و شهرسازی و رشد و آگاهی عمومی نسبت به آن تعریف کرد، لیکن بعد از گذشت ۲۴ سال از تصویب این قانون و اجرایی شدن آن و به رسمیت شناختن شهرسازان به عنوان یکی از رشته‌های هفت گانه، هنوز جایگاه شان

## حامد مانی‌فر، مدیرکل مقررات ملی و کنترل ساختمان:

امسال روز جهانی شهرسازی مصادف شده است با زلزله ۵٫۹ ریشتری منطقه ترک آذربایجان شرقی که متأسفانه منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از هموطنان و بوجود آمدن خسارات مادی شده است. هشتم نوامبر (۱۸ آبان) روز جهانی شهرسازی است. روزی که در سال ۱۹۴۹ همزمان با افتتاح انستیتو مطالعات مسائل شهرسازی دانشگاه بوئنوس آیرس آرژانتین با هدف بالابردن علاقه به مباحث شهرسازی در میان عامه مردم و متخصصان ثبت گردید. ۶۰ سال است که از برگزاری مراسم بزرگداشت این روز در برخی از کشورهای دنیا می‌گذرد و در ایران نیز با تاخیر ۴۵ ساله حدود ۱۵ سال است که این روز را گرامی می‌دارند و از مسائل و مصائب شهر و شهرسازی و حقوق شهروندی و نقش شهرسازان می‌گویند.

امسال روز جهانی شهرسازی مصادف شده است با زلزله ۵٫۹ ریشتری منطقه ترک آذربایجان شرقی که متأسفانه منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از هموطنان و بوجود آمدن خسارات مادی شده است. تجربیات موجود در کشور نشان داده است



## آسیب دیدگی ۲۲۰۰ واحد در میانه

وی با اشاره به این که پنج نفر در شهرستان میانه بر اثر این زلزله جان باخته اند، تعداد مجروحان بستری شده این شهر را ۱۲ نفر و تعداد مجروحان که به صورت سرپایی درمان شده اند را ۱۲۲ نفر برشمرد و گفت: دو هزار و ۲۰۰ واحد مسکونی و ۴۰ روستای این شهرستان آسیب دیده و هزار و ۱۰۰ واحد مسکونی نیز در معرض آسیب دیدگی قرار دارد. سلطانی تعداد پل های تخریب شده در این شهرستان را پنج عدد عنوان کرد و گفت: اقدامات امدادی در منطقه آغاز شده و تاکنون ۱۵ دستگاه ماشین آلات برای کمک به آواربرداری و سایر اقدامات به میانه اعزام شده است.

## آسیب دیدگی ۷۴۵ واحد در سراب

سلطانی با اشاره به اینکه در شهرستان سراب خوشبختانه جان باخته نداشته ایم، تعداد مجروحان بستری شده را ۱۳ نفر عنوان کرد و گفت: در این شهرستان نیز ۷۴۵ واحد مسکونی و ۲۵ روستا آسیب دیده است و براساس رییس بنیاد مسکن شهرستان سراب هزار و ۶۰ واحد مسکونی نیز در معرض آسیب دیدگی قرار دارد. وی با اشاره به اینکه در شهرستان سراب نیز یک دستگاه پل تخریب شده است، گفت: تاکنون ۱۳ دستگاه انواع ماشین آلات سنگین برای انجام اقدامات لازم به منطقه اعزام شده است.

## آغاز آواربرداری با استفاده از ۶۲

### دستگاه ماشین آلات سنگین

مدیرکل راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی از برگزاری کارگروه تخصصی حمل و نقل، شریان های حیاتی و تامین و توزیع ماشین آلات و کارگروه مخاطرات زلزله، لغزش لایه های زمین، ساختمان و ابنیه در نخستین ساعات پس از زلزله خبر داد و خاطر نشان کرد: بر اساس برآوردهای صورت گرفته در این دو کارگروه و بسیج ظرفیت دستگاه های مختلف، عملیات آواربرداری را با استفاده از ۶۲ انواع ماشین آلات سنگین از امروز آغاز می کنیم.

۱۸ آبان / پایگاه اطلاع رسانی صما

## مطالبات و بدهی پیمانکاران طرح های آب و خاک تهاتر می شود

جدید قرار بگیرد.

وی با اشاره به اینکه بدهی به بخش خصوصی باعث آسیب رسیدن به بخش فنی نیروگاه های خصوصی نمی شود، ادامه داد: برنامه تعمیرات و نگهداری این واحدها مطابق برنامه در حال انجام است. البته نمی توان منکر تاثیر تفاوت قیمت ارز بر قراردادهای بخش خصوصی شد.

این عضو کابینه دولت دوازدهم همچنین در تاریخ ۳۱ شهریور ماه سال ۹۸ با حضور در خانه ملت گفت که بدهی این وزارتخانه به پیمانکاران طرح های توسعه ای آب و خاک به ۱۲ هزار میلیارد تومان رسیده است.

اکنون با هدف کاهش بدهی های وزارت نیرو، هیات وزیران طی مصوبه ای این امکان را فراهم کرده است تا بدهی طلبکاران به سازمان خصوصی سازی و سازمان امور مالیات در برابر طلب آنها از شرکت دولتی مدیریت شبکه برق ایران تهاتر شود.

با این مصوبه، زمینه برای تهاتر مجموعاً حدود ۴۸۴ میلیارد و ۶۹۱ میلیون ریال بدهی دولت به ۴ شرکت فراهم شد.

**خبرگزاری مهر:** هیات وزیران در جلسه مورخ ۸ آبان ماه سال جاری طی مصوبه ای موافقت کرد طلب بخشی از شرکت های بخش خصوصی از شرکت دولتی مدیریت شبکه برق ایران با بدهی آن شرکت ها به سازمان خصوصی سازی و امور مالیاتی تهاتر شود.

وزارت نیرو تا چندی پیش با بدهی ۳۰ هزار میلیارد تومانی به پیمانکاران، عنوان بدهکارترین وزارت خانه را یدک می کشید. بدهی ای که به گفته وزیر نیرو سهم بیشتر آن به بانک ها تعلق داشت و بخشی دیگر نیز مطالبات پیمانکاران بخش خصوصی بود.

۲۱ مهر ماه سال جاری رضا اردکانیان، وزیر نیرو با بیان اینکه دو سال پیش بدهی وزارت نیرو رقمی حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان بود گفت: در حال حاضر با استفاده از پتانسیل های قانونی توانستیم بخش قابل توجهی از بدهی به بخش خصوصی را پرداخت کنیم؛ به نحوی که این امر باعث شد بخش خصوصی به شکل مستمر در چرخه سرمایه گذاری و اجرای طرح های

## افتتاح یک پروژه عمرانی ساخت شرکت ایرانی در سریلانکا

انجام شد و با به هم رسیدن این دو دستگاه کار حفاری به پایان رسید. وی افزود: این تونل از معدود تونل های بلند انتقال آب در جهان است که هیچ گونه دسترسی میانی برای نقشه برداری آن وجود نداشته است. این پروژه در جنوب شرقی کشور سریلانکا و در فاصله ۲۰۰ کیلومتری پایتخت این کشور واقع شده است و شامل ۲ سد، نیروگاه آبی ۲۰ مگاواتی و ۲۵ کیلومتر تونل انتقال آب است. پیشتر رضا اردکانیان وزیر نیرو از تلاش برای صدور خدمات فنی مهندسی کشورمان به اقصی نقاط جهان خبر داده بود. شرکت فراب، پیمانکار EPC (طراحی، تأمین و ساخت) پروژه چند منظوره اوماویا است که از بزرگ ترین پروژه های صدور خدمات فنی و مهندسی شرکت های ایرانی به شمار می رود.

حفاری تونل بلند آبرسان پروژه چند منظوره اوماویا در کشور سریلانکا به طول ۱۵۲۹۰ متر، بوسیله شرکت فراب، یک شرکت مهندسی ایرانی به پایان رسید و براساس گزارش روابط عمومی شرکت فراب در هشتم آبان ماه در مراسمی با حضور رئیس جمهور کشور سریلانکا، سد پوهولپولا و تونل های انتقال آب پروژه چند منظوره اوماویا در این کشور افتتاح شد. این تونل که یکی از طولانی ترین تونل های انتقال آب در کشور سریلانکا به طول ۱۵ هزار و ۲۹۰ متر است به دست متخصصان کشورمان اجرایی شد. احمد دزفولی مدیر این پروژه در این باره گفت: کار حفاری این تونل بلند آبرسان با دو دستگاه حفاری مکانیزه تی.بی.ام یکی در بخش ورودی و دیگری از بخش خروجی

از سوی اتاق تعاون ایران انجام شد؛

## انتشار نخستین گزارش «شامخ» در بخش ساختمان

شامخ به صورت مستمر و دقیق توسط بازارهای مالی، بانک‌های مرکزی، مراکز تصمیم‌گیری اقتصادی و رسانه‌ها در جهان پیگیری می‌شود.

این مقام در خصوص نتایج به دست آمده در مهرماه سالجاری در بخش ساختمان ابراز داشت: در رابطه با نحوه ارزیابی عدد شامخ کل، این عدد برای مهرماه معادل ۴۴.۳۰ است که نشان می‌دهد که وضعیت بخش ساختمان نسبت به ماه قبل روند آرامی را داشته و این وضعیت در اکثر زیربخش‌های این شاخص قابل ملاحظه است. بنابراین اعلام فعالان اقتصادی این صنعت، مقدار تولید یا ارائه خدمات با رقم شاخص ۴۴.۳۰، میزان فروش ۴۷.۴۷ و سفارشات جدید ۴۶.۲ تا حدودی نسبت به شهریور کاهش داشته است که قرار گرفتن در ماه‌های محرم و صفر در پایین بودن حجم معاملات بی‌تاثیر نبوده است. همزمان موجودی مواد اولیه با رقم ۴۱.۷۷ در مقایسه با شهریور ماه روند کاهشی داشته است.

وی ادامه داد: قیمت خرید مواد اولیه ۶۰.۷۶ نسبت به شهریور تا حدودی افزایش یافته و قیمت محصولات تولید شده ۴۵.۵۷ نسبت به شهریور کمی کاهش

بین‌المللی انتشار می‌یابند، شاخص Purchasing Manager's Index (PMI) که در فارسی به اختصار شامخ نامگذاری شده است، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی است که مورد پذیرش اکثر کشورهای توسعه‌یافته قرار دارد. در حال حاضر شاخص شامخ برای حدود ۲۹۰۰۰ بنگاه بخش خصوصی در بیش از ۴۰ کشور دنیا محاسبه و منتشر می‌شود. این شاخص که براساس پایش پرسشنامه‌ای به دست می‌آید، بینش‌آنی و تصویر سریعی از شرایط اقتصاد کلان به ویژه وضعیت رونق و رکود در بخش‌های ساختمان، صنعت و خدمات ارائه می‌دهد.

به گفته این مقام مسئول، شامخ ویژگی‌های خاصی دارد که به اختصار به آن اشاره می‌شود، اینکه داده‌های شامخ به صورت ماهانه در روزهای ابتدایی ماه و پیش از انتشار داده‌های رسمی منتشر می‌شود، شامخ، امکان مقایسه مستقیم بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از طریق تولید داده‌های استاندارد شده را فراهم می‌سازد، داده‌ها در شامخ بر اساس مستندات واقعی کسب‌وکارها و نه براساس نظرات شخصی و حدس مدیران جمع‌آوری می‌شوند و در نهایت اینکه

معاون پشتیبانی، برنامه ریزی و تحقیقات اتاق تعاون از انتشار گزارش دوره اول طرح شاخص مدیران خرید PMI در مهرماه سالجاری در بخش ساختمان خبر داد.

علی مطیع جهانی با بیان این مطلب، گفت: بررسی‌های آماری در بخش ساختمان مهرماه سال جاری نشان می‌دهد عدد شامخ کل ۴۴.۳، در بخش ساختمان بوده است. وی ابراز داشت: در محاسبه عدد شامخ بخش ساختمان، با توجه به اینکه پرسش اول بالاترین تأثیر را در معیار سنجش کل دارا بوده و براساس مطالعات صورت گرفته، رویکرد به‌کاررفته در محاسبه شاخص کل برخی دیگر از کشورها نیز موید این مطلب است؛ لذا عدد شامخ کل برابر با عدد شامخ پرسش اول در نظر گرفته شده است. مطیع جهانی در تشریح این بررسی آماری بیان داشت: در طرح شامخ، از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود به ۱۲ پرسش مطرح شده در قالب سه معیار وضعیت نسبت به ماه پیش (بهتر شده، بدتر شده یا تغییری نکرده است)، پاسخ دهند.

از میان شاخص‌های متنوع و گوناگون اقتصادی که توسط کشورها و سازمان‌های

## جدول ۱: شامخ ساختمان - شاخص مدیران خرید مهر ماه ۱۳۹۸

| شاخص  | مهر ۹۸ |
|---|--------|
| شامخ کل ساختمان                                       | ۴۴/۳۰  |
| میزان فعالیت‌های انجام شده (تولید، ارائه خدمات و...)  | ۴۴/۳۰  |
| میزان سفارشات جدید مشتریان                            | ۴۶/۲۰  |
| سرعت انجام و تحویل سفارش و یا فرآیند کار              | ۵۲/۵۳  |
| موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده                | ۴۱/۷۷  |
| میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی                 | ۵۰/۶۳  |
| قیمت خرید مواد اولیه یا لوازم مورد نیاز               | ۶۰/۷۶  |
| موجودی محصول نهایی در انبار و یا کارهای معوق و ناتمام | ۴۲/۴۱  |
| میزان صادرات کالا یا خدمات                            | ۴۹/۳۷  |
| قیمت محصولات تولید شده (خدمات ارائه شده)              | ۴۵/۵۷  |
| مصرف حامل‌های انرژی                                   | ۵۰/۶۳  |
| میزان فروش کالاها و خدمات                             | ۴۷/۴۷  |
| انتظارات در ارتباط با فعالیت‌های شرکت در ماه آینده    | ۶۱/۳۹  |

همچنان وجود دارد. صادرات جهانی همچنان در سرازیری سقوط قرار دارد و فعالیت‌های تولیدی، علی‌رغم برخی علایم کاهش رکود، کمابیش در وضعیت ثابت قرار دارد. مهمترین عامل برای تضعیف اخیر شرایط جهانی، سرریز کاهش تجارت ناشی از تولید به بخش خدمات است. بخش خدمات کمترین میزان رشد را در طول ۳ سال اخیر نشان می‌دهد. اتاق تعاون ایران برای نخستین بار در کشور از مهرماه ۱۳۹۸ نسبت به اجرای طرح شامخ ساختمان اقدام کرده که نتیجه آن بصورت ماهانه توسط مرکز آمار اتاق تعاون ایران منتشر خواهد شد.

### اتاق تعاون ایران - ۲۸ آبان

نفتی بر کاهش اعتبارات عمرانی دولت، کند بودن آهنگ رشد پروژه‌های عمرانی دور از انتظار نیست.

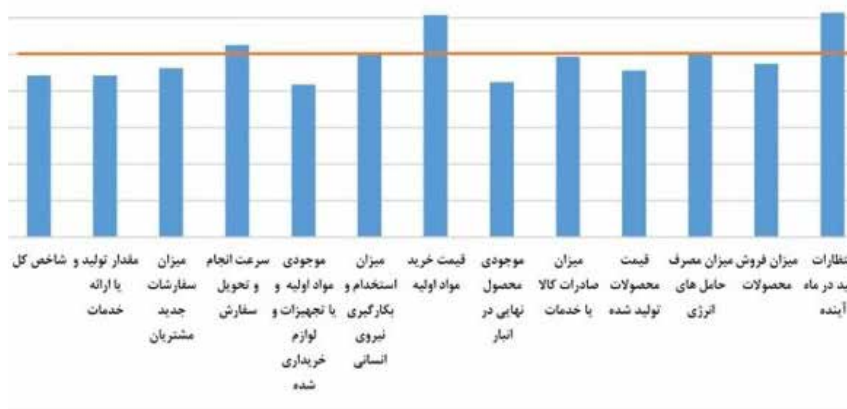
نگاهی به آخرین تحلیل‌های شاخص PMI جهانی در ماه سپتامبر نشان می‌دهد که شاخص PMI در این ماه حکایت از کاهش شتاب رشد اقتصادی جهان دارد و ضعیف‌ترین میزان رشد تولید در سه سال گذشته را نشان می‌دهد. رشد سفارشات جدید به کمترین میزان خود از سال ۲۰۱۲ رسیده است و انتظارات کسب و کارها درباره سال پیش رو نزدیک به حد پایین پرسشنامه ارزیابی شده است. نگرانی‌های تجاری بدلیل افزایش عدم اطمینان‌ها و نگرانی‌ها درباره رشد ضعیف تر اقتصاد،

یافته که در کنار سایر متغیرها نشان از ادامه سایه رکود بر بخش ساختمان کشور دارد. میزان بکارگیری نیروی انسانی و نیز مصرف حامل‌های انرژی با رقم یکسان ۵۰.۶۳ تغییر خاصی نداشته و میزان صادرات نیز با اندکی کاهش عدد ۴۹.۳۷ را نشان می‌دهد. با توجه به کاهش سفارشات و تولید، کاهش موجودی انبار ۴۲.۴۱ منطقی به نظر می‌رسد. نکته جالب توجه به انتظارات مثبت فعالان اقتصادی مرتبط است که با رقم شاخص ۶۱.۳۹، علی‌رغم همه شرایط پیش گفته شده، برای ماه بعد بهبود وضعیت را پیش بینی کرده‌اند.

مطیع جهانی خاطر نشان کرد: با توجه به ارتباط صنعت ساختمان با بسیاری از صنایع و رشته‌های شغلی کشور، دوره‌های رونق و رکود آن مستقیماً به رونق و رکود بخش زیادی از صنایع کشور می‌انجامد. وی افزود: در یک دسته بندی کلی، بخش ساختمان در ایران شامل دو بخش کلی مسکونی و غیرمسکونی (تجاری و عمرانی) است. در بخش مسکونی طبق آمار منتشره توسط بانک مرکزی، در مهرماه ۹۸ تعداد معاملات آپارتمان‌های مسکونی تهران (به عنوان نمونه آماری بزرگ از کل کشور) به ۳۴۰۰ واحد رسیده که هرچند نسبت به ماه گذشته ۲۲ درصد افزایش یافته اما نسبت به ماه مشابه سال گذشته ۶۳.۷ درصد کاهش نشان می‌دهد. متوسط قیمت هر متر مربع نیز به ترتیب ۰.۴ و ۴۷.۷ نسبت به ماه قبل و ماه مشابه سال گذشته افزایش را تجربه کرده است. در حالی که قدرت خرید در این بازار به دلیل تورم بالا همچنان پایین است؛ پیش‌بینی می‌شود طرح اقدام ملی مسکن که با هدف افزایش تولید مسکن و پاسخگویی به نیاز جامعه صورت می‌گیرد، بتواند در صورت اجرای درست و کارشناسانه، در بلندمدت تغییراتی را در بازار مسکن ایجاد کند.

این تعاونگر گفت: در بخش ساخت و سازهای عمرانی نیز بواسطه تاثیر تحریم‌های ظالمانه آمریکا بر درآمدهای نفتی و همزمان تاثیر کاهش درآمدهای

### وضعیت شاخص‌ها در مهرماه ۹۸



### جناب آقای مهندس بهمن دادمان

رئیس محترم هیأت مدیره شرکت پورنام

رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت های ساختمانی ایران

ضایعه درگذشت همسرخواهر بزرگوارتان را خدمت شما و خانواده محترم ایشان تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم رحمت و غفران و علو درجات الهی و برای بازماندگان طول عمر مسئلت می نمایم.

هیأت مدیره و بازرسان سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

### جناب آقای دکتر علیرضا مقدسزاده اردبیلی

مدیرعامل محترم شرکت فرآیند نو

عضو هیات مدیره سندیکای شرکت های ساختمانی ایران

ضایعه درگذشت دایی بزرگوارتان را خدمت شما و خانواده محترم ایشان تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم رحمت و غفران و علو درجات الهی و برای بازماندگان طول عمر مسئلت می نمایم.

هیأت مدیره و بازرسان سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران



HESAB & KETAB  
Accounting Institute.

موسسه

حساب  
و  
کتاب

مشاوره مالی و مالیاتی  
انجمن شرکتهای ساختمانی

این موسسه آمادگی دارد تا با گروهی متخصص و باتجربه پیمانکاران محترم را با آخرین تغییرات قوانین و مقررات مالی و مالیاتی و رعایت آن آشنا نموده و در راستای پیشگیری از پرداخت مالیاتها و جرائم سنگین و ناعادلانه بصورت رایگان اقدام به ارائه مشاوره نماید.

- ۱- ارائه کلیه خدمات حسابرسی صورتهای مالی در جهت اطمینان بخشی، مناقصات، بانکها (اخذ تسهیلات و ضمانتنامه) و ...
  - ۲- ارائه کلیه خدمات حسابداری به شرکتها بصورت پیمانی با بهره گیری از نیروهای حرفه ای در تمام سطوح
  - ۳- نظارت بر واحد مالی شرکتها بصورت پیمانی و ارائه راهکارهای مورد لزوم در جهت بهبود فرآیندهای مالی
  - ۴- تنظیم لایحه دفاعیه و شرکت در کمیسیونهای حل اختلاف مالیاتی
  - ۵- انجام کلیه امور مربوط به اصلاح حسابهای سنواتی و رفع مغایرتها
  - ۶- ارائه مشاوره مورد لزوم در ارتباط با قوانین و آخرین بخشنامه های مالیاتی و استانداردهای حسابداری
  - ۷- مشاوره و راهنمایی در جهت خرید و ارتقاء نرم افزارهای مالی
- مشاوره مالی و مالیاتی بصورت رایگان در محل سندیکا روزهای چهارشنبه از ساعت ۱۳ الی ۱۶- برای اطلاع بیشتر با تلفن ۰۲۶۶۴۶۴۲۶۱ داخلی ۱۰۸ تماس حاصل فرمائید.